



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



کتابخانه دیجیتال مجلس شورای اسلامی

روشکار برقراری روابط سالم و سازنده در خانواده

مجموعه کتاب



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

راهکار برقراری روابط سالم و سازنده در خانواده

نویسنده:

داوود حسینی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۳	راهکار برقراری روابط سالم و سازنده در خانواده
۱۳	مشخصات کتاب
۱۳	اشاره
۲۷	دیبچه
۲۹	پیش‌گفتار
۳۱	بخش اول: کلیات
۳۱	اهمیت و ضرورت بحث
۳۳	زمینه ارتباط
۳۴	پایه‌های روابط
۳۴	اشاره
۳۴	۱. احترام متقابل
۳۴	اشاره
۳۶	الف) نشانه‌های احترام متقابل
۳۷	ب) سلام کردن هنگام ورود به منزل
۳۸	ج) استقبال از شوهر و بدرقه او
۳۹	۲. درک و فهم متقابل
۴۰	۳. واکنش و حساسیت مناسب
۴۱	روابط سازنده
۴۲	روابط مخرب
۴۳	شکل روابط
۴۳	اشاره
۴۴	۱. روابط فیزیکی یا جسمانی
۴۴	۲. روابط اجتماعی

۴۵	۳. روابط عاطفی
۴۷	بخش دوم: انواع روابط اعضای خانواده
۴۷	فصل اول: روابط همسران
۴۷	ویژگی های روابط سالم و سازنده همسران
۴۷	اشاره
۴۷	۱. احترام و تکریم یکدیگر
۴۸	۲. چشم پوشی از خطاها
۵۰	۳. عذرخواهی هنگام اشتباه
۵۰	اشاره
۵۱	الف) آثار عذرخواهی
۵۲	ب) پرهیز از اعتراف بی جا
۵۲	ج) معذرت خواهی زن
۵۳	۴. برخورد منطقی
۵۴	۵. رعایت عفاف و حدود الهی در روابط خانوادگی
۵۵	۶. ایثار و فداکاری
۵۶	عوامل مؤثر در ایجاد روابط سالم
۵۶	۱. شناخت حقوق متقابل
۵۶	اشاره
۵۷	الف) تأثیر آشنایی به حقوق یکدیگر بر ایجاد روابط سالم
۵۸	ب) انواع حقوق متقابل
۶۴	۲. شناخت نیازهای همسر
۶۵	۳. هم سوئی بینش ها و باورهای مذهبی
۶۷	۴. هماهنگی دیدگاه های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی
۶۸	۵. همانندسازی زن و شوهر با یکدیگر
۶۹	۶. گفت وگوهای متقابل و بیان احساسات
۷۰	۷. ارضای نیاز جنسی

۷۲	۸. کسب مهارت در حل مشکلات
۷۴	۹. کمک گرفتن از مراکز و افراد با تجربه و خیرخواه
۷۵	۱۰. هماهنگ کردن خود با شرایط زندگی
۷۶	۱۱. تنظیم رابطه صحیح میان دو خانواده
۷۹	۱۲. خدا ترسی طرفین
۸۰	آثار روابط سالم همسران
۸۰	۱. ایجاد آرامش روانی
۸۱	۲. ارضای نیازهای روحی _ روانی
۸۲	۳. کاهش خواسته های بی جا
۸۲	اشاره
۸۲	الف) خودخواهی ها
۸۲	ب) کمبودهای عاطفی
۸۲	ج) آزمایش همسر
۸۳	د) وعده های پیشین
۸۳	ه) نا آشنایی با مشکل یکدیگر
۸۳	۴. کاهش اختلاف های خانوادگی
۸۵	۵. کاهش طلاق
۸۶	۶. رشد فکری، دینی و فرهنگی خانواده
۸۷	۷. کاهش ناهنجاری ها
۸۹	فصل دوم: رابطه والدین با فرزندان
۸۹	انواع خانواده ها در روابط با فرزندان
۸۹	۱. خانواده های سهل گیر
۹۰	۲. خانواده های سخت گیر و مستبد
۹۰	اشاره
۹۱	الف) آثار این گونه روابط
۹۲	ب) دیدگاه اسلام در این زمینه

۳. خانواده های مقتدر ۹۲
- دیدگاه اسلام درباره روابط مقتدرانه ۹۳
- روابط والدین با کودکان ۹۴
۱. محبت به کودک ۹۴
- اشاره ۹۴
- آثار محبت به کودکان ۹۶
۲. بازی با کودک ۹۷
۳. سلام کردن ۱۰۱
۴. وفای به عهد ۱۰۱
۵. تأمین امنیت ۱۰۲
- روابط والدین با نوجوانان ۱۰۴
۱. ایجاد اعتماد به نفس ۱۰۴
۲. توجه به استقلال طلبی ۱۰۵
۳. راهنمایی به موقع و توجه به مسائل جنسی ۱۰۶
۴. حساسیت در برابر دوستان نوجوان ۱۱۰
۵. آماده سازی شرایط رشد روحی و فکری ۱۱۱
- روابط والدین با جوانان ۱۱۲
۱. تکریم منزلت و شخصیت دهی ۱۱۲
۲. پذیرش ۱۱۳
۳. تبادل عاطفی ۱۱۴
۴. مشورت ۱۱۵
۵. نظارت غیرمستقیم ۱۱۶
۶. زمینه سازی ازدواج ۱۱۷
۷. کمک به انتخاب شغل مناسب یا زمینه سازی آن ۱۱۹
۸. حساسیت درباره دوستان و سرگرمی ها ۱۲۱
- ویژگی های رابطه سالم با فرزندان ۱۲۳

۱. هماهنگی در قول و عمل ----- ۱۲۳
۲. انتظارهای معقول از فرزندان ----- ۱۲۴
۳. گذراندن زمانی با فرزندان ----- ۱۲۵
۴. انتخاب شیوه های مراقبتی آسان ----- ۱۲۷
۵. وضع مقررات روشن و قابل اجرا ----- ۱۲۸
۶. ایجاد ارتباط مناسب با فرزندان ----- ۱۳۰
۷. مشورت با فرزندان ----- ۱۳۲
۸. هنر شنیدن سخنان آنان ----- ۱۳۲
- رابطه پدر با فرزند پسر ----- ۱۳۴
۱. پدر و سازندگی پسران ----- ۱۳۴
۲. پرورش ها و ارشادهای ----- ۱۳۵
۳. جنبه های الگویی پدر ----- ۱۳۶
- رابطه پدر با فرزند دختر ----- ۱۳۸
۱. هدایت و تربیت ----- ۱۳۸
۲. پدر، امید زندگی دختر ----- ۱۳۸
۳. محبت به دختر ----- ۱۳۹
- رابطه مادر با فرزند دختر ----- ۱۴۰
۱. تقلید و همانندسازی ----- ۱۴۰
۲. جنبه الگویی مادر ----- ۱۴۲
- رفتار فرزندان با والدین ----- ۱۴۳
۱. احترام به والدین ----- ۱۴۳
۲. اطاعت از والدین ----- ۱۴۴
۳. احسان به والدین ----- ۱۴۵
- اشاره ----- ۱۴۵
- الف) احسان مادی ----- ۱۴۷
- ب) احسان کلامی و رفتاری ----- ۱۴۷

۱۴۸	۴. دوران پیری والدین
۱۴۸	اشاره
۱۵۰	الف) محبت و ملاحظت
۱۵۰	ب) گفت و گوی ملایم
۱۵۱	ج) فروتنی با سالمندان
۱۵۱	د) دعا در حق پدر و مادر
۱۵۲	۵. رابطه پدربزرگ ها و مادربزرگ ها با نوه ها
۱۵۲	اشاره
۱۵۳	الف) نقش هم بازی
۱۵۳	ب) نقش جانشینی پدر و مادر
۱۵۴	ج) نقش معلمی
۱۵۵	د) نقش میهمان
۱۵۵	راه های ایجاد صمیمیت میان مادربزرگ ها و پدربزرگ ها و نوه ها
۱۵۵	آثار رابطه سالم پدربزرگ و مادربزرگ با نوه ها
۱۵۷	آثار روابط سالم والدین و فرزندان
۱۵۷	۱. استحکام خانواده
۱۵۸	۲. جلوگیری از فرار فرزندان از خانه
۱۶۰	۳. ارضای نیازهای عاطفی فرزندان
۱۶۰	۴. جلوگیری از اعتیاد
۱۶۲	۵. جلوگیری از بزهکاری های اجتماعی
۱۶۳	۶. پیش گیری از افت تحصیلی
۱۶۴	۷. سلامت روانی والدین
۱۶۶	فصل سوم: روابط فرزندان با یکدیگر
۱۶۶	روابط متقابل خواهر و برادر
۱۶۷	حق خواهر و برادر
۱۷۰	عوامل ایجاد آسیب در روابط فرزندان

۱. روابط ناسالم والدین ۱۷۰
۲. تبعیض میان فرزندان ۱۷۱
- اشاره ۱۷۱
- الف) علل تبعیض ۱۷۲
- ب) آثار تبعیض بین فرزندان ۱۷۳
۳. دخالت های نابه جای فرزند ارشد ۱۷۳
- عوارض این دخالت ها ۱۷۴
- ضرورت جلوگیری از دخالت ها ۱۷۴
- فصل چهارم: روابط با خویشاوندان ۱۷۵
- خویشاوندان چه کسانی هستند؟ ۱۷۵
۱. خویشاوندی نسبی ۱۷۵
۲. خویشاوندی سببی ۱۷۶
- صله رحم ۱۷۷
- اشاره ۱۷۷
- معنای صله رحم ۱۷۷
- آیه ها و روایت ها درباره صله رحم ۱۷۹
- آثار صله رحم ۱۸۰
- روایاتی درباره قطع رحم ۱۸۳
- روابط عروس با پدر شوهر و مادر شوهر ۱۸۴
- رابطه داماد با پدر زن و مادر زن ۱۸۶
- بخش سوم همراه با برنامه سازان ۱۸۷
- نقد برنامه های کودک ۱۸۷
۱. برجسته کردن اشتباه های بزرگسالان در برنامه های کودک ۱۸۷
۲. خشونت گرایی ۱۸۸
۳. تخیل گرایی افراطی ۱۸۹
۴. طرح مسائل جنسی پنهان ۱۹۰

۵. رابطه با حیوانات (سگ، گربه و...) ----- ۱۹۱
- نقد برنامه های خانوادگی ----- ۱۹۲
۱. توجه فراوان به عشق های زمینی ----- ۱۹۲
۲. طنزهای مخرب در روابط خانواده ----- ۱۹۲
۳. ضد و نقیض گویی درباره سرپرست خانواده ----- ۱۹۳
۴. کارشناسی های غیراسلامی ----- ۱۹۴
۵. تجمل گرایی ----- ۱۹۵
- نقد و بررسی فیلم ها و برنامه ها در زمینه روابط خانوادگی ----- ۱۹۶
۱. روابط والدین با فرزندان ----- ۱۹۶
۲. روابط فرزندان با والدین ----- ۱۹۷
۳. روابط همسران ----- ۱۹۸
- نقد و بررسی تأثیر روابط ناسالم اعضای خانواده در فیلم ها و سریال ها ----- ۱۹۸
۱. طلاق و جدایی ----- ۱۹۸
۲. فرار فرزندان از محیط خانواده ----- ۱۹۹
۳. بزهکاری های اجتماعی ----- ۲۰۰
- نقد و بررسی تأثیر روابط سالم خانواده در فیلم ها و سریال ها ----- ۲۰۱
۱. موفقیت فرزندان ----- ۲۰۱
۲. موفقیت شغلی همسران ----- ۲۰۱
- پرسش های مردمی ----- ۲۰۲
- پرسش های کارشناسی ----- ۲۰۳
- منابع برای مطالعه بیشتر ----- ۲۰۴
- کتاب نامه ----- ۲۰۵
- درباره مرکز ----- ۲۱۲

راهکار برقراری روابط سالم و سازنده در خانواده

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: راهکار برقراری روابط سالم و سازنده در خانواده/داوود حسینی

مشخصات نشر: قم: مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۴

مشخصات ظاهری: ۱۷۱ص.

وضعیت فهرست نویسی: در انتظار فهرستنویسی (اطلاعات ثبت)

شماره کتابشناسی ملی: ۴۴۳۵۲۰۴

ص: ۱

اشاره

راهکار برقراری روابط سالم و سازنده در خانواده

کد: ۸۵۹

نویسنده: داوود حسینی

ناشر و تهیه کننده: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

چاپ: امیران

صحافی: منتظرالمهدی

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۴

شمارگان: ۱۴۰۰

بها: ۱۱۰۰ تومان

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پست الکترونیکی: [EMAIL: IRC@IRIB.COM](mailto:IRC@IRIB.COM)

تلفن: ۲۹۳۵۸۰۳ و ۲۹۱۰۶۰۲ نماپر: ۲۹۳۳۸۹۲

شابک: ۹۶۴-۸۶۰۶-۹۵-۱-۸۶۰۶-۹۵-۱-۹۶۴ ISBN: ۹۶۴

ص: ۲

برخورداری از پرورش سالم در خانواده که نخستین پایگاه تربیتی است، به فرد این فرصت را می دهد که در اجتماع موفق و قابل احترام باشد. خانواده محل آسایش و آرامش و آبراه کوچکی است که فرد را به اقیانوس جامعه پیوند می دهد. پدر و مادری که در تربیت فرزندان به گونه ای یکپارچه عمل می کنند و انتظاراتی تقریباً یکسان و مشخص دارند، فرزندان را در یک مرکز مدیریت واحد قرار می دهند. اگر والدین بخواهند با فرزندان نشان صمیمی باشند، باید نخست با خود صمیمی باشند. رفتار صمیمانه اعضای خانواده می تواند مسیر صحیح را به فرزندان نشان دهد. نباید با دیدن کوچک ترین تخلف از فرزند، واکنش شدید نشان داد. برخورد منطقی با خطاها و لغزش فرزندان از اصول مهم ایجاد صمیمیت است. امتیاز دادن و تشویق کردن فرزندان در قبال کارهای مثبت نقش ارزنده ای در سازندگی آنها دارد. خانواده باید وقت کافی در اختیار فرزندان بگذارد و با آنها به گفت و گوهای سالم و سازنده بپردازد. از دیدگاه های آنان بهره گیرد؛ زیرا فرزندان دارای فکر و عقیده اند و باید به باورهای آنان نیز احترام گذاشت و با آنان رفتاری عادلانه داشت. والدین باید خانه را محلی امن و پناهگاهی مستحکم برای فرزندان کنند و به یکدیگر احترام بگذارند. در حضور آنان به مشاجره نپردازند و عیب های یکدیگر را بازگو نکنند. هرگز در حضور دیگران، به ویژه همسالان به پند و اندرز دادن آنان نپردازند. همچنین سخنی به آنها نگویند که خود بدان عمل نمی کنند. والدین باید مسئولیت های مختلف زندگی را به فرزندان

خود واگذار کنند تا اهل اندیشه، کار و سازندگی شوند. همچنین باید به فرزندان خود کمک کنند تا درباره دوست درست بیاندیشند و شوق بهتر شدن، با لیاقت بودن، پاکی و عفت در دوستی به وجود بیاورند.

اساساً برخورد سالم و سازنده اعضای خانواده، احترام متقابل نسبت به یکدیگر و خیرخواهی برای خویشاوندان در تکوین شخصیت فرزندان جایگاه ویژه ای دارد. با تشکر از پژوهشگر ارجمند جناب حجت الاسلام والمسلمین _داود حسینی_ که مجموعه پیش رو را تقدیم بهره گیران رسانه اسلامی کرده اند، امید می رود این اثر مورد استفاده برنامه سازان محترم قرار گیرد.

انَّه وَلِيّ التَّوْفِيقِ

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

ص: ۱۶

خانواده با پیمان ازدواج پایه‌گذاری می‌شود و این زوج ستون اصلی حیات‌ترین نهاد اجتماعی، یعنی خانواده را تشکیل می‌دهند.

هر قدر روابط میان همسران بهتر، سالم‌تر و پرجاذبه‌تر باشد، زندگی شیرین‌تر و باصفا‌تر می‌گردد و فرزندان بانشاط و موفق‌تری تربیت می‌شوند.

سلامت، استحکام و اقتدار عاطفی و منطقی خانواده در گرو برخورداری اعضا از بصیرت و بینش اجتماعی و نیز آگاهی‌های لازم در جهت سازندگی و پیش‌گیری از درگیری‌ها، تضادها و کج‌روی‌هاست. بی‌تردید، خانواده‌های لجام‌گسیخته و متزلزل، جامعه متزلزل را پدید می‌آورند. جامعه‌ای که در آن نشانی از خانواده‌های سالم یافت نشود، میزان طلاق روز به روز افزایش می‌یابد و به از هم‌پاشیدن نظام خانواده می‌انجامد.

متأسفانه بخشی از زنان و مردان ما هنر زن بودن و هنر مرد بودن را بلد نیستند؛ یعنی مهارت اداره خانواده را یاد نگرفته‌اند. میانگین زمان برقراری ارتباط کلامی همسران با یکدیگر و کودکانشان بسیار ناچیز و کم است و همین امر، سبب سردی فضای خانواده شده است.

در این مجموعه، مهم‌ترین مسائل مربوط به راهکارهای برقراری روابط سالم و سازنده در خانواده بررسی شده‌اند که عبارتند از: عوامل تحکیم

خانواده و زندگی سالم زوج ها، ارتباط مطلوب همسران، جاذبه ها و دافعه ها، حقوق متقابل و اصول کلی رابطه بین والدین و فرزندان، مادر بزرگ ها و پدر بزرگ ها و دیگر اعضای خانواده که بر اثر ازدواج باهم آشنا می شوند. امید است توانسته باشیم در راه تحکیم نظام خانواده گامی هر چند کوچک برداشته باشیم.

خانواده، از مهم ترین عوامل مؤثر در روابط و محیطی امن برای دستیابی به اهداف عالی انسانی است. خانواده، کانونی است شکل گرفته بر پایه پیمان مقدس ازدواج که با حضور فرزندان، روابط اعضای خانواده، گسترده تر و تأثیرگذاری مثبت یا منفی آنها بر یکدیگر بیشتر می شود. در این میان، ضروری است عوامل ثبات و سازوکارهای ایجاد ارتباط صمیمانه و سازنده را بررسی کنیم و محیطی سالم و با نشاط برای پرورش فرزندان فراهم آوریم.

با نگاهی به وضعیت نابسامان اجتماع درمی یابیم که بیشتر دردها و مشکلات از خانواده سرچشمه می گیرد. در مجموع، خانواده، مرکز هرگونه ثروت مادی و معنوی و کانونی برای پرورش شخصیت انسان هاست. بنابراین، بحث درباره اصول و ضوابط و روابط خانواده بسیار ضروری است.

در این پژوهش برآنیم تا برخی از مسائل ارتباطی در خانواده ها را بررسی کنیم و برای پرسش های زیر، پاسخ هایی منطقی و معقول بیابیم:

۱. روابط سالم و سازنده چگونه روابطی است و در مقابل، روابط مخرب کدام است؟

۲. چه عواملی در ایجاد روابط سالم و سازنده میان همسران نقش اساسی دارد؟ وظیفه متقابل زوجین در برابر یکدیگر چیست؟

۳. فرزندان خانواده باید چه نوع رابطه‌ای با والدین داشته باشند و والدین در مراحل مختلف رشد فرزندان باید چگونه رفتار کنند؟

۴. روابط هر فرد، با دیگر خویشاوندان سببی و نسبی باید چگونه باشد؟

۵. رسانه ملی صدا و سیما در برقراری روابط سالم و سازنده میان اعضای خانواده چه نقشی می‌تواند داشته باشد؟

ارتباط چیست؟

ارتباط، انگاره‌ای است برای سنجش افراد و وسیله‌ای است برای تغییر در سطح رفتار. ارتباط شامل تبادل اطلاعات و چگونگی معنی بخشیدن به این اطلاعات است. شاید تا رسیدن به سن پنج سالگی، بیش از یک میلیارد تجربه شرکت در ارتباط را آموخته باشیم. تا این سن از اینکه چطور خود را ببینیم، از دیگران چه انتظارهایی داشته باشیم و در دنیا، چه چیز به نظرم امکان‌پذیر یا ناممکن می‌آید، تصویرهایی پیدا کرده‌ایم. این تصورها، راهنمای ثابت ما تا پایان عمر خواهند بود. (۱)

ص: ۲۰

۱- [۱]. ویرجینا ستیر، آدم‌سازی در روان‌شناسی خانواده، ترجمه: بهروز بیرشک، تهران، انتشارات رشد، ۱۳۷۰، صص ۴۳ و ۴۴، با تصرف.

زمینه های ارتباطی اشخاص در طول زندگی شان به وجود می آید و بر تمام روابط آنها تأثیر می گذارد. ارتباط در خانواده پدری از فرهنگ، جنسیت، چگونگی برقراری رابطه با دیگران و تجربه های روابط صمیمانه پیشین، سرچشمه می گیرد. اینکه تفاوت در زمینه های ارتباطی به ایجاد رابطه بهتر کمک می کند یا از کیفیت آن می کاهد، بستگی به آگاهی طرفین دارد. هنگامی که از زمینه ارتباطی همسر خود، آگاهی نداریم، به اشتباه تصوّر می کنیم که زمینه ای چون ما دارد، ولی این تصور، آشکارا مشکل ساز می شود. (۱)

در روابط صمیمانه، جنسیت یکی از رایج ترین تفاوت ها در زمینه ارتباط است. برای نمونه، بسیاری از زوج ها نمی دانند که زن و مرد از دو شیوه ارتباطی متفاوت استفاده می کنند. بیشتر مردها بر این باورند که وقتی کسی مشکلش را برای آنها مطرح می کند، انتظار برطرف شدن آن را دارد و به همین دلیل، بی درنگ راه حلی برای مشکل ارائه می دهند. از سوی دیگر، بیشتر زن ها بر این باورند که در میان گذاشتن مشکلات خود با دیگران، حتی اگر مشکل آنها را حل نکند، راهی برای پیوندجویی و رسیدن به احساس حمایت است. بی توجهی به این موضوع، در بیشتر موارد سبب ایجاد ناراحتی می شود؛ زن از مشکلاتش شکایت می کند و مرد راه حل نشان می دهد. در این شرایط، هرگز عجیب نیست اگر زن احساس کند که همسرش به سخنان او گوش نمی دهد و مرد هم به این نتیجه برسد که همسرش تنها قصد

ص: ۲۱

۱- [۱]. فرانک فینچام و دیگران، رابطه همسران، برگردان: مهدی قرچه داغی، تهران، پیک بهار، ۱۳۸۰، ص ۴۷.

شکایت دارد؛ زیرا هرگز به راه حل های پیشنهادی او اهمیت نمی دهد، ولی زوج آگاه از تفاوت زمینه های ارتباطی زن و مرد، گرفتار این برداشت نادرست از ارتباط نمی شوند؛ زیرا هر دو از منظور دیگری آگاهی دارند. وقتی شما و همسران از تفاوت های یکدیگر در زمینه ارتباطی آگاه باشید، این تفاوت ها، مشکلات کمتری ایجاد می کنند و به زندگی، علاقه و تنوع بیشتری می بخشد. (۱)

زمینه ارتباطی هر فرد، همانند عینکی است که از پشت آن به همه رویدادهای زندگی می نگرد. اگر زن و شوهر بدانند از چه عینک هایی استفاده می کنند، به راحتی می توانند واقعیت ها را از برداشت خود از واقعیت ها تشخیص دهند.

پایه های روابط

اشاره

روابط صمیمانه دراز مدت، نیازمند ارزش نهادن به شریک زندگی است که می توان آن را به سه مهارت ارتباطی جداگانه تقسیم کرد:

۱. احترام متقابل

اشاره

مقصود ما از احترام، نگرشی است که در آن، همسران برای هم احترام بسیاری قائلند و یکدیگر را ارزشمند می دانند. افزون بر این، همسران علاقه مندند که این احترام را بر زبان آورند و آن را به نوعی ابراز کنند. بنابر این، تعجب آور نیست که به هنگام بروز تمایل برای حل مشکلات مربوط به زوج، شاهد احترام هستیم. احترام در اصیل ترین شکل خود، به صورت توانایی گوش دادن و توجه به همسر، نشان داده می شود. روشن است که این

ص: ۲۲

توانایی ها، از نگرش صرف فراتر می روند و به ارزش گذاری فعالانه و قدردانی احترام آمیز تبدیل می شوند.^(۱)

احترام، به این معنا نیست که زن و شوهر، عواطف و احساسات خود، مانند خشم، سرسختی، ناراحتی روحی و غیره را از یکدیگر پنهان و آنها را به صورت عقده های روانی روی هم انباشته کنند. خشم های سطحی و بگومگوهای کوتاه میان زن و شوهر در زندگی زناشویی، چون رعد و برق است؛ همیشه پس از رعد و برق باران می بارد و این باران، درخت زناشویی را بارور می کند.

همچنین، احترام متقابل، به معنای انتقاد نکردن از یکدیگر نیست. گاهی لازم است زن و شوهر، آشکارا از رفتار نامناسب یکدیگر انتقاد کنند، ولی باید از تندخویی بپرهیزند تا انتقاد آنان بی اثر و بی نتیجه نباشد.

در روایات اسلامی، به احترام متقابل میان زن و شوهر بسیار سفارش شده است. امام صادق علیه السلام درباره احترام گذاشتن زن به شوهر می فرماید: «هر زنی که به شوهرش احترام بگذارد و آزارش نرساند، خوش بخت و سعادت مند خواهد بود».^(۲)

همچنین ایشان درباره احترام گذاشتن مرد به زن می فرماید: «مردی که همسری اختیار کرد، باید او را گرامی و محترم بشمارد».

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نیز فرمود:

«هر کس به خانواده اش توهین کند، خوشی زندگی را از دست خواهد داد».^(۳)

ص: ۲۳

۱- [۱]. شناخت و درمان اختلاف های زناشویی زناشویی درمانی، ترجمه: حمیدرضا سهرابی، انتشارات رسا، ۱۳۷۷، صص ۱۲۴ و ۱۲۵.

۲- [۲]. علامه محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۵۳.

۳- [۳]. علی مشکینی، مواظظ العددیه، انتشارات صحفی، ص ۱۵۱.

رابطه احترام آمیز میان زوجین، نمودهای ویژه ای دارد. شایسته است که احترام متقابل همسران نسبت به یکدیگر، افزون بر احترام قلبی در برخی رفتارهای بیرونی نیز ابراز شود. این رفتارها عبارتند از:

خواندن همسر به نام مناسب و شایسته شأن او

نام هر فرد بیانگر شخصیت اوست به ویژه اگر نام زیبا و با معنایی داشته باشد. هر کس دوست دارد با نام مورد علاقه و کامل او را صدا بزند. خانم ها بیشتر به این موضوع حساسیت نشان می دهند. از این رو، هر مردی باید همسر خود را با نامی صدا بزند که مورد علاقه اوست. این عمل، در شخصیت دادن به همسر، بسیار مؤثر است و سبب ایجاد عشق و محبت می شود.

برخی همسران از به کار بردن پسوند یا پیشوند مناسبی همراه نام همسرشان در جمع احساس شرم می کنند و او را با نام کوچک صدا می زنند که این امر، سبب تحقیر همسر می شود. هر چند زن و مرد به دلیل احساس نزدیکی و صمیمیت در محیط فردی خود، یکدیگر را بدون لقب و با نام کوچک صدا می زنند، در محیط های جمعی و در حضور دیگران، استفاده از القاب پسوند یا پیشوندهای مناسب، سبب بزرگداشت همسر خواهد شد و این پیام را به دیگران القا می کند که اگر بخواهند همسر شما را مخاطب قرار دهند، به طور کامل و شایسته شأن او، از آن لقب ها استفاده کنند.

بعضی نیز عادت کرده اند که نام همسر خود را به صورت مخفف به کار ببرند. برای نمونه، مردی که همسری به نام «مژده» دارد، او را با لفظ «مژی» صدا می زند. ممکن است این گونه صدا زدن همسر در محیط خصوصی

خانواده، بیانگر صمیمیت میان آن دو باشد، ولی در حضور دیگران چنین نخواهد بود و می تواند دلیل کوچک شمردن همسر باشد.

(ب) سلام کردن هنگام ورود به منزل

همه ما دوست داریم که دیگران به ما احترام بگذارند، ولی این نیاز در خانم ها بیشتر به چشم می خورد به ویژه اگر از سوی همسر باشد. یکی از راه های ابراز احترام به همسر، سلام کردن هنگام ورود به منزل است. هنگامی که شوهر از بیرون و پس از کار به منزل باز می گردد، شایسته است که به اهل منزل به ویژه به همسر خود سلام کند. این تحیت و اهدای دعای زندگی به او آرامش می بخشد و خستگی کار روزانه را از تن او بیرون می کند. احساس می کند که منزلت و شخصیت ویژه ای نزد همسر خود دارد، به ویژه اگر او را مخاطب خاص قرار دهد و مثلاً بگوید: «خانم! سلام، خسته نباشی».

امام صادق علیه السلام فرمود:

وقتی شوهر به خانه وارد می شود، باید به خانواده اش سلام کند و پیش از آن کفشش را به زمین بزند و سرفه کند تا خانواده را از آمدن خود خبر دهد. (۱)

حقیقت این است که میان احساس احترام و کرامت فرد و ابتلا به انحراف های اخلاقی، رابطه معکوس وجود دارد. این قاعده کلی در مورد همسران هم صادق است. به همان اندازه که زوجین منزلت و احترام یکدیگر را رعایت کنند، از آلودگی ها و لغزش ها فاصله می گیرند و به نسبتی که خود را نزد همسر خود بی ارزش احساس کنند، در وادی انحرافات گرفتار

ص: ۲۵

می شوند و پاکی و صفای خود را از دست می دهند و احترام را بیرون از فضای خانواده جست و جو می کنند.

ج) استقبال از شوهر و بدرقه او

یکی از نمودهای احترام زن به شوهرش، استقبال هنگام ورود به منزل و بدرقه او هنگام خروج از منزل است. هنگامی که خانم خانه با چهره ای خندان در را به روی مرد می گشاید، اثر نیکویی بر روان مرد خواهد گذاشت. شاید مرد در بیرون از خانه با ده ها مشکل روبه رو بوده و با روحی پژمرده و تنی خسته وارد خانه شده است در این حال، به پیشواز رفتن همسر با چهره باطراوت و باصفا، روح تازه ای در کالبد خسته او می دمد و دلش را آرامش می بخشد.

ممکن است خانم ها از این سخن تعجب کنند و بگویند: «چه پیشنهاد عجیبی! زن به استقبال شوهر برود و خوش آمد بگوید! بیگانه و غریبه نیست تا نیاز به استقبال و خوش آمد داشته باشد.» شاید هم گفته شود چون با هم مانوس و صمیمی هستیم، انتظار احترام ندارد ولی باید گفت چنین نیست و از شما بیشتر از دیگران انتظار احترام دارد. اگر به او احترام نگذاشتید و سکوت کرد، دلیل آن نیست که توقع احترام ندارد، بلکه برای رعایت حال شما، از خواسته درونی خویش چشم پوشی کرده است. (۱)

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

وظیفه زن این است که تا در خانه به پیشواز شوهر برود و به وی خوش آمد بگوید. (۲)

ص: ۲۶

۱- [۱]. ابراهیم امینی، همسررداری، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸، صص ۴۰ و ۴۱.

۲- [۲]. حسین نوری، مستدرک الوسائل، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، ج ۳، ص ۵۵۱.

درک و فهم نیز فرآیند پیچیده‌ای است که همسران به وسیله آن اطلاعات متقاعد کننده و توضیح دهنده‌ای از یکدیگر کسب می‌کنند. می‌توان به همسران آموزش داد که هنگام پیدا شدن ابهام، عبارت ساده زیر را بیان کنند: «مطمئن نیستم که حرف هایت را به خوبی می‌فهمم، می‌توانی بیشتر توضیح بدهی؟» این جمله، به ظاهر تقاضایی ساده برای کسب اطلاعات بیشتر است. با وجود این، در معنای ظریف تر، همسران در لفافه می‌گویند: «من به واقع تلاش می‌کنم که این مسئله را از دیدگاه تو ببینم.» در حقیقت، این همه آن چیزی است که درک و فهم به آن مربوط می‌شود؛ یعنی توانایی دانستن و درک هم دلانه آنچه همسر تجربه کرده است. افزون بر این، نوعی پذیرش تجربه نیز هست. این به آن معنا نیست که همسران، پیوسته، با یکدیگر موافقتند، بلکه به این معناست که آنان به چارچوب‌های داوری یکدیگر، مشروعیت می‌بخشند. (۱)

زن و شوهر در دو خانواده و دو فرهنگ جداگانه پرورش یافته‌اند. پس اندیشه‌ها، سلیقه‌ها، طرز تلقی‌ها و برداشت‌های متفاوتی دارند. بدین ترتیب، در هر مسئله‌ای می‌تواند اختلاف نظرهایی وجود داشته باشد. در این اختلاف نظرهاست که هر یک، شیوه‌ای را برمی‌گزینند و چون به توافق نمی‌رسند، می‌گویند که همسر مرا درک نمی‌کند که این سبب پیدایش انفجاری در زندگی خانوادگی است. در صورتی که اگر بکوشند یکدیگر را بشناسند و از علاقه‌ها و اندیشه‌های هم آگاه شوند، بی‌گمان، به موفقیت‌ها و توافق‌هایی

ص: ۲۷

دست می یابند. آنان در راه درک یکدیگر و رسیدن به تفاهم، باید به این اطمینان برسند که محبوب یکدیگرند و در میانشان پیوندی حقیقی وجود دارد.

در محیط خانوادگی، گاه زن و مرد یکدیگر را درک نمی کنند و بدون در نظر گرفتن توان یکدیگر، هر یک از دیگری انتظاراتی دارند که خارج از توان اوست و بر همین اساس، همواره میان آن دو جنگ و جدال وجود دارد. در حالی که اگر هر دو همدیگر را درک کرده بودند، به جای درگیری، سازش و سازگاری میان آن دو پدید می آمد. (۱) فراموش نکنیم که درک کردن هنگامی است که انتظارات افراد از دیگران، با توانایی های آنها برابر باشد. در چنین شرایطی است که تلاش، کوشش و امید حرکت کردن پدید خواهد آمد، ولی هنگامی که انتظاراتها بیش از توانایی فرد باشد، درک کردن وجود ندارد. در نتیجه، سردی، یأس و سکون پدید خواهد آمد؛ زیرا اگر کسی را درک نکرده باشیم، دچار رنج و ملال می شود و از حرکت و پویایی باز خواهد ماند. (۲)

۳. واکنش و حساسیت مناسب

آگاه بودن از نیازهای همسر، از عناصر اساسی فرآیند ارتباط است. برخی از همسران در شناخت خواسته های همسرشان کوتاهی می کنند و در برخی موارد، زمانی را برای شنیدن نیازهای همسرشان اختصاص نمی دهند. همچنین زوج هایی نیز هستند که از بیم سوءاستفاده، تصمیم می گیرند نسبت به

ص: ۲۸

۱- [۱]. مجید رشیدپور، تعادل و استحکام خانواده، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۳، ص ۱۵۳.

۲- [۲]. همان، ص ۱۵۴.

یکدیگر حساس نباشند. در همه این موارد، نتیجه نهایی یکسان است؛ همسران در شناسایی یا ارضای نیازهای یکدیگر، شکست می‌خورند. بنابراین، از هم دورتر و دورتر می‌شوند. (۱)

اگر زن و شوهر بکوشند یکدیگر را بهتر بشناسند، سنگ بنای یک رابطه سالم و سازنده را پایه‌گذاری کرده‌اند. نبود شناخت کافی از موضوعی که با آن روبه‌رو می‌شویم، سرگردانی را در پی دارد و واکنش در برابر آن، با ناپختگی همراه خواهد بود. رسیدن به تفاهم، نیازمند شناخت طرف مقابل است تا بتوان در برابر آن حساسیت مناسب نشان داد. همسرانی که اندیشه‌ها، علاقه‌ها و خواسته‌های همسر خود را به خوبی می‌شناسند و در موقعیت‌های گوناگون در برابر آنها از خود واکنش مناسب نشان می‌دهند، هیچ‌گاه در روابطشان با مشکل روبه‌رو نمی‌شوند و با شناختی که از حالت‌های روحی همسر خود دارند، در برابر خواسته‌های او واکنش مناسبی خواهند داشت.

روابط سازنده

در روابط سالم و صحیح، طرفین در مبادله اطلاعات و احساسات، در فضایی مناسب مشارکت می‌کنند، با یکدیگر هماهنگی دارند و در این ارتباط، هر دو، ارزش بالایی برای خود در نظر می‌گیرند. به طور کلی، روابط انسان‌ها با یکدیگر، بر پایه دو بینش متضاد استوار است: «کرامت» و «اهانت»؛ یعنی یا

ص: ۲۹

بر پایه تکریم شخصیت است یا بر پایه تحقیر شخصیت. ما در برخوردها و ارتباط هایمان با دیگری، بر پایه برداشت خود از او، با وی رفتار می کنیم. اگر انسان را موجودی با شخصیت و با عزت بدانیم، می کوشیم این کرامت را در او تقویت کنیم و اگر او را دارای کرامت نفس ندانیم، می کوشم او را تحقیر کنیم.^(۱)

از دیدگاه اسلام، ارتباطی سالم است که بر پایه تکریم شخصیت و عزت نفس و احترام متقابل افراد انسانی استوار باشد. روابطی که بر این اساس پایه گذاری شود، افراد را در برابر انحراف ها ایمن می کند، چنان که امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید: «مَنْ كَرَمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ شَهْوَتُهُ»^(۲) کسی که از کرامت نفس برخوردار شد، شهوات نفسانی در نظرش خوار و ناچیز می آید».

روابط مخرب

اساس روابط ناسالم، تحقیر شخصیت طرفین است. در چنین روابطی تفهیم و تفاهم، دشوار و ارتباط بیشتر فیزیکی است تا قلبی و احساسی. هر یک در لاک خود فرورفته اند و برای حل معضلات خود تلاش می کنند. در این حالت ارتباط اعضای خانواده با یکدیگر، رو به ضعف می نهد و گفت و گوها گاه یک سویه و بسته است.

روابطی که بر اساس همدلی نباشد، مخرب است. طرفین رابطه، آمادگی پذیرش نظرهای یکدیگر را ندارند و همین پذیرفتن سخنان یکدیگر، به از

ص: ۳۰

۱- [۱]. رضا فرهادیان، تربیت برتر، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ص ۲۲.

۲- [۲]. غرر الحکم، ص ۶۶۹.

میان رفتن درک و تفاهم می انجامد و سرانجام، ناسازگاری را در پی خواهد داشت. گاهی این تعارض ها موجب درگیری های لفظی شدیدی می شود و همین پرخاشگری ها، اختلال های شدید روانی ایجاد می کند. این رابطه نامناسب میان والدین، به دیگر اعضای خانواده، یعنی فرزندان نیز منتقل می شود و تأثیر نامطلوبی در شبکه ارتباطی و رفتاری آنان برجای می گذارد.

بررسی ها آشکار کرده است که در این گونه خانواده ها، نارضایتی ها و برخوردهای نامناسب و ناسالم، بیماری های جسمانی، افسردگی ها، اضطراب ها و کاهش سلامت روانی را پدید می آورد، به گونه ای که بسیاری از فرزندان این خانواده ها، اعتماد به نفس کمتری دارند و با احساس تنهایی و بی تفاوتی، شکست های خود را به دیگران ربط می دهند و همواره با ناکامی و افت تحصیلی روبه رو می شوند.^(۱)

شکل روابط

اشاره

انسان به برقراری ارتباط با اطرافیانش نیاز دارد و هیچ گاه مایل به ترک این روابط نیست و در هر مرحله ای از رشد، این رابطه به گونه ای ویژه نمایان می شود. در برخی مراحل خواهان گونه ای از روابط و با رشد بیشتر، در پی برقراری رابطه ای دیگرگون با دیگران است.

به طور کلی، شکل روابط انسان با دیگران را می توان به سه دسته تقسیم کرد: روابط فیزیکی یا جسمانی؛ روابط اجتماعی؛ روابط عاطفی.

ص: ۳۱

۱. روابط فیزیکی یا جسمانی

نخستین ارتباط والدین _ به ویژه مادر _ با کودک، ارتباط جسمانی و فیزیکی کامل است. در مراحل نخستین به وجود آمدن کودک؛ یعنی در دوران جنینی، ارتباط جسمانی مادر و جنین، چنان محکم و استوار است که حتی خود مادر نیز با جنین خود احساس دوگانگی نمی کند. وقتی مادر، وجود فرزند را در درون خود احساس نمی کند، خود و جنین را دو چیز نمی داند، بلکه جنین را عضوی از اعضای بدن خود می شمارد.

چنین ارتباطی به تدریج کاهش می یابد و کودک به آرامی، مسیر استقلال جسمانی از مادر و اطرافیان خود را می پیماید. با تولد، کودک از بدن مادر جدا می شود، ولی هنوز به مادر و آغوش او وابسته است و گاهی نیز در آغوش پدر یا دیگران جای می گیرد. این وابستگی به تدریج چنان کاهش می یابد که از حد دست دادن یا در کنار یکدیگر نشستن و روبوسی کردن، فراتر نمی رود. حتی در مواردی _ به ویژه در دوره نوجوانی _ ممکن است نوجوان از این گونه تماس ها نیز گریزان باشد و مایل نباشد که حتی مادر یا پدر خود را ببوسد. (۱)

۲. روابط اجتماعی

کاهش در ارتباط فیزیکی و جسمانی معمولاً با افزایش ارتباط اجتماعی؛ یعنی چشم در چشم داشتن، با یکدیگر گفت و گو کردن، در کنار یکدیگر بودن و... همراه است. ارتباط اجتماعی معمولاً پیرو عادت های عرفی است. هر جامعه ای بر پایه عرف خود، اشکالی از ارتباط اجتماعی را برای والدین و

ص: ۳۲

۱- [۱]. علی اصغر احمدی، اصول تربیت، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۸، ص ۲۲۳.

فرزندان تعریف می کند و عمل به آن را از آنان انتظار دارد. بر پایه عرف ما، انتظار می رود که فرزند به والدین خود سلام کند، حرمت آنها را نگه دارد و از آنان اطاعت کند. در مقابل، انتظار می رود که والدین نیز به فرزند خود با محبت توجه کنند، حرمت او را پاس دارند و نیازهایش را بر طرف سازند.

ارتباط اجتماعی، سطحی پیشرفته تر نسبت به ارتباط فیزیکی و جسمانی است.

در حقیقت، ارتباط جسمانی کودک پس از رشد بیشتر و بهتر، کاهش می یابد و بر ارتباط اجتماعی اش با والدین، هم سالان، مریبان و اطرافیان افزوده می شود. (۱)

۳. روابط عاطفی

ارتباط عاطفی، بر پایه عشق و محبت استوار است. ارتباط اجتماعی، مقدمه برقراری ارتباط عاطفی است، ولی عین آن نیست. رابطه اجتماعی با دیگران، همیشه به تعامل عاطفی نمی انجامد و حتی در بسیاری موارد، افراد در ارتباط اجتماعی، بر خلاف تشخیص عاطفی خود عمل می کنند.

در ارتباط عاطفی، تبادل محبت و عواطف وجود دارد و کمبود توجه و احساسات مثبت از سوی اطرافیان جبران می شود و خلاء عاطفی از میان خواهد رفت. این نوع رابطه می تواند به صورت ابراز علاقه، گفت و گوهای دو طرفه و درک طرف مقابل نمایان شود.

رابطه عاطفی، از نخستین نیازهای انسان است. هر چند کودک با پرورش و رشد ممکن است از نیاز جسمانی و فیزیکی بی نیاز شود، ولی هیچ گاه از

ص: ۳۳

توجه و محبت دیگران بی نیاز نمی شود و این نیاز تا آخرین مراحل زندگی هم وجود دارد. هر چه رابطه عاطفی شخص با اطرافیان قوی تر باشد، آرامش روانی بیشتری برای او به ارمغان می آورد و در میان جمع، صمیمیت بیشتری احساس خواهد کرد.

فصل اول: روابط همسران

ویژگی های روابط سالم و سازنده همسران

اشاره

روابط سالم و سازنده میان همسران بر اصول تربیتی خاصی بنا نهاده شده که رعایت این ضوابط، می تواند کانون خانواده را گرم تر و بنیان آن را محکمتر کند. مهم ترین اصول ارتباطی میان همسران عبارتند از:

۱. احترام و تکریم یکدیگر

در زندگی مشترک، شاید رعایت کامل آداب امکان پذیر نباشد، ولی وجود احترام متقابل، اصلی اساسی است. درگیری ها و اختلاف های آشکار، هنگامی پدید می آیند که پرده حرمت میان آن دو دریده شود و طرفین برای یکدیگر ارزش و احترامی قائل نباشند.

مهم ترین شیوه برای جلوگیری از پیدایش درگیری ها میان زن و شوهر، تحکیم روابط آنان است. تکریم همدیگر، طرفین را به یکدیگر علاقه مند

می کند. حرمت گذاردن به هم، یک حسن است و هر زن و مرد باید نکات مثبت زندگی همسر خود را بیابد و او را برای آن نکات مثبت تکریم کند. (۱)

بزرگداشت و تکریم شخصیت، نیاز طبیعی هر انسانی است. انسان به دلیل غریزه حب ذات که در طبیعت او نهاده شده، به ذات خویش علاقه دارد و مایل است دیگران نیز شخصیت او را بپذیرند و گرامی بدارند.

اگر نیاز طبیعی تکریم شخصیت هر فرد در خانواده تأمین شود، احساس آرامش و اعتماد به نفس می کند، توانایی های خود را به کار می بندد و با دلگرمی و امید به موفقیت و کسب رضایت دیگر اعضای خانواده در مسیر زندگی قدم بر می دارد. همچنین به خانواده، همسر و دیگر مردم خوش بین می شود و آنان را قدرشناس و قابل اعتماد می شناسد و از همکاری با افرادی که قدر او را می دانند و شخصیتش را گرامی می دارند، هراسی ندارد. (۲)

چنانچه کرامت انسانی حفظ نشود، سوءظن ها و بدبینی ها سراسر وجود او را فرا می گیرد و در پی انتقام جویی بر خواهد آمد. از این رو، در احادیث معصومین علیهم السلام درباره کسانی که تحقیر شده اند و به عزت نفس آنها خدشه وارد شده است، روایت های زیادی وجود دارد.

امام صادق علیه السلام نیز می فرماید: «ما مِنْ رَجُلٍ تَكْبَرُ إِلَّا لِدَلَّةِ وَجَدِّهَا فِي نَفْسِهِ؛ هیچ کس تکبر و طغیان نمی کند، مگر در اثر ذلتی که در نفس خویش احساس می کند». (۳)

۲. چشم پوشی از خطاها

بیشترین سفارش اسلام در مورد مسائل خانوادگی، گذشت و چشم پوشی

ص: ۳۶

۱- [۱]. علی قائمی، خانواده و مسائل همسران جوان، تهران، انتشارات امیری، ۱۳۶۲، ص ۲۵۸.

۲- [۲]. ابراهیم امینی، اسلام و تعلیم و تربیت ۲، تهران، انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۲، ص ۱۷۸، (با کمی تلخیص).

۳- [۳]. محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، تهران، مکتبه الاسلامیه، ۱۳۹۷ ه. ق، ج ۲، ص ۳۱۲.

زن و شوهر از لغزش‌ها، کج خلقی‌ها و اشتباه‌های یکدیگر است؛ زیرا زن و شوهر همانند دیگر انسان‌ها، روحیات و طرز تفکری دوگانه دارند. آنهایی که مدعی‌اند در همه موارد مانند هم می‌اندیشند و موافق و هماهنگند، شاید هنوز زمینه و موقعیتی نیافته‌اند که خصلت‌های واقعی همدیگر را بشناسند. حتی اگر زن و شوهری با روحیه مشترک پیدا شوند، باز هم هیچ یک از اشتباه و خطا و عصبانیت در امان نیستند. از این رو، اهمیت گذشت و تأثیر آن در تداوم روابط سالم آشکار می‌شود. (۱) وجود گذشت، بی‌گمان کانون خانواده را با حرارت نگاه می‌دارد، عشق و محبت را افزایش می‌دهد و اختلاف و مشاجره را پایان می‌بخشد. گذشت، نشانه حسن نیت و خوش بینی به زندگی است. گذشت و چشم‌پوشی در عواطف طرفین اثری نیکو دارد و طرز فکر و شیوه عمل آنان را متحول خواهد کرد. چه بسیار تیرگی‌ها که در پرتو این صفت از میان برخاسته و جای خود را به صفا و صمیمیت سپرده است. (۲)

عیب‌جویی، گل‌دوستی و محبت را پژمرده می‌کند و عیب‌بینی، خارزار خشم و دشمنی را در دل می‌پرورد و زندگی خانوادگی را به تلخی و جدایی می‌کشاند. در عین حال، دستور زندگی، صبر و شکیبایی در برابر مشکلات و گذشت و فداکاری برای ادامه حیات است به ویژه به هنگام رفتار نابخردانه همسر، این گذشت و نادیده گرفتن، برای فرد ضروری است؛ زیرا بی‌تابی در برابر این امور، سبب شکست در زندگی می‌شود. (۳)

ص: ۳۷

۱- [۱]. احمد حسینی، بهداشت روانی ازدواج و همسر‌داری، تهران، انتشارات مفید، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۰۸.

۲- [۲]. همان، ص ۲۰۱.

۳- [۳]. محمد رضا کاشفی، آیین مهرورزی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶، ص ۱۷۸.

زن و شوهر، باید توجه کنند که انسان به آسانی و به سرعت نمی تواند به خطاها و اشتباه های خود پی ببرد، بلکه باید با شیوه ای بسیار لطیف و با روشی بسیار ملایم و دقیق، او را به قلّه آگاهی رسانید. خداوند در قرآن کریم سفارش می کند که از خطاهای دیگران چشم پوشی کنید، بلکه خطای آنان را نادیده بگیرید.

«وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفِحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ آنها باید عفو کنند و چشم ببوشند. آیا دوست نمی دارید خداوند شما را ببخشد؟! و خداوند آمرزنده و مهربان است.» (نور: ۲۲)

۳. عذرخواهی هنگام اشتباه

اشاره

انسان های غیرمعصوم، حتی پاک ترین و آگاه ترین آنها، در برخی موارد دچار لغزش و خطا می شوند. البته درجه آن در افراد، متفاوت خواهد بود. عده معدودی از خطاهای بسیار مبراینند و به اصطلاح، کم اشتباه هستند.

در زندگی خانوادگی، گاهی اشتباه ها و لغزش ها همانند لکه هایی سیاه، چهره حیات زناشویی را زشت و نفرت انگیز و حتی در مواردی، ارکان آن را متزلزل می کنند. ما گاه بر اثر ندانم کاری ها، تربیت نادرست، بی حوصلگی ها و عقده ها، همسرمان را از خود می رنجانیم. برای نمونه، با نیش زبان او را می آزاریم، با به رُخ کشیدن فقر و ناداری اش، با اخم ها و افاده فروشی ها، دلش را به درد می آوریم و تعادل روانی او را بر هم می زنیم. این رفتار، زندگی را بی معنا می کند و گاه دشواری هایی پدید می آورد و کار را به درگیری می کشاند. (۱) آنچه می تواند کدورت ها را از میان بردارد و صفا و

ص: ۳۸

صمیمیت را در روابط خانوادگی برقرار کند، عذرخواهی هنگام خطا و اشتباه است.

عذرخواهی به دلیل اشتباهی که از انسان سرزده است، محبت، مودت و صمیمیت را پدید می آورد. در زندگی زناشویی، طبیعی است که گاه شوهر دچار خطایی شود و زن را رنجور و افسرده کند. با این حال، اگر به دنبال اشتباه، عذرخواهی و پوزش نباشد، اثر ناگوار آن برای همیشه در روح و روان طرف مقابل به جا می ماند؛ زیرا او همواره همسر خطاکارش را در برابر چشم خود می بیند و هاله ای از نفرت، بدبینی و کدورت در خانه آنان حکم فرما می گردد. با گفتن جمله کوتاه «معذرت می خواهم»، همه این ها از میان می رود و حتی باعث سربلندی و سرافرازی شخص عذرخواه در نگاه همسرش می شود و عذرخواهی کردن به هنگام خطا و اشتباه را به او هم می آموزد. (۱)

الف) آثار عذرخواهی

اعتراف به اشتباه و عذرخواهی از همسر، می تواند آثار پرشماری در زندگی مشترک داشته باشد:

یک _ این کار، رشته پیوند همسران را محکمتر می کند و جلو درگیری ها و عقده سازی ها را می گیرد و خانه را به صورت پناهگاهی مطمئن و امن، محفوظ می دارد.

دو _ اعتراف به لغزش، فرد را از عذاب روحی که بدان دچار شده است، رهایی می بخشد.

ص: ۳۹

سه _ عذرخواهی از اشتباه ها، سبب شناخت از خود و جبران کاستی ها می شود. این مسئله که انسان، ضعف ها و قصور خود را با واقع بینی بپذیرد و افزون بر اعتراف به آنها، بکوشد تا آنها را جبران کند، کاری پسندیده است. چه از این بهتر که در این راه، با خشنود کردن همسر، محبت و کمک او را نسبت به خود جلب کند و دریچه ای از زندگی سالم را به روی خود بگشاید. (۱)

(ب) پرهیز از اعتراف بی جا

در مواردی، همسرانی را می بینیم که برای خاتمه دادن به دعوا و درگیری، به گناه ناکرده و خطای انجام نشده اعتراف می کنند و لب به عذرخواهی می گشایند. اینان می خواهند به هر وسیله، خودخواهی و خودپسندی همسرشان را اقناع کنند و آرامش نسبی در خانه فراهم آورند. این رفتار در موارد حاد، شاید مفید و مؤثر باشد، ولی در درازمدت، آثار بدی به همراه دارد.

(ج) معذرت خواهی زن

این هشدار برای مرد مطرح است که اگر به خطا و لغزش همسر خود پی برد، دیگر در پی آن نباشد که او را به اقرار وادارد یا با شدت و غلظت بایستد و پافشاری کند که باید از رفتارش معذرت بخواهد. این امر، غرور زن را می شکند و عاطفه او را جریحه دار می کند.

ویژگی اساسی زن، عاطفه و ویژگی اساسی مرد، تسلط بر خود و مآل اندیشی است. (۲) اگر عاطفه اش جریحه دار شود، دیگر نمی تواند همسری

ص: ۴۰

۱- [۱]. خانواده و مسائل همسران جوان، ص ۱۵۰.

۲- [۲]. همان، ص ۱۵۲.

مهربان برای شما و مادری ارزشمند برای فرزندتان باشد. شما در تمام مسیر حیات، باید روح، عواطف و احساساتش او را به خاطر آورید و جنبه انسانی او را هم در نظر بگیرید و بدانید که احساس سرشکستگی وی، حتی برای شما هم گران تمام خواهد شد. (۱)

۴. برخورد منطقی

یکی از ویژگی های روابط سالم و سازنده همسران، برخورد انسانی و منطقی با هم، با وجود انتقادات و اعتراض ها به عملکرد یکدیگر است. هر چند در مواردی، امکان به کرسی نشاندن سخن خویش وجود دارد، ولی منطقی و رفتار منصفانه، مانع چنین رفتاری می شود. همچنین ممکن است توقع حقی را از همسر خود داشته باشد، ولی وقتی با دیدی منطقی به آن می نگرد، درمی یابد که دست یابی به آن امکان پذیر نیست و از توانایی او خارج است.

تعادل در زندگی مشترک هنگامی به وجود می آید که روابط متقابل بر پایه های عقلانی استوار باشد. آدمی به دلیل حب نفس (خود دوستی)، پیوسته به منافع شخصی گرایش دارد و سیاست کسب منفعت و دفع ضرر را بر روش های دیگر ترجیح می دهد. چنین نگرشی در دوران مجرد، تا حدودی عملی و امکان پذیر است، ولی در زندگی مشترک، به دلیل پیدایش روابط و مناسبات جدید، سلیقه های شخصی زن و شوهر در تقابل با یکدیگر قرار می گیرد؛ چون هر یک، از دریچه منفعت شخصی به زندگی می نگرد و ترجیحات او، از نوع نفسانی است تا عقلانی. (۲)

ص: ۴۱

۱- [۱]. همان.

۲- [۲]. محمد رضا شرفی، خانواده متعادل، تهران، انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۴، ص ۹۶.

در چنین شرایطی، همسرانی که اخلاق ملایم و تربیت صحیحی دارند، می توانند به جای به کار بردن سلیقه شخصی و حاکمیت زور و قدرت در عرصه زندگی، روش های استوار و مطلوبی برای حل اختلاف سلیقه های خود بیابند و منطق را در زندگی شان حاکم کنند. همسران، به ویژه مردها باید این واقعیت را بپذیرند که هرگز اعمال قدرت، قدرت نمی آفریند، بلکه از زور و قدرت زمانی استفاده می شود که فرد از راه های دیگر مأیوس شود. (۱)

۵. رعایت عفاف و حدود الهی در روابط خانوادگی

بسیاری از اختلافات و درگیری ها بدان دلیل است که طرفین به اصول و ارزش های دینی و اخلاقی خود و همسرشان پای بند نیستند و هرگونه رفتار خلاف و ناشایستی را مرتکب می شوند، بدون اینکه از آن بیمناک باشند. حفظ عفت و تقوا برای ادامه زندگی سالم، ضروری است و زن و شوهر در این باره باید مراقب باشند و ارزش های دینی را رعایت کنند.

حفظ تقوا و عفاف، نه تنها از دید مذهب که حتی از دید انسانی هم برای تداوم حیات زناشویی ضروری است. حیات خانوادگی در سایه پاکدامنی به دست می آید، زن و مرد با رعایت تقوا و حفظ عفاف می توانند همسر خویش را از آسیب پذیری حفظ کنند و نقایص یکدیگر را بپوشانند. چنان که خداوند در قرآن می فرماید: «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ و انتم لِبَاسٌ لَهُنَّ؛ آنان (زنان) لباس شما هستند و شما (مردان) لباس آنانید». (بقره: ۱۸۷)

همسران عقیف، لباس و پوشش همدیگر هستند و این زیباترین و کامل ترین تعبیری است که خداوند درباره حفظ عفت و چگونگی روابط

ص: ۴۲

همسران بیان فرموده است. زن و شوهر پس از ازدواج، در حصن و حصاری که خداوند برایشان معین فرموده است، جای می گیرند. خنده و معاشرتشان حتی با محارم مقید می شود تا سبب بدگمانی ها و تحریک ها و بددلی ها نشود.

مرد حق ندارد با هر زنی بگوید و بخندد، بدان حساب که چشم و دلش پاک است و زن هم حق ندارد با هر اجنبی مشاوره یا گفت و گو داشته باشد، بدان حساب که قصد سوئی ندارد. دست، چشم، گوش و دل، بیش از پیش باید به فرمان خدا باشند و معاشرت ها، خنده ها، نگاه کردن ها و سخن گفتن ها نباید چنان باشد که غیرت ها و حسادت ها را برانگیزاند. (۱)

۶. ایثار و فداکاری

هر چند آشنایی به حقوق در روابط زناشویی و رعایت حقوق متقابل، همسران را از سردرگمی نجات می دهد و وظایف هر یک را مشخص می کند، این نکته را نباید فراموش کرد که محیط خانه را نمی توان همانند محیط نظامی دانست یا ضوابط اداری را در خانه اجرا کرد. خانه، مرکز صفا و صمیمیت و انس است که در عین رعایت تکلیف، باید بر پایه ایثار و فداکاری اداره شود. در روابط همراه با ایثار، سخنی از فخرفروشی نیست و توقع های بیش از اندازه وجود ندارد. زن و شوهر در پی آن نیستند که رتبه، مقام، مال و زیبایی خویش را به رخ دیگری بکشند. در روابط همراه با ایثار، هر چه هست، صفا و گذشت، صمیمیت و اخلاص است. برخوردها به گونه ای است که گویی طرفین در هاله ای از قداست و نورند و زندگی شان همانند حیات فرشتگان است. یکی از جنبه های ایثار و فداکاری، هم یاری و

ص: ۴۳

همکاری مرد با زن در کارهای خانه است. اگر مرد می خواهد در دل همسر خود محبت به وجود آورد، باید در خانه همکار او باشد.

روزی حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به خانه علی علیه السلام وارد شد. علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام را دید که به کمک یکدیگر با آسیاب دستی آرد می کنند. پیامبر فرمود: کدام یک خسته ترید؟ علی علیه السلام عرض کرد: فاطمه خسته تر است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله او فرمود: برخیز، دخترم! فاطمه علیها السلام برخاست و پیامبر به جای او نشست و علی علیه السلام را در آرد کردن کمک کرد. (۱)

عوامل مؤثر در ایجاد روابط سالم

۱. شناخت حقوق متقابل

اشاره

در خانواده سالم، طرفین به تعهدات خود پای بندند و در برابر لغزش ها، حساسیت های نابخردانه نشان نمی دهند. چه بسا خانواده هایی هستند که در اثر ناآگاهی از ضوابط و حقوق یا بی توجهی به اصول زندگی مشترک، همواره دچار درگیری و اختلافند و فرصت عمر را که باید صرف خودسازی شود، در راه مشاجره و اختلاف ها از دست می دهند.

در زندگی زناشویی، اصل بر مؤدت، صفا و ایثارگری است، ولی نباید فراموش شود که اندازه خواسته ها و تلاش ها نمی تواند بی حساب و بر پایه سلیقه های شخصی باشد. اگر شما بخواهید در زندگی زناشویی و در کنار همسر، حقی را به خود اختصاص دهید، ناگزیرید همان حق را برای

ص: ۴۴

همسران نیز قائل باشید و بی گمان، تا هنگامی که شما حق همسر را به جا نیاورده اید، نمی توانید توقع ادای آن را از او داشته باشید.

شناخت حقوق متقابل و توجه به این حقیقت که پذیرش حقی برای یک فرد، برای طرف مقابل، تکلیف آور است، زندگی را از زوایای تاریک بیرون می آورد و ابعاد وظایف همسران را روشن خواهد کرد. آگاهی به حقوق و وظایف خود، مقدمه عمل است و از بسیاری اختلاف ها و درگیری ها میان آن دو پیش گیری می کند.

الف) تأثیر آشنایی به حقوق یکدیگر بر ایجاد روابط سالم

تعیین حقوق، روابط را بر پایه ضوابط استوار و مرز توقع ها را مشخص و معلوم می کند و باعث می شود که هر کس از دیگر افراد خانواده، توقعی بیش از اندازه نداشته باشد. همچنین سبب می شود که هر کس بر اساس ضوابطی، کار و برنامه ای را برای خود معین کند و از آن مرز فراتر نرود. در این صورت، روابط خانوادگی محکم و باثبات می شود، احترام ها و تصمیم ها، برنامه ریزی و ضابطه دار می شوند، همراهی و تعاون در پی آن معنا پیدا می کند، امیال و خواسته ها محدود می شوند و افراد در مسیر شرع گام بردارند.^(۱)

اگر انسان، همسر خویش را امانتی الهی بداند و با رعایت حقوق او، زمینه آرامش و امنیت فکری و روحی _ روانی را در منزل پدید آورد، همسر او هم می تواند با نیروی کامل و افکاری سالم و روحیه ای پرنشاط، وظیفه همسری

ص: ۴۵

۱- [۱]. علی قائمی، خانواده و نقش بنیادین آن، تهران، سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۰، ص ۱۵۲.

را به جا آورد و محیطی آرمانی برای تکامل یکدیگر و پرورش و رشد نسلی پاک فراهم کند.

(ب) انواع حقوق متقابل

خانواده از یک نظر مؤسسه حقوقی است و روابط اعضای آن به ناچار باید بر پایه ضوابطی باشد. بنابراین، حقوق خانواده را می توان در سه قسمت بررسی کرد:

یک _ حقوق مشترک زن و شوهر

برخی از وظایف مشترک زن و شوهر عبارتند از:

_اول _ سکونت مشترک: یکی از حقوق مشترک زن و مرد، زندگی در کنار هم و در زیر یک سقف است. این حق مرد است که شب هنگام که به منزل برمی گردد، حضور همسر خود را در خانه احساس کند. همچنین زن حق دارد در منزلی زندگی کند که شوهر در آنجا آرامش پیدا می کند. زندگی خانوادگی که مرد در ایران، زن در اروپا و فرزندان در جایی دیگر، سکونت داشته باشند، در واقع، زندگی نیست. در این صورت، شوهر دیگر شوهر نیست، بلکه عامل و کارگزار همسر و فرزندان است.

_دوم _ هم خوابی: این تنها حقوق مشترک برای زن و شوهر است که در سایه پیمان مشروع، روابط آمیزشی با هم داشته باشند که هدف آن، هم ارضای غریزه و هم تولید نسل است.

زن و شوهر باید همیشه آماده این رابطه باشند و یکدیگر را از این نظر راضی کنند. منع روابط مشروع، هم امری خلاف شرع است و هم باعث بسیاری از آلودگی هاست؛ زیرا زن و مردی که نیاز خود را از راه مشروع

برآورده نسازند، در صورت ضعف ایمان، از طریق نامشروع برآورده خواهند ساخت. (۱)

— سوم — تکمیل و تکامل: از دیگر حقوق زن و شوهر، کمک به تکمیل و تکامل یکدیگر است. زن و شوهر باید زمینه رشد مادی و معنوی یکدیگر را فراهم آورند.

دو — حقوق اختصاصی زن بر شوهر

زن و شوهر در زندگی زناشویی حقوق ویژه ای دارند. حق زن بر مرد، با الهام از ارزش های اسلامی و حقوق مدنی عبارت است از:

اول — حق نفقه و تأمین معیشت

نفقه شامل غذا، لباس، مسکن، نیازمندی های زندگی، حتی هزینه آرایش براساس شأن و نیاز است. همچنین اگر زن به دلیل بیماری یا نقص عضو، نیازمند خدمتکار باشد، بر مرد است که برای او در صورت توانایی، خدمتکاری فراهم کند.

از جنبه حقوقی این مسئله که بگذریم، توسعه در زندگی و فراهم کردن رفاه خانواده و همسر سبب رضایت پروردگار می گردد. امام سجاد علیه السلام در این باره می فرماید: «ارضاکم عندالله اوسعکم علی عیاله؛ محبوب ترین شما نزد خداوند، کسی است که بر عیال خود وسعت ایجاد کند». (۲)

به نظر می رسد که توجه به این حق، کانون خانواده را آرام و سالم می سازد و سکون و تعادلی در زندگی پدید می آورد و فرصت بیشتری به

ص: ۴۷

۱- [۱]. همان، ص ۱۱۶.

۲- [۲]. محمدبن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ج ۵، ص ۱۳۲.

زنان برای انجام وظایف طبیعی خود می دهد. (۱)

دوم _ رفتار خوش و احترام به زن و تکریم شخصیت او

از وظایف شوهر این است که با همسر خود رفتاری مناسب داشته باشد، با اخلاقی رفتار کند خوش و به او احترام گذارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید: «مَنْ اتَّخَذَ زَوْجَةً فَلْيُكْرِمَهَا؛ کسی که زنی را به همسری برمی گزیند، بر وی واجب است که او را احترام کند». (۲)

سوم _ ابراز محبت و ایجاد فضای گرم در خانواده

توجه به عواطف و احساسات زن، ابراز محبت و علاقه به او، مساعد کردن شرایط خانه برای آرامش و آسایش او و توجه به این نیاز طبیعی، از وظایف مهمی است که هر مردی باید به آن توجه کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْثَةِ إِنِّي أُحِبُّكَ لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا؛ اگر مردی به همسرش ابراز محبت کند و به او بگوید تو را دوست دارم، این سخن هرگز از قلب زن خارج نخواهد شد». (۳)

چهارم _ رعایت عدالت و ضایع نکردن حقوق او

از وظایف مهم در مورد همسر، رعایت عدالت و خودداری از تضييع حقوق اوست. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ ضَيَّعَ مَنْ يَعْوَلُ؛ لعنت شود کسی که ضایع کند (حقوق) عائله اش را». (۴)

پنجم _ پاکیزگی مرد

ص: ۴۸

۱- [۱]. احمد صافی، خانواده متعادل، تهران، انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۴، ص ۴۴.

۲- [۲]. مکارم اخلاق.

۳- [۳]. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۰.

۴- [۴]. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۲.

وظیفه دیگری که مرد در برابر زن دارد، پاکیزه نگاه داشتن خود است؛ زیرا کثیف بودن مرد، افزون بر اینکه ستم به زن است، گاهی باعث بروز خطرهایی برای عفت زن می شود!

امام هشتم، علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمود: «إِنَّ التَّهْيَةَ مِمَّا يَزِيدُ فِي عِفِّ النِّسَاءِ...؛ زینت کردن مرد و خود را پاک و آماده ساختن، به پاکی و عفت زن، کمک زیادی می کند».(۱)

«حسن بن جهتم» وقتی می بیند امام کاظم علیه السلام محاسن خود را «حنا» بسته است، شگفت زده می شود. از این رو، با کمال شگفتی می پرسد: «پسر پیامبر! قربانت شوم، خضاب کرده ای؟» امام فرمود: «آری، زینت و خودآرایی مرد، موجب افزایش عفت و پاکدامنی زن می شود؛ زیرا زن به شوهر آراسته خود نگاه می کند و به دیگران چشم نیاز نمی دوزد. چه بسا زنی هست که در اثر بی توجهی شوهرشان به پاکیزگی، به ناپاکی و بی عفتی افتادند! افزون بر این، مگر تو دوست داری همسرت ژولیده و کثیف باشد؟» پاسخ داد: «نه». فرمود: «زن هم چنین است. پاکیزگی و خوش بو کردن بدن و کوتاه کردن مو، از اخلاق پیامبران است».(۲)

بنابراین، مرد باید برای همسر خود پاکیزه و آراسته باشد تا مهرش در دل او پایدار بماند. رعایت این نکته، به ویژه در جوامع امروزی ضروری تر است؛ زیرا وسوسه ها بسیار و عوامل گمراهی و انحراف زیادند. فضاهای باز اجتماعی با وجود همه جنبه های مثبت، میل به تنوع طلبی را در افراد افزایش

ص: ۴۹

۱- [۱]. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۸۳، باب ۱۴۱، ح ۱.

۲- [۲]. همان.

می دهد و افراد دون همت و سست ایمان را و می دارد که در مواردی، در برابر وسوسه های ناپسند تسلیم شوند. (۱)

سه _ حقوق اختصاصی شوهر بر زن

از دیگر عوامل مؤثر در تداوم خانواده، این است که زنان، حقوق شوهر را بشناسند و آن را به گونه ای نیکو ادا کنند. این حقوق عبارتند از:

اول _ پیروی از شوهر: در اموری که شرع مقدس بر آن تأکید کرده است.

دوم _ حق آمیزش و تمکین: یکی از غرایز مهم و حیاتی آدمی، غریزه جنسی است و ازدواج، وسیله ای برای ارضای صحیح این غریزه و جلوگیری از انحراف و آلودگی است. در منطق اسلام، ارضای غریزه جنسی برای همسران جز در موارد ممنوع و خاص، منع نشده است و زن موظف است ممانعتی به وجود نیاورد و ادای حق شوهر را به بهانه های گوناگون به تأخیر نیندازد و حتی مسئولیت زمینه سازی آن را نیز بپذیرد. (۲)

_ سوم _ حفظ عفت: حفظ عفت برای زن هم وظیفه ای شرعی است و هم با آرامش بخشی به شوهر، باعث حفظ عفت او نیز می شود.

_ چهارم _ مدیریت خانه: مدیریت زن در خانه در راستای مدیریت مرد است که شامل این موارد می شود: و توجه به اقتصاد خانواده و بهداشت، تغذیه متناسب با توانایی مرد و وادار نکردن مرد بر آنچه توانایی آن را ندارد.

_ پنجم _ زینت و آرایش کردن برای شوهر: زینت کردن از وظایف ضروری و ارزنده زن است. آرایش زن در خانه و برای شوهر، به هر صورت، نه تنها از

ص: ۵۰

۱- [۱]. آیین مهرورزی، ص ۱۸۲.

۲- [۲]. خانواده متعادل، ص ۴۷.

نظر اسلام مانعی ندارد، بلکه وظیفه ای مقدس و ستوده است. اسلام در این زمینه برای حفظ شخصیت انسانی زن، زینت و آرایش او را تنها در خانه و برای شوهر روا دانسته و زن را از زینت و آرایش برای غیر شوهر خود به شدت منع کرده است.

امام باقر علیه السلام فرمود:

سزاوار نیست، زن بدون زینت باشد، اگر چه بنا باشد گردن بندی بیاویزد. شایسته نیست دست خود را بی رنگ بگذارد، بلکه دست کم حنایی به دست بکشد، اگر چه زن سالخورده باشد. (۱)

و در روایت دیگر، امام صادق علیه السلام فرمود:

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرسیده شد: «زن برای شوهر نابینا چگونه آرایش کند؟! حضرت فرمود: عطر بزند و خضاب کند تا از بوی آن، مرد لذت ببرد.» (۲)

چه بسیارند مردانی که به دلیل مشاهده دل فریبی ها در خارج از خانه و روبه رو شدن با وضع زننده و نابهنجار همسر خود در خانه، به انحراف کشیده شده اند. متأسفانه بعضی بانوان برای شوهرشان در خانه هیچ گونه آرایشی نمی کنند و لباس های چرکین و کهنه می پوشند، ولی از لباس های خوب و زیبای خود برای بیرون و مهمانی استفاده می کنند. این در حالی است که بر اساس روایت ها، زن موظف است خود را در خانه و برای شوهرش آرایش و زیبا کند و از آرایش بیرون از خانه پرهیزد.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله به زنی با نام حولا می فرمود:

ص: ۵۱

۱- [۱]. همان، ص ۱۹۹، ح ۲.

۲- [۲]. وسائل الشیعه، ج ۱۴، باب ۸۵، ص ۱۱۸، ح ۱.

زینت و آرایش خود را برای غیرشوهر آشکار مساز... کسی از شما، که به خدا و روز قیامت عقیده دارید، برای غیرشوهر زینت نکنید و اگر چنین کنید، دین شما فاسد و تباه می شود و مورد خشم و غضب خداوند قرار می گیرید. (۱)

۲. شناخت نیازهای همسر

نیازهای انسان، حد و مرزی ندارند. بخشی از آنها تخیلی و غیر منطقی اند که فرد به ناممکن بودن آنها آگاه است، ولی گاهی در رؤیا به آنها می اندیشد و از نظر روانی به گونه ای، آرام و دلخوش و به این وسیله تخلیه روانی می شود. بخشی دیگر نیز به نیازها و انتظاراتی او از خود و دیگران مربوط است.

نیازهای فرد از خود که جنبه عملی و منطقی دارند، باعث انگیزه و در نتیجه، تحرک و فعالیت او می شود. برآورده شدن بخشی که مربوط به دیگران است، مشخص نیست. این خواسته ها و نیازها نیز می تواند منطقی و واقعی یا بدون حد و مرز باشند.

در روابط میان زن و شوهر، به دلیل اشتراک در پاره ای از زمینه ها، خواسته ها و نیازهای متقابلی وجود دارد که بخشی از آن طبیعی است. آگاهی به اینکه چه نوع و تا چه اندازه، انتظاراتها، خواسته ها و نیازهای زن و شوهر از یکدیگر طبیعی و منطقی است، از نکته های مهمی است که باید به آن به دقت توجه کرد. (۲)

ص: ۵۲

۱- [۱]. مستدرک الوسائل، کتاب النکاح، ج ۱۴، باب ۴۰، ح ۲.

۲- [۲]. حسین عسگری، نقش بهداشت روان در ازدواج، زندگی زناشویی و طلاق، تهران، انتشارات گفت و گو، ۱۳۸۰، ص ۲۶۶.

اگر مردی دوست دارد که در هر فرصتی به گردش و مسافرت برود، باید به یاد داشته باشد که همسر او نیز چنین نیازی دارد و داشتن فرزند و مسئولیت خانه داری، دلیلی بر این نیست که زن فرصت گردش و مسافرت ندارد یا همیشه باید در خانه بماند. (۱)

۳. هم سوئی بینش ها و باورهای مذهبی

یکی از شرایط ازدواج در اسلام، «کفو» بودن است و نخستین مرتبه از کفو بودن، همسانی مذهب و دین است. مسلمان نمی تواند با کافر ازدواج کند. اختلاف در مذهب، یکی از عوامل مهم درگیری و از هم پاشیدگی خانواده است.

زندگی یک مسلمان بر پایه اسلام و فرهنگ اسلامی است و غیرمسلمان بر پایه فرهنگ غیراسلامی خود عمل می کند. در زندگی مشترک باید مواضع مشترک وجود داشته باشد. چگونه دو نفر که دو فرهنگ متضاد دارند، می توانند به هنگام اجرا و عمل هماهنگ باشند. از این رو، یا گرفتار اختلاف و نزاع می شوند یا یک طرف باید از مواضع خود چشم پوشی کند. (۲)

این جاست که اسلام در آغاز ازدواج، مسئله کفو بودن در مذهب و دین را مطرح می کند تا افزون بر جنبه های معنوی دیگر، کانون خانواده از گرمی و عاطفه مذهبی نیز بهره مند باشد.

بی گمان، از مهم ترین عوامل پیوند پایدار، هم سوئی بینش ها و باورهای دینی و پای بندی عملی زوجین به ارزش ها و فرایض شرعی است. به همین

ص: ۵۳

۱- [۱]. همان، ص ۲۶۷.

۲- [۲]. حبیب الله طاهری، سیری در مسائل خانواده، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰، ص ۱۱۳.

دلیل، مردان و زنان خدا باور و پاک اندیش، در آرزوی داشتن همسری مؤمن و نیک سیرت و عمل کننده به ارزش های قرآنی هستند. چنین گرایشی در روابط خانوادگی، برخاسته از نهاد پاک و فطرت کمال جوی انسان است و از همین روست که خداوند متعال، بهترین ازدواج را وصلت پاکان و متقیان با یکدیگر می داند: «الطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَ الطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ؛ زنان پاک از آن مردان پاک و مردان پاک از آن زنان پاکند». (نور: ۲۶)

خصلت های پاک بشری ناشی از خدا باوری و تقوای پیشگی است و تقوای پیشگی نیز حاصل توحید و معاداندیشی. به بیان دیگر، نزد زنان و مردان پاک دل، ارزشمندترین معیار، انتخاب همسری همراه و همدلی نیک سرشت، خدا پرست و معاد باور است و این ویژگی ها، از گران بهاترین و پایدارترین جاذبه ها در زندگی زناشویی به شمار می آید. (۱)

کم توجهی یا بی توجهی به این امر مهم در روابط زناشویی، به معنای بنا کردن ستون های کانون زندگی بر زمینی سست و ناپایدار است. چگونه ممکن است که از همان آغازین روزهای زندگی مشترک، «زن» سحر گاهان و با نغمه اذان برخیزد و نماز صبح بگذارد و «مرد» همچنان تا ساعتی پس از طلوع آفتاب، در بستر آرمیده باشد؟! یا به عکس. (۲)

بنابراین، حفظ و تقویت مستمر و تعالی باورها و ارزش های مذهبی به وسیله زوجین، از مؤثرترین عوامل و قوی ترین جاذبه های زندگی مشترک است و برخورداری از اندیشه مذهبی مشترک و همگامی و همراهی در

ص: ۵۴

۱- [۱]. غلامعلی افروز، همسران برتر، تهران، انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۷، صص ۶۵ و ۶۶.

۲- [۲]. همان، ص ۶۶، با کمی تلخیص.

پای بندی به فریضه های مذهبی، زیباترین «حلقه روابط سازنده» را به همسران ارزانی می دارد.

۴. هماهنگی دیدگاه های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی

هماهنگی و هم سوئی دیدگاه های اجتماعی و باورهای فرهنگی، از دیگر عوامل مؤثر در ایجاد روابط سالم و سازنده میان همسران است. بی گمان، آنان که در اعتقادات و بینش های عمیق دینی و رفتارهای متعالی مذهبی، هم سوئی کامل دارند، در نگرش ها و برداشت های اجتماعی و فرهنگی نیز اندیشه و زبان مشترک خواهند داشت. برای نمونه، هنگام طرح مباحثی همچون تحصیل، کار و فعالیت اجتماعی «زنان» در عرصه های مختلف، زن و مرد بر اساس مبانی و ارزش های اسلامی و معیارهای قرآنی و به دور از تعصبات فردی و جنسیتی و مشاجره ها و جدال های بیهوده، به صراحت و آسانی، مواضع فکری مشترک و مشابهی را اعلام می کنند. اینان با صداقت و صلابت از جایگاه و منزلت «زنان» که آرامش بخشان کانون خانواده اند، سخن می گویند و بر این باورند که به هنگام ضرورت و به اندازه توان، زنان آماده خدمت به جامعه در زمینه تعلیم و تربیت و بهداشت خواهند بود. اینان هرگز تحصیل و تحقیق را در انحصار مردان نمی بینند و در زمینه ارتباطات اجتماعی، انتخاب شیوه زندگی و فرزندپروری نیز آرای مشابهی دارند.^(۱)

در زمینه سیاسی، افراد گاه خود را پیرو یک ایسم یا مکتب می دانند و حتی ممکن است در این راه و در طرفداری از آن مکتب افراط کنند. اگر

ص: ۵۵

۱- [۱]. همان، ص ۶۷، با کمی تلخیص.

تفکر سیاسی زوجین یکسان نباشد، چه بسا به اختلاف هایی بینجامد و این اختلاف ها به روابط سالم آسیب برساند. طرز فکر درباره اصل حکومت و هیئت حاکمه، مسئولان اجرایی کشور، خوش بینی و یا بدبینی به آنها، اعتقاد به درستی یا نادرستی کارگزاران جامعه و در نهایت، موضع گیری های مثبت یا منفی در مورد رهبری، باید واحد باشد.

هماهنگی در زمینه فرهنگی نیز در ایجاد روابط سالم و سازنده نقش مهمی دارد. اگر زن و شوهر هنگام ازدواج، همان گونه که کفو بودن در اعتقادات دینی را در نظر گرفته اند، به کفو بودن در فرهنگ و سطح فکر هم توجه کرده باشند، مسئله و اختلافی نخواهند داشت؛ یعنی با خانواده ای ازدواج کنند که در آن طرز فکرها، آداب و رسوم، خلیقات و ارزش هایشان شبیه هم باشد.

در نظر گرفتن سطح تحصیلات می تواند در این زمینه مؤثر باشد؛ بعضی افراد در آغاز ازدواج به فردای خود فکر نمی کنند و شرایطی را به هنگام انتخاب همسر می پذیرند که ممکن است در آینده مشکلاتی در روابط آنان ایجاد کند. مردی که تحصیلات عالی دارد، با زنی بی سواد یا کم سواد ازدواج می کند. پس از چندی، به فکر ارزیابی خود و او می افتد و می کوشد برتری علمی خود را ثابت کند و نشان دهد که زن، درک و فهم کافی و هماهنگی لازم را برای زندگی با او ندارد که سرانجامی جز پیدایش درگیری ها و خدشه دار شدن روابط سالم همسران نخواهد داشت.

۵. همانندسازی زن و شوهر با یکدیگر

پس از ازدواج، رابطه میان زن و شوهر سبب می شود که هر کدام به گونه ای از اندیشه ها، باورها و رفتارهای دیگری تأثیر بگیرد و بعضی از آنها

را بپذیرد و در نتیجه، هر دو از یک الگوی مشترک پیروی کنند. این همان حالتی است که در آن، زن و شوهر به نوعی رابطه تعادل یافته دست می یابند. این همانندسازی سالم و طبیعی با تعادلی که در نتیجه تعارض ها و کشمکش های میان آن دو برقرار می شود، تفاوت دارد. در همانند سازی، پذیرش تفکر و رفتار یکدیگر با میل و به دلخواه است؛ در حالی که در نوع دیگر، این کار به ناچار و برخلاف خواسته و میل انجام می شود. (۱)

۶. گفت وگوهای متقابل و بیان احساسات

ارتباط زوج ها با یکدیگر باید با کلام و با احساس باشد تا صمیمیت و صفا در میان آنها به وجود آید. بسیاری از افراد، هرگز احساسات خود را به همسرشان ابراز نمی کنند؛ چون از آن بیم دارند که رفتارشان احمقانه به نظر برسد و بر این باورند که ابراز احساسات، نوعی رفتار کودکانه است. بیشتر زن ها از ارتباط با همسرشان شکایت دارند، ولی برای بهتر شدن این روابط گامی بر نمی دارند و آنچه را در درون خود دارند، بیان را نمی کنند.

هنگامی که زن و شوهر احساس خود را با هم در میان می گذارند، کم کم دوست می شوند و از حالت زن و شوهری فراتر می روند. این عنصر دوستی را بیشتر زوج هایی که با هم روابط خوبی دارند، به زبان می آورند: «ما دوستان خوبی هستیم. می توانیم درباره هر موضوعی با هم حرف بزنیم.» از آن رو که بیشتر ازدواج ها به دلیل جاذبه های جنسی شروع می شود و پای دوستی در میان نیست، برخی زوج ها هرگز دوست خوب بودن را نمی آموزند.

برای دوست خوب بودن باید نظرها و احساسات را در میان گذاشت.

ص: ۵۷

امروزه بسیاری از زوج های جوان نمی خواهند دوستی را به عرصه روابط زناشویی وارد کنند و بر این باورند که ماهیت دوستی تغییر می کند و آنها مایل نیستند که روابط زناشویی خود را به خطر بیندازند، ولی این باور که زن و شوهر نمی توانند دوستان یکدیگر باشند، نادرست است. (۱)

۷. ارضای نیاز جنسی

بدون شك اگر گزینه جنسی در انسان ها نبود، تن به ازدواج و تشکیل خانواده نمی دادند و هرگز از پدر و مادر خود جدا نمی شدند و مسئولیت های دشوار زندگی مشترک را نمی پذیرفتند. همه انسان ها بر پایه کشش و جاذبه گزینه جنسی ازدواج می کنند و بدین وسیله نسل بشر استمرار و دوام می یابد.

توجه به این نکته، بسیار حساس، لازم و ضروری است که گزینه جنسی همان گونه که عامل اساسی پیدایش خانواده و زندگی مشترک است، در استمرار و پایداری خانواده نیز نقش بسیار مهمی دارد.

پژوهش ها نشان می دهند که علت بسیاری از طلاق ها، ارضا نشدن درست و متعادل این گزینه است. سرد مزاجی زنان یا مردان یا اهمیت ندادن به ارضای صحیح و طبیعی گزینه جنسی، خانواده را در آستانه فروپاشی قرار می دهد. (۲)

به اعتقاد ما، روابط زناشویی با ارضای گزینه جنسی فرق دارد؛ چه بسیارند افرادی که ازدواج می کنند، ولی به هیچ وجه گزینه جنسی آنان ارضا و اشباع نمی شود. به بیان دیگر، تحقق ارضای جنسی تنها در ارتباط با

ص: ۵۸

۱- [۱]. همان، با کمی تلخیص.

۲- [۲]. تعادل و استحکام خانواده، ص ۱۰۲.

برقراری روابط جسمی نیست، بلکه احتیاج به آمادگی های جسمی، روحی و روانی دارد. مردان باید بدانند زنان تنها به عمل جنسی نیاز ندارند، بلکه از نظر روحی و تمایلات زنانگی احتیاج دارند که مردان، زن بودن و تمایلات زنانگی آنان را تأیید کنند. (۱)

بسیاری از مردان، بدون توجه به این نکات عاطفی و روانی، زن را در بلوغ جنسی و لذت جنسی یاری نمی کنند، بلکه شخصیت او را نادیده می گیرند و در عمل، او را در حدّ یک وسیله و ابزار تنزل می دهند.

علی علیه السلام فرمود:

هر گاه یکی از شما اراده کرد که با همسرش هم بستر شود، نباید در انجام این کار شتاب ورزد؛ زیرا زنان نیازمندی هایی دارند. (۲)

روابط زن و شوهر در خانواده و در حضور فرزندان، باید به طور کامل به دور از جنبه های جنسی باشد. کودکان پس از سن تمییز، معمولاً به روابط پدر و مادر خویش حساس می شوند و با نوعی کنجکاوی آن را دنبال می کنند. پدر و مادر در حضور کودکان نباید در یک رختخواب بخوابند و اگر اتاق مستقلی ندارند، باید از دو بستر جدا از هم استفاده کنند. به کودکان آموزش دهند که پیش از ورود به اتاق خواب پدر و مادر حتما در بزنند و اجازه بگیرند و هرگز بدون اجازه و سرزده وارد نشوند. (۳)

ص: ۵۹

۱- [۱]. مجید رشید پور، روان شناسی ازدواج در اسلام، تهران، انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۶۵، چ ۱، ص ۹۱.

۲- [۲]. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۸۳.

۳- [۳]. محمد علی سادات، راهنمای پدران و مادران، قم، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲، چ ۲، ج ۲، ص ۱۴۷.

رعایت موازین اخلاقی و تربیتی در روابط میان والدین به ویژه در رابطه زناشویی که عاملی زیربنایی است، بسیار اهمیت دارد، چنانکه خداوند در قرآن مجید می فرماید:

ای کسانی که ایمان آورده اید! بردگان شما و همچنین کودکانتان که به حد بلوغ نرسیده اند، در سه وقت باید از شما اجازه بگیرند؛ پیش از نماز صبح، نیمروز هنگامی که لباس های (معمولی) خود را بیرون می آورید و پس از نماز عشا. این سه وقت خصوصی برای شماست... (نور: ۵۸)

۸. کسب مهارت در حل مشکلات

یکی از عوامل مهم آسیب پذیری خانواده، نبود شناخت و آگاهی است. بنابراین، آموختن دانش های لازم، شرکت در کلاس های آموزشی و مذهبی و مطالعه کتاب هایی درباره آیین همسررداری، می تواند به افزوده شدن سطح آگاهی و شناخت همسران، کمک کند. بدیهی است پس از کسب آگاهی های لازم در روابط زناشویی و شناخت مشکلاتی که ممکن است در این رابطه پدید آید و فراگیری راه حل های معقول و منطقی برای رفع این مشکلات، زندگی از پایداری لازم برخوردار خواهد شد.

در اینجا، راه حل های ساده ای را که برای ایجاد زندگی سالم و سازنده می توان از آنها استفاده کرد، بیان می کنیم.

الف) اگر شوهر شما عصبی و مضطرب وارد منزل می شود، بررسی کنید و ببینید چه عواملی او را ناراحت می کنند. در این مرحله، ممکن است نیاز باشد همانند یک پیاز، پوسته های فشار را یکی یکی از تن او بر کنید و به تدریج از سنگینی بارش بکاهید. ممکن است شوهر با سوء تفاهم هایی روبه رو

باشد به دلایل واهی هراسان باشد. پس وقت صرف کنید و او را بشناسید. (۱)

ب) با شوهرتان مانند یک پادشاه در خانه رفتار کنید. وقتی با او این گونه رفتار کنید، به احتمال زیاد او هم با شما مانند یک ملکه رفتار خواهد کرد. حتی به خاطر خوشی و شادی خود، بکوشید که شوهرتان را شاد و خوشبخت کنید. کاری کنید که بتواند با اطمینان خاطر، با دنیا و مسائلش روبه رو شود. این باور را نباید فراموش کرد که پشت سر هر مرد پیروز، یک زن پشتیبان ایستاده است.

ج) به رابطه ای که با شوهرتان دارید، بی اعتنا نشوید. به یاد ایام خوشی بیفتید که با شوهرتان سپری کرده اید. هرگز اجازه ندهید همسرتان به این نتیجه برسد که شما فرصتی برای توجه به او ندارید. اجازه ندهید حالا - که صاحب فرزند هستید، همسرتان گمان کند که فرصتی ندارید تا صرف او کنید.

د) از همسرتان تعریف کنید. درباره آنچه تاکنون بی توجه از کنار آن گذشته اید، حرف بزنید. برای نمونه، اگر همسرتان ساعت شش صبح از خواب بیدار می شود تا برای شما و فرزندانتان صبحانه ای مهیا کند، از این کار او تعریف کنید. مثلاً بگویید: «عزیزم، از اینکه برای ما زحمت می کشی، متشکرم. خیلی از زن ها را می شناسم که تا ساعت نه صبح می خوابند». (۲)

ه) به جای هدایای گران بها، وقت تان را صرف همسر خویش کنید. آیا تا کنون اتفاق افتاده به خانه بیاید و ببینید که همسرتان سردرد دارد؟ چه

ص: ۶۱

۱- [۱]. پرومود بترا و دیگران، راه های ساده برای زندگی سعادت مند، ترجمه: مهدی قرچه داغی، تهران، نشر نخستین، ۱۳۸۰، چ ۳، ص ۴۶.

۲- [۲]. همان، ص ۷۲، با کمی تلخیص.

می کنید؟ چه کمکی به او می کنید؟ به او پیشنهاد می کنید که او را نزد پزشک ببرید و او ناگهان به گریه می افتد.

تجربه نشان می دهد که زن در این مواقع، به پزشک احتیاج ندارد. به جای آن، می خواهد شما قدری از اوقات خود را صرف او کنید. تمام مدت روز از سر و کله زدن با بچه ها و کارهای منزل خسته شده است. به همین دلیل، هنگامی که دیروقت به منزل برمی گردید، منفجر می شود. انفجارهای او را نادیده بگیرید. خداوند در زن ها و بچه ها دریچه های اطمینانی گذاشته که می توانند ناراحتی شان را تخلیه کنند. هر وقت فرصتی پیدا می کنید، او را با خود به اجتماعات مذهبی ببرید. (۱)

۹. کمک گرفتن از مراکز و افراد با تجربه و خیرخواه

از دیگر عوامل مفید در ایجاد روابط سالم بین همسران، مراجعه به مراکز مشاوره و درخواست کمک از افرادی است که در زمینه خانواده دارای تخصص و تعهد باشند.

خانواده ها درباره کمک گرفتن از مراکز و افراد بیرون از خانواده برای رفع مشکلات، نظریات متفاوتی دارند. برخی بر این باورند که اقوام، دوستان، گروه ها و مراکز مشاوره، حامیان خوب و ارزشمندی هستند و برخی دیگر، دخالت این افراد را دلیل ناتوانی خود به شمار می آورند؛ چون از دیرباز چنین شنیده اند که خانواده خوب، خانواده ای است که مسائلش را خود حل و فصل کند. اگر جز در مواقع اضطراری از کسی کمک بگیرد، نشانه آن است که به اندازه دیگر خانواده ها خوب و موفق نیست.

ص: ۶۲

منشأ این تفکر هر چه باشد، متأسفانه هنوز در جامعه ما طرفدارانی دارد، ولی تجربه نشان داده است، خانواده ای که در پی برقراری روابط سالم و سازنده در میان اعضای خود است، به هنگام نیاز باید به افراد با تجربه و یا مراکز پشتیبان و مشاوره مراجعه کند. از این رو، در منابع اسلامی به موضوع مشاوره خواستن از دیگران بسیار سفارش شده است.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «مُشَاوِرَةُ الْعَاقِلِ النَّاصِحِ، يُمْنٌ وَ رُشْدٌ وَ تَوْفِيقٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ؛ مشورت کردن با عاقل خیرخواه، برکت، رشد و توفیقی از جانب خداوند عزوجل است».(۱)

یکی از راه های کاستن احتمال خطر در امور زندگی، مشاوره خواستن از افراد صاحب نظر و با تجربه است؛ زیرا با روش آزمون و خطا با مسائل زندگی روبه رو شدن، بسیار خطر آفرین است. امام صادق علیه السلام فرمود: شخصی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرسید: حزم و دوراندیشی در امور چیست؟ پیامبر فرمود: مشاوره با صاحبان رأی و پیروی کردن از نظر آنها».(۲)

۱۰. هماهنگ کردن خود با شرایط زندگی

بسیاری از زوج ها با توقع های گوناگون تن به ازدواج می دهند، ولی پس از ازدواج پی می برند که با همسرشان تفاوت هایی دارند. برخی از همسران به این امید تن به ازدواج می دهند که بتوانند همسر خود را تغییر دهند و او را هم فکر خود کنند و به انتظاری برسند که از زندگی زناشویی دارند، ولی در بسیاری از موارد، دست یافتن به چنین امری ناممکن است.

ص: ۶۳

۱- [۱]. بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۰۳.

۲- [۲]. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۲۴.

زوج های موفق، با تطبیق دادن خود با شرایط زندگی، به نوعی تعادل دست می یابند. تطبیق پذیری، ویژگی مثبتی است که در خانواده های موفق در برخورد با مشکل دیده می شود. زوج های تطبیق پذیر می توانند برداشت ها و عادهای خود را اصلاح کنند تا بتوانند با مشکلات و کمبودهای زندگی کنار بیایند. برای نمونه، وضع کار کردن زن و مرد در بیرون از منزل تغییر می کند. وقتی مرد شغلش را از دست دهد، این امر بر روی همسر او اثر می گذارد، ولی زن می تواند از مخارج خود بکاهد و با این مشکل کنار بیاید.

خانواده هایی که روابط سالم دارند، اجازه نمی دهند کاهش درآمد، زندگی آنها را دچار مشکل کند و در هزینه ها و انتظارات خود بازنگری می کنند. اگر زمانی به تفریح و مسافرت های پرهزینه علاقه مند بودند، یا به داشتن اتومبیل مدل بالا و لوکس تمایل نشان می دادند و آرزومند خانه ای بزرگ با همه وسایل رفاهی بودند، اکنون به این نتیجه رسیده اند که داشتن چنین امکاناتی مناسب حال آنها نیست و به زندگی ساده تر رضایت می دهند تا خود را از فشارهای عصبی که به دنبال توقع های زیاد پدید می آیند، دور نگه دارند.

۱۱. تنظیم رابطه صحیح میان دو خانواده

دختر یا پسری که از کودکی در دامن خانواده ای پرورش یافته است، نمی تواند و نباید خانواده خود را به راحتی و به سادگی فراموش کند. احساسات و عواطف هر فرد در مورد خانواده اش، حتی اگر خاطراتی ناخوشایند نیز داشته باشد، ریشه دار و عمیق است.

از آن رو که دل بستگی به خانواده و نیاز به دیدار آنها در دخترها بیشتر است، دلتنگی در آنان که پس از ازدواج ناچارند بستگان و شهر خود را ترک

کنند، بیشتر بروز می کند. زن و شوهری که ازدواج می کنند، نباید از یکدیگر انتظار داشته باشند که با افراد خانواده خود قطع رابطه کنند یا چنین برداشت شود که رابطه هر کدام با خانواده خود، دلیلی بر بی مهری و بی توجهی او به همسرش است. البته این روابط باید به گونه ای باشد که خللی به روند زندگی زناشویی وارد نسازد و موجب غفلت یا کوتاهی از انجام وظایف زندگی مشترک نشود. در صورت امکان، بهتر است زن و شوهر با هم، به دیدار خانواده های خود بروند. اگر چه از نظر روانی لازم است که گاهی زن و شوهر به تنهایی با خانواده های خود دیدار و زمانی را صرف گفت و گوهای خصوصی و خانوادگی کنند.

مسئولیت تنظیم روابط و رفتار مناسب و درست زن و شوهر با دو خانواده، بر عهده فرزند همان خانواده است که نقش مهمی در ایجاد رابطه ای صمیمی و دوستانه بین همسر و خانواده خود دارد و شخص اوست که باید به گونه ای رفتار کند که محبت و صمیمیت بیشتری میان آنها برقرار شود. بیان نکات مثبت همسر در زندگی مشترک و مطرح نکردن نکات منفی و کشمکش های زندگی خصوصی با خانواده خود، از نکات بسیار مهم است. (۱)

باید توجه کرد که زن و شوهر بهتر است تا حد امکان از بیان اختلاف سلیقه ها یا برداشت های خود از خانواده دیگری پرهیزند؛ زیرا هیچ کس انتقادهای دیگران به افراد خانواده خود را نمی پذیرد. بعضی از انتقادها باعث بروز واکنش های عصبی همراه با مقاومت های روانی می شود یا موجب ابراز انتقاد و عیب جویی متقابل از خانواده دیگری خواهد شد، مگر در برخی

ص: ۶۵

موارد که انتقاد یا گله با ملایمت بیان شود و همسر او انسانی منطقی باشد. البته نمی توان پذیرفت که هر انتقاد یا گله شوهر یا زن از خانواده دیگری می تواند درست و صحیح باشد، بلکه این احتمال وجود دارد که این انتقاد ناشی از سوء تفاهم ها یا اختلاف فرهنگ دو خانواده باشد.

زن و شوهر باید به گونه ای با خانواده های خود رفتار کنند که آنان را از ابراز انتقاد یا گله از همسرشان باز دارند یا آرام سازند و دو خانواده نیز نباید چنین تصور کنند که مانند گذشته می توانند یا باید از جزئی ترین مسائل زندگی مشترک و زناشویی فرزندشان آگاه شوند یا به خود اجازه دهند که در زندگی مشترک فرزندشان دخالت کنند. آنها باید این حقیقت را بپذیرند که فرزندانشان حق دارند و باید با مشورت و تفاهم درباره زندگی شان تصمیم گیری کنند و به همین دلیل صلاح زندگی آنها در این است که بسیاری از روابط خصوصی و چگونگی روش زندگی شان را پنهان نگه دارند. (۱)

قطع رابطه یک سویه یا دو سویه با خانواده ها، موجب پیدایش خلأ عاطفی خواهد شد که نه تنها بر زن و شوهر که بر فرزندان آنها نیز از جنبه های روانی و اجتماعی تأثیر خواهد گذاشت. آنها نیاز دارند که با خانواده های پدر و مادر خود در ارتباط باشند؛ در غیر این صورت، آنان نیز احساس کمبود عاطفی خواهند کرد.

ص: ۶۶

دختر و پسری که می خواهد همسر آینده خود را انتخاب کند، برای اینکه پیوند ازدواج شان استحکام و استواری بیشتری داشته باشد، پیش از هر چیز باید به ایمان و تقوا و خداترسی طرف مقابل خود دقت کند.

تقوا، یک عامل درونی است. کسی که اهل تقوا باشد، ناخودآگاه پای بند مسائلی است و خودبه خود از بسیاری رفتارهای نامناسب دوری می کند. کسی که خداوند را حاضر و ناظر می بیند، دست به هر کاری نمی زند و در رعایت حقوق همسر، اذیت و آزار نکردن او، فراهم آوردن زمینه آسایش و آرامش، حفظ اموال و آبروی او و عفت و پاکدامنی خود، از دیگران موفق تر است.

از آن رو که تقوا و خداترسی، مهم ترین عامل بازدارندگی در موقعیت های حساس است، همسرانی که این ویژگی را دارند، می توانند سالم ترین روابط را در خانواده پدید آورند. علی علیه السلام در این باره می فرماید:

بدانید هر که از درون خود پند دهنده و بازدارنده ای نداشته باشد، عوامل برونی برای او فایده ای نخواهد داشت. (۱)

و جای دیگر می فرماید: «اغْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ إِنَّ التَّقْوَى دَارُ حِصْنٍ عَزِيزٍ؛ بندگان خدا، بدانید پرهیزکاری و خداترسی قلعه ای بس استوار و مستحکم است». (۲)

بدیهی است زنی که خداترس باشد، در نبود همسرش بهتر و کامل تر از عفت و حیای خود پاسداری می کند؛ چنانچه مرد اگر خداترس باشد، بهتر از

ص: ۶۷

۱- [۱]. محمد دشتی و سید کاظم محمدی، المعجم الفاظ، النهج البلاغه، نشر امام علی علیه السلام، ۱۳۶۹، چ ۳، ص ۶۴۷.

۲- [۲]. المعجم الفاظ نهج البلاغه، ص ۲۸۸، خطبه ۱۵۷.

دیگران در حفظ اصول خانواده کوشش می کند. از این رو، قرآن کریم در انتخاب همسر، یک معیار اساسی معرفی می کند و آن ایمان به خداوند است.

وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَ لَأَمَةٌ مُّؤْمَنَةٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَ لَوْ أَعْبَجْتُمْ كُفْرَهُنَّ بِرَدَّهُنَّ مِّنْ أَعْيُنِنَا وَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَهُمْ فِي عَذَابٍ مُّهِينٍ (بقره: ۲۲۱)

بنابراین، تقوا و خداترسی، از عوامل مهم در ایجاد روابط سالم میان همسران است. هر اندازه این ویژگی قوی تر باشد، رعایت حد و حدود شرعی کامل تر و پای بندی به اصول خانواده بیشتر خواهد بود و هر چه تقوا ضعیف تر باشد، به همان اندازه می تواند به استحکام و روابط سالم و سازنده خانواده آسیب برساند.

آثار روابط سالم همسران

۱. ایجاد آرامش روانی

همسران، در زندگی خانوادگی، وسیله انس و آرامش یکدیگرند و آمیزش آنها با یکدیگر، مصداق کامل لذت حلال و مشروع است. قرآن مجید درباره ویژگی خلقت بشر نخستین می فرماید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زُجُجًا لِّيَسْكُنَ إِلَيْهَا؛ خدا کسی است که شما را از یک تن آفرید و همسرش را از جنس خودش آفرید، تا بدو آرام گیرد». (اعراف: ۱۸۹)

یکی از اهداف ازدواج و ایجاد روابط زناشویی، رسیدن به انس و آرامش و بهره گیری از یکدیگر است. برای اینکه بهره گیری ها و لذت های زناشویی و آرامش حاصل از آن تداوم یابد، باید روابط، سالم تر و عمیق تر شود.

ما مردانی را می شناسیم که به دلیل روابط سالم و صمیمی که در خانواده با همسر خود داشتند، هر زمان که با کوله باری از غم و رنج وارد خانه

می شدند، در کنار همسر خود همه غم هایشان از بین می رفت. زندگی علی علیه السلام و فاطمه زهرا علیهما السلام، نمونه ای از این خانواده هاست که با وجود بیشترین مشکلات و سختی هایی که در جامعه بر آنها وارد می شد، در خانه، زیباترین و آرامش بخش ترین خانواده را داشتند.

۲. ارضای نیازهای روحی - روانی

انسان، نیازهای زیادی دارد که باید از راه های صحیح و معقول ارضا شوند، مانند: نیاز به محبت، ارضای غریزه جنسی، دوست داشتن دیگران و دوست داشته شدن به وسیله دیگران و داشتن تکیه گاهی مطمئن در کوران حوادث. همه این نیازها در یک رابطه سالم و صمیمی ارضا می شوند.

در روابط سالم، نیاز به محبت ورزیدن به دیگران و محبت دیدن از دیگران ارضا می شود. شوهر به گونه ای به زن ابراز محبت می کند که زن، رمز و مرکز عفت و به محبت و عنایت او دلگرم می شود. و برعکس، برخورد زن با شوهرش به گونه ای است که مرد جز او دلداری برای خود بر نمی گزیند و از این طریق لبریز از محبت و مرحله عشق محقق می شود؛ هر دو به وحدت می رسند، فداکاری می کنند یا حاضر می شوند از منافع خود به سود همسر چشم پوشند. عشق و علاقه زن و شوهر نسبت به هم، روزگارشان را روشن می کند و به آنها علو نفس و عظمت روحی می دهد، آنچنان که وجود و هستی خود را در همسر خویش خلاصه می بینند و به کمال اخلاقی و لذت های معنوی دست می یابند.

در روابط سالم، زن و مرد در پناه یکدیگر قرار می گیرند. زن، همسر خود را تنها کسی می داند که در شدت ها و مصیبت ها می تواند از رنج روانی او بکاهد و جلوی انفجار عقده ها را بگیرد و بر خوشی و لذتش بیفزاید. زن،

شوهر خود را تکیه گاهی مطمئن در کنار خود و دست او را بالای سر خویش احساس می کند. در کارها به او تکیه می کند و در برابر ناملایمات از او یاری می خواهد و مرد هم خواستار همراهی و همدلی همسر خویش می شود.

۳. کاهش خواسته های بی جا

اشاره

از دیگر آثار روابط سالم و سازنده میان همسران، کاهش خواسته های بی جاست. منشأ خواسته بی جا می تواند یکی از عوامل زیر باشد:

الف) خودخواهی ها

بسیارند کسانی که در اثر تربیت غلط، خودخواه بار آمده اند. آنان می پندارند که صاحب رتبه و مقامی هستند و همسر باید بی چون و چرا در خدمت آنان باشد. غرور بی جا، آنان را وادار می دارد که اگر امری خلاف مصلحت و توقع خویش یافتند، در برابرش بایستند.

ب) کمبودهای عاطفی

بسیارند همسرانی که نیازهای عاطفی آنان در خانواده ارضا نمی شود، از همسر خود محبت نمی بینند و دچار عقده های روانی می شوند. هیچ گاه از شوهران خود نمی شنوند که بگویند: «همسر، دوستت دارم» یا آنها را به مسافرت ببرند یا برای آنها هدیه بخرند. پس برای جبران این کمبودها به توقع های بی جا روی می آورند.

ج) آزمایش همسر

بعضی همسران می خواهند بدانند که شریک زندگی شان تا چه حد برای آنها ارزش و اعتبار قائل است و بدین دلیل از او در زمینه ای خاص چیزی می خواهند.

د) وعده های پیشین

گاهی همسران جوان برای جلب محبت همسر خود، به او وعده های پوچ و دروغین می دهند و همسر او در آینده، انتظار برآورده شدن آن وعده ها را دارد.

ه) نا آشنایی با مشکل یکدیگر

همسری را تصور کنید که بیمار و دلتنگ است. توقع دارد شریک زندگی اش در کنار او بنشیند، مثلاً دست او را در دست بگیرد و او را نوازش کند. غافل از اینکه همسرش گرفتاری هایی دارد و به این کار نمی رسد. در نتیجه، عادت خودخواهانه اش او را وامی دارد که کینه وی را به دل بگیرد.

در خانواده ای که روابط سالم بر آن حاکم است، زن و شوهر، «من» بودن را کنار می گذارند و «ما» می شوند. خودخواهی جای خود را به دگرخواهی می دهد. همسران همه محبت خود را نثار یکدیگر می کنند. یکدیگر را دوست دارند و در بیان این مطلب به همسر خود کوتاهی نمی کنند. هیچ گاه به فکر آزمایش یکدیگر نیستند؛ چون یقین دارند همسرشان از هیچ کوششی برای تأمین رفاه و آسایش آنان کوتاهی نمی کند و بالاترین اعتبار و ارزش را برای همسر خود قائل است. هیچ گاه با دروغ و وعده های پوچ و بی پایه خریدار محبت همسر نیستند، بلکه بر اساس صداقت و صمیمیت با هم رفتار می کنند. همدیگر را درک می کنند و به مشکل همسر اهمیت می دهند. خواسته های بی جا در چنین خانواده ای راه ندارد، بلکه خواسته های همسران از یکدیگر بر پایه عقل و منطق استوار است.

۴. کاهش اختلاف های خانوادگی

یکی از عوامل سست کننده پایه و اساس خانواده، دعواها و اختلاف های زن و شوهر است. غرورهای کاذب، توقع های نابه جا، به رخ کشیدن عیب ها،

نداری ها، خودپسندی ها، بدگمانی و سوءظن ها، هوس بازی های بی حساب، بی توجهی به موقعیت و اوضاع همسر، شیرینی زندگی را در کام انسان به تلخی زهر تبدیل می کند که در بعضی موارد صبر و تحمل یکی از دو طرف به پایان می رسد و اقدام به طلاق یا خودکشی می کند. برای اینکه این گونه اختلاف ها پدید نیاید، ضروری است که روابط همسران سالم و صمیمی باشد. شروع زندگی خانوادگی با صداقت و صفا و سعی در تداوم و پاسداری آن از بروز بسیاری از این درگیری ها و اختلاف ها جلوگیری می کند.

خانواده هایی که روابط سالم بر آنها حاکم است، زمینه ها و انگیزه های ایجادکننده اختلاف را می خشکانند تا اختلافی میان آنها به وجود نیاید.

همسران در این خانواده ها با هم حسن سلوک و تدبیر دارند و رفتارشان پسندیده و در نهایت گرمی است. رویی گشاده دارند و احساسات و عواطف و رأی و نظر یکدیگر را در نظر می گیرند. اگر زن یا شوهر درباره موضوعی اظهار نظر کرد، آن را نادیده نمی گیرند.

خانواده هایی که روابط سالم دارند، مراقب سخن گفتن خود هستند؛ به گونه ای سخن نمی گویند که باعث برداشت نادرست یا ایجاد عقده و کینه در دل همسر خود شوند و اختلاف ایجاد کنند. در این خانواده ها افزون بر وجود عشق و محبت به همسر، در ابراز آن نیز کوتاهی نمی شود. با خریدن هدیه برای همسر، پختن غذای مطبوع، تحسین نکات مثبت همسر و ایجاد زمینه های مناسب، اختلاف از میان می رود.

در مواردی، اختلاف و درگیری ها به دلیل برخی رفت و آمدهای بی حساب بستگان و آشنایان است که وجودشان برای دیگران نوعی مزاحمت به شمار می آید. در مواردی، همسر آدمی از این امر ناراحت است و با

نق زدن ها باعث تحریک و درگیری می شود. همسرانی که یکدیگر را درک می کنند، به این امر توجه دارند که دیدار بعضی افراد هر چند برای آنها مزاحمت است، برای همسرشان خوشایند است. آنها رنج چندساعته را برای شادی همسر و تحکیم خانواده با صبر و حوصله تحمل می کنند. افزون بر اینکه در آموزه های دینی خویش، این پذیرایی را نوعی رحمت و گاه صله رحم می شمارند.

۵. کاهش طلاق

طلاق، نوعی از هم پاشیدگی زندگی است و آشفتگی در محیط انس را به همراه دارد که ممکن است همسران به ویژه در روزهای اول جدایی آن را کمتر احساس کنند؛ زیرا گمان می کنند از شر هم آسوده شده اند، ولی این تصور همیشه پایدار نمی ماند، به ویژه تحمل آن برای کودکان بسیار دشوار است.

رشد میزان طلاق در جامعه اسلامی ما به یکی از معضلات اجتماعی خانواده ها تبدیل شده است. بر پایه آمار رسمی، رشد طلاق در کشور در سال ۸۱ نسبت به سال ۷۶، ۴۶ درصد افزایش را نشان می دهد. آمار طلاق در سال ۷۶، حدود ۴۱ هزار مورد و در سال ۸۱ حدود ۶۷ هزار مورد بوده است. (۱)

عامل بسیاری از این طلاق ها، هوس بازی برخی همسرانی است که تقوا، عفت و شرافت را نادیده گرفته اند. از این رو، فریب ابراز محبت ها و عشق های توخالی و خیالی را می خورند و واله و شیدای دیگران می شوند.

ص: ۷۳

توقع های بی جا، تجمل گرایی، درک نکردن یکدیگر و دخالت های بی مورد اطرافیان از دیگر دلایل طلاق است.

همسرانی که از روابط سالم و سازنده بهره مند هستند، زندگی خود را بر اساس عقل و منطق پایه گذاری کرده اند. آنان همان گونه که در ازدواجشان از مشورت دیگران بهره برده اند، هنگام برخورد با ناملایماتی که زندگی را در آستانه طلاق قرار می دهد، با صاحبان خرد و تجربه به مشورت می پردازند و از فروپاشی زندگی جلوگیری می کنند.

۶. رشد فکری، دینی و فرهنگی خانواده

یکی دیگر از آثار روابط سالم همسران، تعالی و تکامل یکدیگر است. هر مرد و زنی همان گونه که با ازدواج، زوج خود را پیدا می کند و به تکامل می رسد، در جنبه فکری، دینی و اخلاقی هم باید به رشد و تکامل برسد. چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره ازدواج فرمود: «مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ، فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النِّصْفِ الْبَاقِي؛ هر کس ازدواج کند، نیمی از دینش را بازیافته است، پس باید نسبت به نیم دیگر، تقوای الهی را رعایت کند».^(۱)

از این رو، همسران موفق برای ادامه زندگی مشترک و رشد معنوی، به فراخور حال و آگاهی شان، در راستای هدایت فکری و اخلاقی هم گام برمی دارند. همسر، بیش از هر دوست و آشنایی، آینه ای برای همسرش است که در آن هرگونه محاسن و مکارم اخلاق را نشان می دهد.

همسران برتر، پیش از آنکه دیگران به همسرشان پند و تذکر دهند، خود تلاش می کنند با گفت و گوهای سازنده و انتقال اطلاعات مفید، همسر خود را

ص: ۷۴

۱- [۱]. بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۱۹.

نسبت به آموزه های دینی آشنا کنند و در این راستا با خرید کتاب های مفید می کوشند نیازهای فکری او را رفع کنند. با حضور همسر خود در مراکز و مجالس مذهبی مخالفت نمی کنند، بلکه می کوشند زمینه حضور او را در چنین مجالسی فراهم سازند.

همسران آگاه با راه و روش عالمانه، لزوم در پیش گرفتن راه خدا را به همسرشان می آموزند.

همسران موفق در رعایت آموزه های دینی، یکدیگر را یاری می دهند و این سفارش قرآن همیشه آویزه گوش آنان است که می فرماید: «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا». (تحریم: ۶)

روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از ازدواج علی علیه السلام با فاطمه علیها السلام از وی پرسید: همسر خود را چگونه یافتی؟ امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود:

«نِعِمَّ الْعَوْنُ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ؛ «فاطمه را بهترین یاری گر در راه فرمانبرداری از خداوند یافتم»(۱).

همسرانی که روابط سالمی دارند، در گفت و گوهای دو طرفه شرکت می کنند، از مسائل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه یکدیگر را مطلع می کنند، برای رشد فرهنگی خانواده هزینه می کنند و همان طور که به نیاز جسمی خانواده اهمیت می دهند، به نیازهای فکری آن هم اهمیت می دهند.

۷. کاهش ناهنجاری ها

از دیگر آثار روابط سالم و سازنده همسران، کاهش ناهنجاری های اجتماعی است. اگر زن و مرد در محیط خانواده از نظر عاطفی، جنسی،

ص: ۷۵

۱- [۱]. ابراهیم خرمی مشکانی، راز خوشبختی همسران، قم، مرسل، ۱۳۸۰، ص ۴۹.

احترام و محبت و دیگر نیازهای روحی _ روانی اقماع شوند، بعضی ناهنجاری های اخلاقی و اجتماعی پدید نخواهد آمد. اگر زن خود را برای شوهر بیاراید و مرد همه زیبایی را در قد و قامت همسر خود ببیند، کمتر گرفتار هوس بازی ها و چشم چرانی ها خواهد شد. اگر مرد در خانه به همسر خود توجه کند و نیازهای عاطفی و جنسی او را برآورده سازد، رفتار مردان دیگر برای او جالب و جذاب نخواهد بود. اگر خانواده، محل آسایش باشد و نیاز به احترام همسران در خانه ارضا شود، مردان با شوق به خانه روی می آورند و از شب نشینی ها و گذراندن اوقات خود با دوستان پرهیز می کنند. یکی از مشکلات بزرگ بسیاری از جوامع، روی آوری مردان به اعتیاد است. مردانی که در خانه با همسران خود بر سر مسائل مادی درگیر هستند و هر روز با خواسته های بی حساب و غیرمعقول آنان روبه رو می شوند، از آنجا که نمی توانند خواسته های همسرانشان را تأمین کنند، سرخورده می شوند و از کانون گرم خانواده می گریزند و به افیون و اعتیاد پناه می برند تا به خیال خود، چند ساعتی از فشار روانی مسائل زندگی راحت شوند.

همسران موفق و صمیمی، زندگی خود را قربانی هوس های زودگذر نمی کنند و در پی تحقیر همسر خود بر نمی آیند.

۱. خانواده های سهل گیر

از ویژگی های خانواده سهل گیر، بی توجهی به آموزش رفتارهای اجتماعی است. در این گونه خانواده ها به طور کلی، قوانین بسیار محدودی وجود دارد و افراد، چندان به اجرای قوانین و آداب و رسوم اجتماعی پای بند نیستند و هر کس هر کاری بخواهد، می تواند انجام دهد و دخالت در کارهای یکدیگر معنا ندارد؛ زیرا در خانواده سهل گیر، به تعداد افراد خانواده، حتی در مسائل جزئی و روزمره مانند غذا خوردن نظر وجود دارد.

هر چند کودکان خانواده های سهل گیر، استقلال فکری و عملی دارند، به سبب هرج و مرج، نوعی تزلزل روحی در این گونه خانواده ها دیده می شود؛ زیرا هر کس به منافع خود توجه دارد، نه به منافع عمومی خانواده و همین تزلزل، باعث بی قیدی کودکان می شود، به گونه ای که آنان احساس مسئولیت در برابر زندگی را از دست می دهند. در نتیجه، این کودکان توانایی زندگی اجتماعی را ندارند و در جامعه بزرگ تر، همیشه با مشکلات اخلاقی و اجتماعی روبه رو می شوند. (۱)

رابطه سهل گیرانه از دیدگاه اسلام

یکی از اساسی ترین مبانی رفتار انسانی از نظر دین مقدس اسلام، وجود

ص: ۷۷

میانه روی در روابط خانوادگی است. این اصل در تمامی زمینه ها و همچنین در زمینه برنامه های خانوادگی نیز می تواند مناسب باشد. بر این اساس، افراط و تفریط در آزادی ها و سخت گیری ها و محبت ورزیدن به کودکان و وضع قوانین و مقررات نامناسب، نامطلوب به شمار می آید. حضرت امام سجاد علیه السلام هنگامی که دید نوجوانی به هنگام حرکت به پدرش تکیه کرده است، خشم و نارضایتی خود را از چنین رفتاری _ که بیانگر از خود راضی بودن و اتکای بیش از حد نوجوان به پدر بود _ آشکار کرد.^(۱) در این نمونه، شاید رفتار پدر با کودک، بسیار سهل گیرانه بوده و او بی توجه به آداب و رسوم اجتماعی بزرگ شده است.

امام حسن عسکری علیه السلام نیز در این باره می فرماید: «جُرْأُ الْوَالِدِ عَلَى وَالِدِهِ فِي صِغَرِهِ تَدْعُوا إِلَى الْعُقُوقِ فِي كِبَرِهِ؛ جرئت و جسارت فرزند در دوران کودکی نسبت به پدر، نارضایتی پدر را در بزرگ سالی به دنبال خواهد داشت».^(۲)

۲. خانواده های سخت گیر و مستبد

اشاره

در خانواده های مستبد، والدین خواهان اجرای بی چون و چرای دستورهای خود هستند و لزومی برای ارائه دلیل نمی بینند. فرد مستبد _ که در بیشتر موارد، پدر است _ تصمیم گیرنده و تعیین کننده وظایف دیگر اعضای خانواده است و آنچه مطابق میل اوست، باید اجرا شود.

قوانینی که این والدین بر فرزندان خود تحمیل می کنند، به سن کودک بستگی دارد. برای نمونه، سخت گیری در مورد سر و صدا، پاکیزگی، بازی با

ص: ۷۸

۱- [۱]. محمد تقی فلسفی، گفتار فلسفی کودک، تهران، ۱۳۴۱، ج ۲، ص ۲۶۷.

۲- [۲]. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۴.

اسباب بازی، اطاعت، چگونگی لباس پوشیدن و...، مربوط به سال های پیش از مدرسه است و توقع رفتارهای عاقلانه، عملکرد خوب در مدرسه، درست غذا خوردن و...، از مسائلی است که والدین مستبد، در دوران دبستان از فرزندان خود انتظار دارند.

الف) آثار این گونه روابط

فرزندان این گونه خانواده ها کمتر به خود متکی اند، خلاقیت کمی دارند و کنجکاو نیستند. در مسائل اخلاقی، عاطفی و ذهنی نیز انعطاف پذیرند و زود تحت تأثیر دیگران قرار می گیرند.

هافمن^(۱) از تحقیقی چنین نتیجه می گیرد: کودکانی که در خانواده سخت گیر بزرگ می شوند، معمولاً مطیع و فرمانبردارند، ولی در اکثر موارد رفتار آنها توأم با پرخاشگری است. این کودکان احساس ناامنی می کنند و از خود استقلال کافی ندارند. آنها در بین هم بازی های خود محبوبیت زیادی را به دست نمی آورند. برای حقوق دیگران احترام قائل نمی شوند و در برابر انتقاد بزرگ ترها بی تفاوتند و از ثبات عاطفی کمی برخوردار هستند و سرانجام اینکه گرایش بیشتری به انحرافات اخلاقی از خود نشان می دهند.^(۲)

رفتارهای سخت گیرانند والدین نسبت به پسران در دراز مدت نتایج منفی بیشتری بر جای می گذارد. توانایی شناختی و اجتماعی پسران والدین مستبد در سطح پایینی است، عملکرد تحصیلی و فکری آنها ضعیف است و در روابط آنان با همسالانشان، حس ابتکار، رهبری و اتکای به نفس دیده

ص: ۷۹

۱- [۱]. Hafman .

۲- [۲]. حسن احدی و شکوه السادات بنی جمالی، روان شناسی رشد، تهران، نشر بنیاد، ۱۳۶۷، چ ۲، ص ۷۰.

نمی شود. این کودکان از پذیرفتن مسئولیت خودداری می کنند و به طور کلی به بزرگسالان بدبینند. اینان در سنین نوجوانی، بیشتر اوقات خود را با هم سالان، به ولگردی و پرسه زدن در خیابان ها می گذرانند.^(۱)

ب) دیدگاه اسلام در این زمینه

پیشوایان اسلام، الگوی رفتاری همراه با سخت گیری و اعمال قدرت را نادرست دانسته اند. علی علیه السلام در نهج البلاغه درباره شیوه صحیح تربیت و رفتار با فرزندان می فرماید:

انسان به حکم اینکه انسان است و دارای شعور و اندیشه است، از طریق پند و اندرز و ادب شایسته تربیت می شود، نه از طریق زورگویی و تنبیه بدنی.^(۲)

علی علیه السلام در جای دیگر می فرماید: «لَا تَقْسِرُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى آدَابِكُمْ، فَإِنَّهُمْ مَخْلُوقُونَ لِرِمَانٍ غَيْرِ زَمَانِكُمْ؛ آداب و رسوم خود را بر فرزندانان به زور تحمیل نکنید؛ زیرا آنها برای زمانی غیر از زمان شما خلق شده اند.»^(۳)

۳. خانواده های مقتدر

در چنین خانواده ای، فرزند به استقلال و آزادی فکری تشویق می شود؛ در عین حال والدین، نوعی محدودیت و کنترل بر او اعمال می کنند. در این خانواده اظهار نظر و ارتباط کلامی وسیعی در تبادل کودک _ والدین وجود دارد و گرمی، صمیمیت و محبت به کودک در آن، در سطح بالایی است.^(۴)

از ویژگی های این خانواده، انضباط همراه با رفتار خودمختارانه است. والدین هرگاه کودک را از چیزی منع کنند یا از وی انتظاری ویژه داشته

ص: ۸۰

۱- [۱]. روان شناسی رشد ۲، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ص ۸۷۴.

۲- [۲]. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۳- [۳]. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۲۶۷.

۴- [۴]. روان شناسی رشد ۲، ص ۸۷۵.

باشند، برای او مسئله را به خوبی تبیین می کنند و دلیل آن را ارائه می دهند. در چنین خانواده ای تقسیم کار وجود دارد، به طوری که هر یک از اعضا، مسئولیتی را به عهده می گیرد و در تصمیم گیری ها و تقسیم درآمدها، رفت و آمدها، روش زندگی و دیگر مسائل، بر اساس مشورت و پیروی از مبنای عقلی و مصلحت اندیشی رفتار می کنند.^(۱)

دیدگاه اسلام درباره روابط مقتدرانه

این نوع رابطه با فرزندان، نزدیک ترین روش به دستورهای تربیتی اسلام است. علی علیه السلام می فرماید: «اکرموا اولادکم، احسنوا آدابکم؛ فرزندانان را گرامی بدارید و رفتار خود را با آنان نیکو کنید».^(۲)

این حدیث، افزون بر شخصیت دادن به فرزندان و لزوم الگودهی شایسته به آنان، بر رفتار درست با آنها نیز تأکید کرده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

خداوند پیامرزد والدینی را که بر تربیت صحیح، فرزندشان را یاری دهند. (راوی پرسید: چگونه او را بر نیکی یاری دهند؟ حضرت فرمود:) والدین هر چه را فرزندشان به اندازه توانایی خویش انجام می دهد، بپذیرند و آنچه را انجام دادنش بر وی سنگین و تحمل ناپذیر است، از او نخواهند و او را به گناه و گردنکشی وادار نکنند.^(۳)

احترام به کودک، روحیه استقلال و اعتماد به نفس را در او تقویت و به رشد سالم شخصیت او کمک می کند، به محبوبیت کودک در میان همسالانش

ص: ۸۱

۱- [۱]. همان.

۲- [۲]. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۹۵.

۳- [۳]. فروع کافی، ج ۶، ص ۵۰.

می انجامد و به تدریج استعداد پذیرش و ایفای نقش رهبری و مدیریت را در او شکوفا خواهد کرد.

سیره عملی معصومین علیهم السلام در ارتباط با فرزندان خود چنین بوده است. پس از شهادت حضرت رضا علیه السلام، مأمون، خلیفه وقت به بغداد آمد. روزی به عزم شکار حرکت کرد و در میان راه، چند کودک و نوجوان را دید که بازی می کردند. هنگامی که مأمون به نزدیکی آنان رسید، به جز یک نفر همه فرار کردند. چهره جذاب این کودک، نظر مأمون را به خود جلب کرد. ایستاد و پرسید: چه چیزی سبب شد که چون دیگر کودکان نگریزی؟ وی بی درنگ پاسخ داد: ای مأمون، راه تنگ نبود تا با رفتن خود، آن را برای تو و همراهان تو وسعت داده باشم. مرتکب گناهی هم نشده ام که ترس مجازات آن را داشته باشم. مأمون پرسید: اسم تو چیست؟ کودک جواب داد: محمد، فرزند علی بن موسی الرضا هستم. (۱)

روابط والدین با کودکان

۱. محبت به کودک

اشاره

بی گمان، یکی از اساسی ترین نیازهای انسان، پس از نیازهای زیستی (نیاز به آب، غذا و...) نیاز به محبت است، به گونه ای که اگر این نیاز انسان برآورده شود، تا حد زیادی، نیازهای زیستی دیگر را تحت تأثیر خود قرار خواهد داد. این نیاز در کودک شدیدتر است؛ چون نخستین سرپرست کودک، خانواده است. والدین باید به این نیاز او توجه ویژه ای کنند و بدانند

ص: ۸۲

پاسخ گویی صحیح به این نیاز کودک، اساس و پایه تربیت اوست؛ زیرا ارضای این نیاز در کودک، آرامش روانی، امنیت خاطر، اعتماد به نفس، اعتماد به والدین و حتی سلامت جسمی او را در پی دارد و ارضا نشدن آن هم به فروپاشی آرامش روانی، بی اعتمادی به خود و دیگران و احساس عجز و حقارت، بیماری های جسمی و روانی گوناگون و انحراف های اجتماعی بسیاری خواهد انجامید. (۱)

سیره عملی و احادیث پیشوایان معصوم علیهم السلام نیز بیانگر توجه ویژه مکتب تربیتی اسلام به این اصل مهم است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره محبت و ترحم به کودکان می فرماید: «أَحْبُّوا الصَّبِيَانَ، وَ ارْحَمُوهُمْ، إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْضِبُ لِشَيْئٍ كَغَضَبِهِ لِلنِّسَاءِ وَ الصَّبِيَانَ؛ کودکان خود را دوست بدارید و به آنها ترحم کنید، خداوند بر هیچ چیزی خشم نمی گیرد، آن چنان که به خاطر زنان و کودکان خشم می گیرد». (۲)

امام باقر علیه السلام از پدرش و او نیز از امام حسین علیه السلام نقل می کند که فرمود: «من و برادرم بر جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شدیم. پیامبر مرا بر زانوی چپ و برادرم حسن را بر زانوی راست خویش نهاد. سپس ما را بوسید و فرمود: «پدرم به فدای دو فرزند باد که امامند». (۳)

یکی از نکات مهم در مسئله محبت به کودکان، این است که تنها به محبت درونی بسنده نکنیم؛ زیرا محبت هنگامی مؤثر و مفید خواهد بود که آن را ابراز و کودک را از محبت خود به او آگاه کنیم و گرنه اصل محبت

ص: ۸۳

۱- [۱]. سید علی حسینی زاده، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت علیهم السلام در تربیت فرزندان، ج ۱، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰، ص ۷۸.

۲- [۲]. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۱۲۶.

۳- [۳]. بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۲۵۵.

داشتن تنها برای محبت کننده می تواند مفید باشد، نه برای محبت شونده. امام کاظم علیه السلام از پیامبر روایت می کند که فرمود: «إِذَا أَحَبَّ أَحَدُكُمْ أَخَاهُ فَلْيُعَلِّمَهُ فَإِنَّهُ أَصْلَحَ لِدَاتِ بَيْنِكُمْ؛ هرگاه یکی از شما برادرش را دوست داشت، این دوستی را به اطلاع او برساند که این کار برای رابطه بین شما بهتر است».^(۱)

علی علیه السلام در نامه ای که به فرزندش امام حسن علیه السلام می نویسد، محبت خود را به او ابراز می کند و می فرماید: من تو را قسمتی از خود، بلکه تمام خودم یافتم؛ به گونه ای که اگر چیزی بر تو وارد شود، بر من وارد شده است و اگر مرگ به سراغ تو بیاید، به سراغ من آمده است. هر امری از خودم که مقصود من است، همان امر از تو نیز مقصود من است. از این رو، این نامه را به تو نوشتم تا این مطلب را (محبت به تو) برایت بیان کرده باشم.^(۲)

آثار محبت به کودکان

۱. رفع و ارضای نیاز طبیعی در کودک افزون بر اینکه او را از پی آمدهای ارضا نشدن آن مصون می دارد، در او حالت اعتدال روحی _ روانی پدید می آورد.
۲. کودکان برخوردار از محبت، سلامتی جسمانی دارند. کودکانی که با کمبود محبت روبه رو هستند، به ناراحتی هایی مانند: رنگ پریدگی، از دست دادن شادابی طبیعی، تنفس نامنظم و حتی بیماری های معده ای و روده ای منتهی به اسهال و استفراغ دچار می شوند.^(۳)

ص: ۸۴

-
- ۱- [۱]. همان، ج ۷۴، ص ۱۸۲.
 - ۲- [۲]. شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، باب ۳۱، ص ۵۷.
 - ۳- [۳]. روان شناسی رشد، ج ۱، ص ۲۳۱.

۳. اعتماد به نفس از دیگر آثار محبت به کودک و از عوامل موفقیت فرد در زندگی فردی و اجتماعی است؛ زیرا محبت به کودک، احساس ارزشمند بودن را در وی برمی انگیزاند.

۴. با محبت به کودک می توان علاقه او را به دست آورد. در نتیجه، کودک به کسی که به او محبت می کند، اعتماد و اطمینان می یابد و از او حرف شنوی دارد و از این راه، زمینه تربیت های بعدی فراهم خواهد شد.

۵. با محبت به کودک، می توان از بسیاری از انحراف ها که او را تهدید می کند، جلوگیری کرد؛ زیرا کمبود محبت در بیشتر موارد از عوامل بسیار قوی گرایش کودکان و نوجوانان به بزهکاری است.

۶. اصولاً محبت در تربیت، نقش کلیدی دارد. از مهم ترین امور در تربیت، ایجاد ارتباط بین مربی و متربی است و بهترین نوع رابطه، رابطه ای است که بر اساس محبت باشد؛ زیرا چنین رابطه ای، رابطه طبیعی است. (۱)

۲. بازی با کودک

بازی، نیاز طبیعی کودک است و بدون آن، کودک رشد سالمی نخواهد داشت. تمایل همه انسان ها، در دوران کودکی به بازی و اینکه همه کم و بیش بازی می کرده اند، بیانگر این است که بازی، از نیازهای طبیعی انسان است.

در تربیت امروزی، پرورش، هماهنگی با تمایلات و غرایز کودک پیش می رود و خود بازی نقش مهمی در پرورش طفل دارد. از این رو، دانشمندان آن را برای رشد جسمی و عقلی کودک، ضروری می دانند و معتقدند که بازی، یک میل طبیعی است.

ص: ۸۵

۱- [۱]. سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت علیهم السلام، ج ۱، ص ۸۴.

پیشوایان معصوم ما در زندگی خود به این نیاز کودکان توجه کافی داشته اند. آنان افزون بر اینکه کودکان را در بازی کردن در دوران کودکی آزاد می گذاشتند، بر این نیاز کودک نیز تأکید کرده اند.

امام صادق علیه السلام فرمود: «دَعِ اِبْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ؛^(۱) فرزندت را تا هفت سالگی آزاد بگذار تا بازی کند».

درباره اصل بازی کودک و آثار روحی و روانی آن، از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود:

مستحب است که فرزند در کودکی بازی و جست و خیز کند تا در بزرگ سالی حلیم باشد. جز این کار سزاوار نیست.

نکات مورد توجه در بازی کودکان

درباره بازی کودکان باید به چند نکته توجه کرد:

۱. والدین و مربیان و به طور کلی سرپرستان کودکان باید در بازی کودکان شرکت کنند و با آنها هم بازی شوند؛ زیرا بسیاری از فواید بازی کودکان از این راه به دست می آید. بزرگسالان از راه هم بازی شدن با کودکان، نخست راه و روش بازی با اسباب بازی ها و بازی های جدید را به کودکان می آموزند. دوم این که از این راه می توانند بسیاری از سجایای اخلاقی را به کودکان آموزش دهند یا در رعایت مقررات و قوانین اخلاقی و اجتماعی به آنها کمک کنند و سوم اینکه شرکت در بازی آنها، نوعی احترام به کودک و شخصیت دادن به اوست؛ زیرا در این صورت کودک احساس می کند خود و کار او (بازی) آن قدر اهمیت دارد که والدین یا مربیان به او توجه کرده اند و

ص: ۸۶

۱- [۱]. ملامحسن فیض کاشانی، محجّه البیضاء، قم، جامعه مدرسین، ج ۲، ص ۶۵.

با او همکار و هم بازی شده اند.^(۱)

والدین با شرکت کردن در بازی کودکان، می توانند علاقه ها و روحیات و حتی گاه اضطراب و نگرانی های آنها را بشناسند و در پی رفع یا برنامه ریزی برای هدایت آنها در راستای استعداد کودکان برآیند و کمبودهایی را هم که ممکن است در زمینه تربیت آنها وجود داشته باشد، بشناسند و برطرف کنند.^(۲)

«امام صادق علیه السلام در بازی کودکان شرکت می کرد و هرگاه با صداقت نداشتن برخی از کودکان روبه رو می شد، بازی را ترک می کرد و با خواهش بقیه به بازی برمی گشت».^(۳) امام در واقع از این راه، پای بندی و عمل به قوانین و مقررات و صداقت را به آنها می آموخت.

۲. نکته دیگری که والدین و مربیان در بازی با کودکان باید رعایت کنند، این است که بکوشند خود را تا حد کودکی پایین بیاورند و در واقع با کودک، کودکی کنند، نه اینکه همواره چهره هدایت و رهبری به خود بگیرند؛ زیرا در این صورت است که کودکان بازی طبیعی را می بینند و از هدایت ها و راهنمایی های آنها تأثیر می پذیرند. معصومین علیهم السلام افزون بر اینکه خود چنین بوده اند و خود را تا حد مرکب کودکان تنزل می دادند، به ما نیز سفارش کرده اند با کودکان این گونه باشیم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ كَانَ عِنْدَهُ صَبِيٌّ فَلْيَتَّصَبْ لَهُ؛ «کسی که نزد او کودکی است، باید برای او

کودکی کند».^(۴)

امیرالمؤمنین علیه السلام نیز فرمود: «مَنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ صَبِيًّا؛ کسی که فرزندی دارد، با او

ص: ۸۷

۱- [۱]. سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهما السلام تربیت فرزند، ج ۱، ص ۱۱۸.

۲- [۲]. همان، ص ۱۱۸.

۳- [۳]. مرتضی منطقی، روان شناسی تربیتی، تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۲، ص ۵۶۰.

۴- [۴]. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۰۳.

۳. نباید کودکان را به زور، از پرداختن به بازی هایی که به آن علاقه دارند، بازداشت. برای تغییر بازی آنها از نوعی به نوعی دیگر، باید به گونه ای رفتار کرد که آنها با رضایت خود، بازی را تغییر دهند.

همچنین نباید بازی خاص یا فرد خاصی را به کودکان تحمیل کرد. در این مورد، به این رفتار پیامبر توجه کنید: «پیامبر از کوچه ای می گذشت. کودکان گرم بازی بودند، در حالی که کودکی گرفته و مغموم گوشه ای نشسته بود. پیامبر جلو رفت. سلام کرد و پرسید: چرا بازی نمی کنی؟ کودک پاسخ داد: چون لباس من کهنه است و پدر ندارم، کودکان مرا به بازی نمی گیرند. پیامبر این کودک را در آغوش کشید و به خانه فاطمه علیهاالسلام برد و به دختر گرامی خود فرمود: مقداری آب آماده کن و یک دست از لباس های کودکان را بیاور. فاطمه علیهاالسلام چنین کرد و به کمک پیامبر کودک را شست و شو دادند و لباسی تمیز بر او پوشاندند و موهایش را شانه زدند. سپس پیامبر، او را به کوچه آورد و در برابر کودکان دیگر، با او مشغول بازی شد. تا اینکه کودکان به سراغ پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند و گفتند: چرا با ما بازی نمی کنی؟ حضرت فرمود: به شرطی با شما بازی می کنم که با این کودک نیز بازی کنید. سپس پیامبر، آن کودک را به میان بچه های دیگر فرستاد و همگی باهم مشغول بازی شدند» (۲).

ص: ۸۸

۱- [۱]. همان.

۲- [۲]. محمد علی کریمی نیا، الگوهای تربیت اجتماعی، قم، پیام مهدی، ۱۳۷۲، چ ۱، ص ۱۲۰.

۳. سلام کردن

یکی از راه های شخصیت دادن به کودک، سلام کردن به اوست. کودکی که به او سلام کنند و بدین وسیله به او احترام گذارند، لیاقت و شایستگی خود را نزد دیگران باور می کند.

قرآن کریم از این شیوه تربیتی برای شخصیت دادن و تعظیم پیامبر استفاده کرده است. خداوند، پیامبران خود را خطاب می کند و به آنان سلام و درود می فرستد.

«سلام علی ابراهیم». (صافات: ۱۰۹)

«سلام علی موسی و هارون». (صافات: ۱۲۰)

«سلام علی نوح فی العالمین». (صافات: ۷۹)

درباره حضرت یحیی علیه السلام می فرماید: «سَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَ يَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا؛ درود بر او، روزی که به دنیا آمد و آن روز که می میرد و آن روز که برانگیخته می شود». (مریم: ۱۵)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمود:

پنج چیز است که تا لحظه مرگ آنها را ترک نمی کنم... یکی از آنها سلام گفتن به کودکان است.

در حقیقت، یکی از راه های موفقیت کودکان در مراحل بالاتر زندگی، مانند نوجوانی و جوانی، احساس خود ارزشمندی است. هنگامی که کودکی مخاطب سلام بزرگ ترها _ به ویژه آنها که در نزد او ارزش و اعتباری معنوی دارند _ باشد، احساس خود ارزشمندی می کند.

۴. وفای به عهد

ص: ۸۹

وعده دادن، از راه های خوبی است که والدین می توانند برای تشویق کودکان خود برگزینند. کودکی که بداند پس از کردار نیک و آراسته شدن به اخلاق پسندیده یا رسیدن به موفقیت تحصیلی، پاداش نیکو در انتظار اوست، با پشتکاری دو چندان تلاش خواهد کرد، ولی مسئله بسیار مهم آن است که کودک توقع دارد والدین به وعده خود عمل کنند. اگر اولیا به وعده خود عمل نکنند، اعتماد کودک را از دست می دهند و او دیگر توجهی به آنان نمی کند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمود:

کودکان را دوست بدارید و با آنان مهربان باشید و به وعده ای که به آنان دادید، وفا کنید. (۱)

امام کاظم علیه السلام می فرماید: «اذا وعدتم الصبیان وفوا لهم فانهم یرون انکم الذین تزقونهم؛ زمانی که به کودکان وعده ای دادید، به آن وفا کنید؛ زیرا آنان این گونه تصور می کنند که شما رازق آنها هستید». (۲)

۵. تأمین امنیت

از دیگر نکاتی که در روابط والدین با فرزندان باید به آن توجه شود و از نیازهای اساسی کودکان است، ایجاد امنیت برای آنهاست. فرزندان باید در ابراز آنچه در درون دارند و بروز استعدادها و خلاقیت خود، احساس ترس و نگرانی نکنند؛ زیرا احساس ترس و ناامنی در کودک، جرئت، جسارت و خلاقیت را از او سلب می کند یا ترس و نگرانی از بازخواست و انتقاد والدین و مرییان باعث می شود که کودک خلاقیتی از خود نشان ندهد و

ص: ۹۰

۱- [۱]. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۱۳۴.

۲- [۲]. کافی، ج ۶، ص ۵۰.

همواره احساسات و عواطف خود را سرکوب کند. افزون بر این، سبب عوارض و نابسامانی های روانی می شود. (۱)

«روزی امام سجاد علیه السلام دو مرتبه غلام خود را صدا کرد، غلام پاسخی نداد. بار سوم که امام او را صدا زد، پاسخ داد. امام فرمود: فرزندم، آیا صدای مرا نشنیدی؟ غلام عرض کرد: بلی، شنیدم. امام فرمود: پس چرا جواب ندادی؟ عرض کرد: چون از تو در امان بودم. امام فرمود: حمد و سپاس خدایی را که مملوکم را از من در امان داشت». (۲)

از آن رو که کودکان بیشتر وابسته به والدین و مربیان خود هستند و کمتر از خود استقلال نشان می دهند، والدین باید تلاش کنند نه تنها موجبات ترس و نگرانی کودکان را فراهم نسازند، بلکه همواره تکیه گاه و پشتوانه ای برای امنیت آنها باشند. تکیه گاه بودن والدین، دو جنبه دارد. جنبه نخست آن با حضور والدین و برآوردن نیازهای اولیه آنها تأمین می شود، ولی جنبه دوم با رفتار صحیح والدین با یکدیگر و رابطه صحیح آنها با کودک محقق می شود.

جدایی والدین از یکدیگر، بزرگ ترین ضربه در ایجاد احساس ناامنی در کودک است. در بعضی از موارد با وجود اینکه والدین در کنار هم زندگی می کنند، ولی اختلاف ها و مشاجره های آنها امنیت را از کودک سلب می کند، به گونه ای که هر بار که کودک از منزل بیرون می رود، نگران است که مبادا پس از بازگشت، دیگر مادر در خانه نباشد. همچنین برخوردهای نامناسب

ص: ۹۱

۱- [۱]. سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت علیهم السلام در تربیت فرزند، ج ۱، ص ۹۱.

۲- [۲]. بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۵۶.

والدین با کودک و نبود محبت کافی به او می تواند عامل ایجاد احساس ناامنی باشد.

روابط والدین با نوجوانان

۱. ایجاد اعتماد به نفس

یکی از مؤثرترین عوامل در توسعه رابطه والدین با فرزندان، دلگرم کردن آنها و ایجاد اعتماد به نفس و تقویت ارزشمندی در نوجوان است. با این کار، شما بر توانایی ها و محاسن او تأکید می کنید و عزت نفس و اعتماد به نفس را در او پدید می آورید. دلگرمی، به فرزندانتان کمک می کند تا خود و توانایی های خود را باور کنند. والدینی که فرزندانشان را دلگرم نگه می دارند، به آنان کمک می کنند تا از اشتباه های خود درس بگیرند و با جرئت بپذیرند که کامل نیستند.

نوجوانان در خانواده های مستبد، ارزش خود را با تشویق و تنبیه از سوی کسانی که در موضع قدرت هستند، درمی یابند، ولی در خانواده های مقتدر و آزادمنش، این اعتماد به نفس است که نوجوان را تحت تأثیر قرار می دهد. (۱)

برای اینکه فرزندتان را برای دست یابی به عزت نفس یاری کنید، شاید لازم باشد الگوهای رفتاری خود و چگونگی برقراری ارتباط با او را تغییر دهید. به جای تمرکز بر اشتباه های نوجوانتان، بر آنچه انجام داده و مورد پذیرش شماست، تکیه کنید. این کار، شما را وادار می کند تا به راه های مثبت متوسل شوید. همه ما بهترین چیزها را برای فرزندمان می خواهیم، ولی

ص: ۹۲

۱- [۱]. مجید رئیس دانا، والدین مؤثر، فرزند مسئول، تهران، رشد، ۱۳۷۰، ص ۵۱.

روش های ما برای تربیت نوجوانانی با اعتماد به نفس، نادرست است. شاید یکی از دلایل این امر، این باشد که ما تحت تأثیر جامعه، فقط در یافتن اشتباه ها خبره شده ایم.

۲. توجه به استقلال طلبی

نوجوانی، دوره رها شدن از وابستگی های خانوادگی و ورود به صحنه اجتماع است. برخی از روان شناسان می گویند: نوجوان از نظر وابستگی عاطفی، از خانواده جدا می شود و به تدریج، اتکای به خود و پیوستن به جامعه را به دست می آورد و تجربه می کند.

برای این که نوجوان تجربیات موفق در زمینه استقلال نسبی به دست آورد، تمهیداتی را باید به کار بست. در مرحله اول، والدین نباید فرزندان را زیاد به خودشان وابسته کنند تا زمینه جداسازی تدریجی از خانواده، به سهولت و آرامی فراهم شود. به طور معمول، رفتار والدین در برخورد با فرزندان اول خانواده، تک فرزندها یا فرزندان آخر، افراطی است و ناخودآگاه به نوعی، آنها را به خود وابسته می کنند. تعدیل در برقراری روابط و مناسبات والدین و فرزندان، مانع چنین رویدادهایی می شود. (۱)

در مرحله دوم، والدین با پذیرش و احترام به استقلال نسبی نوجوان، این مرحله را برای او رضایت بخش و پذیرفتنی می کنند. در مرحله سوم، نوجوانان خود می توانند با اثبات لیاقت و شخصیت قابل اعتماد، به این استقلال پاسخ مثبت دهند و آمادگی خود را برای استقلال بیشتر اثبات کنند. (۲)

ص: ۹۳

۱- [۱]. محمد رضا شرفی، دنیای نوجوان، تهران، تربیت، ص ۳۰۹.

۲- [۲]. همان. ص ۳۰۹.

جوانی که عضو مؤثر خانواده به شمار می آید و پدر و مادر شخصیتش را همانند بزرگسالان گرامی می دارند و او را شایسته استقلال و آزادی می شناسند، روانی آرام و ضمیری مطمئن دارد و در خود احساس حقارت و کمبود نمی کند. چنین نوجوانی برای آنکه از موقعیت و مقام خویش در نزد دیگران محافظت کند و مراتب لیاقت و شایستگی خود را به اثبات رساند، کوشش می کند گرد گناه، آلودگی ها و اعمال پست نگردد، به شخصیت و ارزش خویش آسیب نرساند و زمینه های تحقیر و اهانت به خود را فراهم نیاورد. (۱)

علی علیه السلام فرمود:

آن کس که شرافت معنوی و کرامت نفس خود را باور دارد، خویشتن را با ارتکاب گناه، خوار و حقیر نخواهد کرد. (۲)

۳. راهنمایی به موقع و توجه به مسائل جنسی

هنگامی که فرزندان به آستانه بلوغ می رسند و انگیزه جنسی در آنها تا حدی بیدار می شود، باید با راهنمایی های به موقع، آنها را از نشانه های بلوغ و عوارض آن آگاه کنیم تا نخست از اضطراب و نگرانی که به طور معمول در این هنگام برای آنها پیش می آید، نجات یابند و آن را مسئله ای طبیعی بدانند که برای همه روی می دهد. دوم این که از مراجعه به دوستان یا خواندن کتاب هایی که معمولاً زیان های گوناگون در پی دارد، بی نیاز شوند. (۳)

آگاهی دادن به نوجوانان، در آستانه بلوغ درباره تحولات جسمی و روانی

ص: ۹۴

۱- [۱]. محمد تقی فلسفی، گفتار فلسفی بزرگ سال و جوان، تهران، ۱۳۴۱، ص ۴۸.

۲- [۲]. غرالحکم، ص ۶۷۷، به نقل: از گفتار فلسفی بزرگ سال و جوان، ص ۴۸.

۳- [۳]. راهنمای پدران و مادران، ج ۲، ص ۱۵۱.

و عوارض ناشناخته ای که برای آنها پیش می آید، بسیار ضروری است و نباید آنها را در عالمی تاریک و مبهم به حال خود رها کرد. با توجه به اینکه دختران چند سالی زودتر از پسران به مرحله بلوغ می رسند، وظیفه مادران در برابر دخترانشان حسّاس تر است. مادر باید با صمیمیت و دل سوزی در کنار دختر تازه بالغ خود حضور داشته و همواره راهنمایی آگاه و محرم راز وی باشد. (۱)

مادر باید مسائل بهداشتی و نیز تکالیف شرعی دختر را به دقت به او بیاموزد و او را از مواردی که لازم است بداند آگاه کند.

همین وظیفه را پدر در برابر پسر نوجوان در آستانه بلوغ خود بر عهده دارد. افزون بر آن، پدر و مادر باید فرزندان تازه بالغ خود را در زمینه ارتباط با جنس مخالف به تدریج آگاه سازند و به آنها تفهیم کنند که میل جنسی برای تشکیل خانواده و برقراری پیوند زناشویی و در نهایت، ادامه نسل است، ولی چون آنها در این سنین برای تشکیل خانواده آمادگی ندارند، باید با شکیبایی و عفت این دوران را سپری کنند. (۲)

والدین باید بکوشند در محیط های خانوادگی و خویشاوندی از اختلاط زن و مرد پرهیز کنند و حریم معقول و مشروعی میان زن و مرد پدید آورند. کودکانی که اختلاط و بی بند و باری در ارتباط های خویشاوندی آنها وجود ندارد، پس از رسیدن به سن بلوغ، به طور طبیعی با حفظ فاصله با جنس مخالف از گزند تحریکات و هیجان های جنسی در امان می مانند. این امر، هم

ص: ۹۵

۱- [۱]. همان، ص ۱۵۲.

۲- [۲]. همان، ص ۱۵۲.

تحمل محرومیت جنسی را برای آنها آسان می کند و هم آنها را از عوارض نامطلوب روانی محفوظ نگه می دارد.

بی تردید، یکی از نیرومندترین غرایز، نیروی جنسی و عوارض طبیعی آن است. این نیرو که از ابتدای تولد به صورت نهفته در وجود آدمی به ودیعه نهاده شده است، تا زمان ظهور جوانه های بلوغ، همچنان دوران آرام و بی تحرکی را پشت سر می گذارد، ولی پس از شروع دوران نوجوانی، آرام آرام زمان بیداری و شکفتگی آن فرا می رسد و به تدریج، تمامی وجود نوجوان را در بر می گیرد و زیر آثار سنگین و شدید خود قرار می دهد؛ به گونه ای که نوجوان، خود را در چنگال قوی این غریزه تقریباً بی دفاع و ناتوان می بیند و آن را خارج از اراده و اقتدار شخصی احساس می کند. به همین دلیل، ظهور و بروز این غریزه، خواه ناخواه با مشکلاتی همراه است. (۱)

به همان اندازه که «بلوغ جنسی» از مراحل دیگر رشد پیچیده تر و حساس تر است، مسئولیت والدین نیز سنگین تر و آموختن آگاهی لازم و برخورد منطقی با این دوران برای آنها ضروری تر است. والدین ناچارند بر خلاف میل باطنی با نوجوانان درباره بلوغ و مسائل جنسی این دوران گفت و گو کنند و آنها را بنابر ضرورت امر تعلیم و تربیت، ارشاد کنند. بنابراین، باید والدین برای آگاهی فرزندان نوجوان خود و گذر سالم از این دوران به توصیه های زیر توجه کنند:

ص: ۹۶

الف) در حدود ۱۱ و ۱۲ سالگی، مادران باید صمیمانه مسائل مقدماتی و بهداشتی را درباره عادت ماهانه برای دختران خود بازگو کنند و آنها را از نخستین نشانه های قاعدگی، مانند خون ریزی و درد آگاه سازند.

ب) در ۱۲ و ۱۳ سالگی نیز پدران باید در محیطی گرم با پسران نوبالغ خود درباره احتلام شبانه گفت و گو کنند و آنها را برای نخستین انزال ها که بیشتر در شب ها روی می دهند، مهیا سازند.^(۱)

ج) وظیفه نوجوان را پس از این رویدادها برای او بیان کنند و غسل کردن را به او بیاموزند.

برای جلوگیری از انحراف های جنسی، در این دوران والدین باید به این نکات توجه کنند:

یک _ نظارت بر رفتار نوجوانان: _ دیدن و تماشای عکس، پوستر، فیلم ها، شنیدن مّحرک های جنسی در خانه و اجتماع، سبب تحرک جنسی و ایجاد انحراف جنسی می شود.

دو _ دور نگه داشتن روابط جنسی والدین از دید نوجوان: _ آگاهی نوجوانان از روابط جنسی والدین، از عوامل مهم انحراف نوجوانان است. والدین باید در اتاقی جدا از نوجوانان و فرزندان خود بخوابند.

سه _ کنترل نوازش های ناروا: _ رعایت نکردن برخی از اعمال در دوران نوجوانی، گرچه به صورت ناخود آگاه، باعث انحراف می شود.

ص: ۹۷

زندگی در خلوت، بوسیدن، بغل کردن و ارتباط با جنس مخالف در دوران نوجوانی دردسز آفرین است و به بیداری زودهنگام تخیلات شهوانی می انجامد که والدین باید این روابط را اصلاح کنند.

چهار - برخوردهای مناسب: بعضی عوامل روانی ممکن است باعث انحراف های جنسی شود. ترس، اضطراب، انزوا، تنبیه بدنی، طرد، تحقیر و خلأ عاطفی، راه را برای نفوذ انحراف ها باز می کنند و والدین نباید با نوجوانان این گونه رفتار کنند.

۴. حساسیت در برابر دوستان نوجوان

تأثیرپذیری نوجوانان از دوستان و هم سالان، بیش از دیگر گروه هاست؛ یعنی نوجوانان از هم سن و سالان خویش بیشتر تأثیر می پذیرند و به رنگ آنها درمی آیند و خلق و خوی دوستان را الگوی خود می کنند.

در سنین بلوغ، نجواها و صحبت های آهسته و در گوشه میان نوجوانان بیشتر می شود. موضوع این گفت و گوها هم بیشتر مسائل جنسی است که مخفیانه و دور از نظارت بزرگ ترها صورت می گیرد. (۱)

نوجوانان بیش از حد به دوستانشان اعتماد دارند و با نوعی ساده اندیشی و اطمینان کامل، با رفقا و معاشران خود مرتبط می شوند. باید گفت این سرآغاز و زنگ خطری برای به انحراف کشیده شدن آنها به شمار می آید. قرآن کریم می فرماید: «یا وَیْلَتی لَیْتَنی لَمَ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِیلاً؛ وای بر من، ای کاش فلان شخص را دوست خود نگرفته بودم». (فرقان: ۲۸)

اسلام به مسئله دوستی توجه بسیاری دارد و حتی معیار سنجش اعتقاد

ص: ۹۸

فرد را دوست او دانسته است. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «المرء علی دین خلیله فلینظر احدکم من یخالل؛ افراد، تابع عقیده دوست خود هستند. پس مواظب باشید که با چه کسی دوست می شوید» (۱).

از این رو، باید خانواده ها و مربیان در زمینه دوستی ها، معیارهای انتخاب دوست خوب و خطرهای ناشی از معاشرت های آلوده و ناباب، با نوجوانان گفت و گو کنند و ذهن آنها را به شیوه مناسبی آگاه سازند.

والدین باید به دوستی های مشکوک، به ویژه با شخصی که بزرگ تر از فرزندشان است، دقت و تجدید نظر کنند. صمیمی شدن بیش از حد و ایجاد روابط نزدیک با دوست و همسایه در سنین بلوغ، باید با احتیاط زیادی کنترل شود.

۵. آماده سازی شرایط رشد روحی و فکری

والدین متعهد می کوشند در شرایط و اوضاع مناسب، عناصر فکری خوبی برای فرزندان فراهم سازند و تفکر خلاق را برای آنان آسان و ممکن کنند. فرصت تفکر را برای آنان زیاد می کنند و پیوسته شرایطی پدید می آورند که آنان نیکو بیندیشند و آثار آن را دریابند.

در روایت های اسلامی درباره مشاوره با فرزندان به والدین سفارش شده است که باید دلیل آن را در همین موضوع جست و جو کرد. لازم است مسئله ای را مطرح کرد و از آنان خواست که درباره جوانب آن بیندیشند و حاصل اندیشه خود را عرضه دارند. محروم ماندن از رشد و پرورش جنبه های روحی و فکری، آدمی را تا حدّ کودنی و حماقت و حیات حیوانی

ص: ۹۹

تنزل می دهد. از علل مهم گرفتاری فرد و جامعه، توجه نکردن به این جنبه از مسائل است.

روان و روح، ملاک واقعیات مادی خارجی و تشکیل دهنده شرایط آن و باعث آبادی یا ویرانی بنای حیات و جوهر انسان است. بخشی مهم از برنامه سازندگی باید درباره پرورش روح و روان فرزندان باشد و والدین باید روح لطیف نوجوان را پروراند و آن را با ارزش های عالی و زیبایی های هستی قرین سازند.

روابط والدین با جوانان

۱. تکریم منزلت و شخصیت دهی

همان گونه که تضعیف شخصیت جوانان، آنها را در مواردی به عقب نشینی و منزوی شدن وادار می کند، در مقابل، تکریم منزلت و شخصیت، ایشان را به میدان گسترده روابط اجتماعی و حضور مؤثر و فعالانه در صحنه های جامعه هدایت می کند.

جوان اگر احترام ببیند و تکریم شود، اعتماد می کند و نیروها و انرژی هایش را در مسیر سالم و سازنده ای به کار می اندازد، ولی اگر از صحنه های فعال جامعه عقب رانده شود، نیرویش را در خود مصرف می کند.^(۱)

واگذاری مسئولیت به جوان، احترام گذاشتن به شخصیت او و با اهمیت دانستن او در حضور اعضای خانواده، بستگان و دوستان و فراهم کردن آزادی معقول برای او، از شیوه هایی است که احساس دارا بودن پایگاه و موقعیت اجتماعی را در جوان برمی انگیزاند و دیگر نیازی نخواهد داشت تا

ص: ۱۰۰

کمبود شخصیت خود را با خزیدن به درون خود یا پیوستن به باندهای فاسد و تبه کار یا با رفتار انحرافی و هنجارشکن جبران کند.

جوانی که تمایلات شخصی اش سرکوب شده و در خانواده بی احترامی و اهانت دیده است، جوانی که پدر و مادر با کلمات زننده و رفتار خشن خود، او را تحقیر و به وی وانمود کرده اند که لیاقت احترام ندارد؛ بر اثر حقارتی که در خود احساس می کند، ضعیف و آسیب پذیر است. پس خیلی زود ممکن است به ذلت ها و پستی ها تن در دهد و به آسانی، دامن خود را به ناپاکی ها و گناهان آلوده سازد.^(۱)

بی شک، با فرا رسیدن جوانی، ایام سازندگی شخصیت جوان آغاز می شود. این پدران و مادران، وظیفه شناس و دانا هستند که به پیروی از دستوره‌های مکتب اسلام، به فرزندان خود احترام می گذارند و آنان را وزیر و عضو مؤثر و مسئول خانواده و معاون و مشاور خود می دانند و از این راه، آنها را دوست صمیمی و همکار باصفای خود می سازند.

۲. پذیرش

از نیازهای مهم جوان این است که مقبول خانواده و مورد پذیرش والدین باشد و احساس کند که در میان خانواده اش موقعیتی مطلوب و پذیرفتنی دارد. همه فرزندان یک خانواده نزد والدین موقعیت و جایگاه یکسانی ندارند، بلکه برخی شرایط بهتری دارند و برخی دیگر خود را در وضع مساعدی احساس نمی کنند. متأسفانه برخی از خانواده ها، فرزند خود را آن چنان که

ص: ۱۰۱

شایسته است، نمی پذیرند و او را به صراحت یا تلویحی طرد می کنند.^(۱)

این شیوه برخورد والدین، نه تنها اساس روابط مطلوب آنان با فرزندانشان را تهدید می کند، بلکه سبب تیره شدن روابط صمیمانه فرزندان خانواده (خواهران و برادران) نیز خواهد شد و جوان را مستعد پرخاشگری و تمایلات عصبی و روابط ناسالم با دیگران و روی آوردن به سوی گروه ها و دسته های جنایت کار می سازد. جوانی که در خانواده پذیرفته نشده است، با کمترین پذیرش از سوی باندهای فساد و فحشا به سوی آنان جذب می شود.

۳. تبادل عاطفی

تبادل عاطفی به مفهوم جریان داد و ستد عاطفی، در حدّ تعادل میان دو فرد است. از عوامل مهم تعیین کننده در شکل گیری هویت خانوادگی، تبادل عاطفی متوازن است. همان گونه که والدین برای تنظیم درآمدها و مخارج خود، از برنامه اقتصادی ویژه ای پیروی می کنند و طرح باثباتی در این زمینه دارند، در مناسبات عاطفی والدین و جوانان نیز باید طرح های مطمئن و متعادلی تنظیم شود تا باعث به جریان افتادن انگیزه ها و کشش های عاطفی میان آنها شود و نیازهای احساسی و هیجانی طرفین را تأمین کند. در پی چنین تبادلاتی، احساس امنیت، اطمینان و اعتماد، روح سرشار از تکاپو و تمنای جوان را سیراب می کند که نتیجه طبیعی آن، احساس تعلق به خانواده است و افزون بر آن، روح خوش بینی و مثبت نگری را در جوان پرورش می دهد.^(۲)

ص: ۱۰۲

۱- [۱]. دنیای نوجوان، ص ۳۹.

۲- [۲]. دکتر محمدرضا شرفی، جوان و بحران هویت، تهران، سروش، ۱۳۸۱، چ ۳، ص ۶۵.

از اشتباه های شایع والدین این است که تبادل عاطفی را تنها در دوران کودکی و حداکثر نوجوانی، ضروری می دانند و دوره جوانی را بی نیاز از آن به شمار می آورند، در حالی که آدمی در همه مراحل زندگی، حتی تا هنگام مرگ، چشم انتظار محبت و لطف دیگران است. تنها تفاوت مهم، تغییر و تبدل جلوه محبت است؛ یعنی عواطف به شکل متفاوتی در هر دوره از زندگی، ظاهر می شوند، از جمله در سال های جوانی و در نظر گرفتن فرصت هایی برای استقلال نسبی او تجلی می یابد. در مقابل، والدینی که ناآگاهانه، فرزند جوان خود را از هر تجربه جدیدی با انگیزه دل سوزی باز می دارند و پی در پی آنها را دل سرد و بی جرئت می کنند، نتیجه ای به جز «ظهور بیگانگی عاطفی» نخواهند گرفت. (۱)

۴. مشورت

یکی از اصولی که در رفتار با جوانان، به ویژه در مرحله پایان نوجوانی باید رعایت شود، مشورت است. والدین در این دوره باید همواره با فرزندان خود مشورت کنند. هنگامی که با جوانی درباره مسئله ای مشورت می کنیم، احساس می کند که دارای شخصیت باارزشی شده است و از سوی دیگر، والدین او را پذیرفته اند و به او اعتماد دارند. از این رو، احساس غرور، شادی و خرسندی می کند. (۲)

مشورت با فرزندان سبب می شود که آنان درباره مسائل بیندیشند، احساس مسئولیت کنند، با واقعیات زندگی آشنا شوند و خود را برای حل

ص: ۱۰۳

۱- [۱]. همان، ص ۶۶.

۲- [۲]. یدالله جهانگرد، نحوه رفتار والدین با فرزندان، تهران، انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۳، ص ۹۱.

مسائل روزمره خانواده آماده کنند. جوان مجبور می شود درباره جنبه های گوناگون و چگونگی مسئله ای که درباره آن با او مشورت شده فکر کند و برنامه ای ارائه دهد. بدیهی است که در تنظیم برنامه با واقعیت های زندگی بیشتر آشنا می شود و برای زندگی آینده خود تجربه کسب می کند. (۱)

والدین باید پیشنهادهای درست و نظرهای سودمند فرزندان را بپذیرند و موجبات شکوفایی آنان را همراه با شادی خاطرشان فراهم کنند و در مورد پیشنهادهای نادرست با ملامت و دلیل و منطق، اشتباه های آنها را مشخص کنند. گوش دادن به سخنان فرزندان در هنگام مشورت با آنان، بیانگر آن است که والدین، فرزند خود را ارزشمند می دانند. بی گمان، فرزندان با دیدن این رفتار، اعتماد به نفس می یابند و دارای اراده ای قوی خواهند شد.

مشورت والدین با فرزندان در تأمین سلامت و پرورش عقل و اندیشه و بهداشت روانی فرزندان و همچنین روابط صحیح و متعادل والدین با آنها نقش اساسی دارد و از شاخص ترین و نافذترین برنامه های تربیتی و از بهترین شیوه های ارتباطی با فرزندان، شمرده می شود.

۵. نظارت غیرمستقیم

والدین در هر زمان باید بدانند که فرزندشان کجاست و با چه کسانی مانوس است؟ باید بر معاشرت های فرزندان نظارت کرد. نظارت ها نسبت به نوجوانان و جوانان باید بیشتر باشد؛ زیرا خطرهای بیشتری در این سنین در کمین آنهاست. چه بسیار والدینی که با این تصور که فرزندشان بزرگ شده و جوان است و نیازی به مراقبت ندارد، هیچ گونه نظارت و مراقبتی بر دوستان،

ص: ۱۰۴

اوقات فراغت و رفت و آمدهای او نکردند و زمانی به خود آمدند که فرزند جوانشان در کام اعتیاد فرو رفته یا به دام باندهای فساد و فحشا گرفتار شده بود.

آنچه در این مرحله بسیار مهم است، نوع و کیفیت مراقبت هاست. برای کودکان، مراقبت محسوس و مستقیم اشکالی ندارد؛ زیرا کودک با دیدن هیبت پدر، مراقب است که دست از پا خطا نکند، ولی در دوران جوانی، مراقبت ها بهتر است غیرمستقیم و نامحسوس باشد. مراقبت مستقیم والدین بر جوانان ممکن است آنها را بر آشوباند و در برابر پدر و مادر موضع گیری کنند یا بکوشند فعالیت های خود را پنهان سازند که نه به صلاح والدین است و نه به مصلحت فرزند.

جوانان در سنینی هستند که می توانند با پنهان کاری رفتار خود را از والدین مخفی نگه دارند و در این صورت، دریافتن رفتار آنان بسیار مشکل خواهد بود. والدین باید گاهی با فرزند جوان خود گفت و گو و از این راه رفتار و گفتار او را ارزیابی کنند و اگر متوجه تغییری در شیوه رفتار او شدند، آن را زنگ خطر بدانند. برای نمونه، اگر فرزند جوانشان می کوشد مخفی کاری کند، تلفن های او به دوستانش به گونه ای مرموز است، دیر هنگام به خانه می آید و صبح ها تا دیر وقت می خوابد، به مصرف دخانیات روی آورده، در گفتارش اصطلاحات خاص بعضی گروه های ناسازگار را به کار می برد، هر روز پول توجیبی بیشتری طلب می کند و... برای تغییر دوستان و نظارت بر رفت و آمدهای او اعمال نظر کنند.

۶. زمینه سازی ازدواج

با پایان دوران بلوغ، تمایل جنسی به طور کامل شکفته می شود و دختران

و پسران در فشار جاذبه نیرومند آن قرار می گیرند. غریزه کور و بدون شعور، ارضای خود را به هر صورت و با هر کیفیت طلب می کند و ممکن است جوانان گرفتار ناپاکی و بی عفتی شوند. ازدواج، بهترین وسیله طبیعی و قانونی است که می تواند خواهش آنان را برآورده کند و از تباهی و فساد مصونشان دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

ای گروه جوانان! هر یک از شما که قدرت ازدواج دارد، حتما ازدواج کند؛ چرا که بهترین وسیله است که چشم را از نگاه های آلوده و خیانت آمیز و شخص را از بی عفتی و گناه محافظت می کند. (۱)

یکی از وظایف والدین، بسترسازی مناسب برای ازدواج فرزندان است. اسلام توصیه می کند که برای پسران خود همسر انتخاب کنید و دختران خود را شوهر دهید؛ پیش از آنکه زمینه آلودگی آنها فراهم شود. هر چند ممکن است شرایط تحصیلی و شغلی، ازدواج در سنین پایین را ایجاب نکند، ولی پدران و مادرانی که نسبت به حفظ عفت و سلامت جنسی فرزندان خود حساس هستند، می توانند با هم توافق کنند و با رها کردن بعضی از توقع های دست و پاگیر، راه را برای زندگی دو زوج جوان هموار سازند. (۲)

والدین نباید اجازه دهند، زمان چیدن میوه های زندگی شان بگذرد و به فساد آلوده شوند. بعضی خانواده ها به بهانه های واهی، ازدواج دختران خود را تا سن بزرگ سالی به تأخیر می اندازند و سبب می شوند دختران در آستانه لغزش قرار گیرند یا ممکن است دختران پرتوقع و دچار وسوسه شوند؛ زیرا

ص: ۱۰۶

۱- [۱]. مکارم الاخلاق، ص ۱۰۰.

۲- [۲]. علی قائمی، خانواده و مسائل نوجوان و جوان، شفق، ۱۳۷۰، چ ۵، ص ۲۵۴.

وقتی دختری به سن بزرگ سالی برسد، از آن رو که دختر بزرگی است و موقعیتی در میان خانواده دارد، حاضر نخواهد شد با هر مردی ازدواج کند.

درباره زمینه سازی ازدواج فرزندان، چند نکته را باید رعایت کرد:

الف) بررسی و تحقیق: یکی از وظایف اصلی پدران و مادران، دقت و مراقبت در انتخاب همسر برای فرزندان خود است و والدین باید درباره همسر آینده فرزند خود تحقیق کنند که چگونه فردی است و آیا صلاحیت همسری فرزندشان را دارد. امام رضا علیه السلام می فرماید:

ازدواج کردن و دختر را شوهر دادن یک نوع فرمان بری است. پس باید مطالعه کرد که انسان، دخترش را به دست چه کسی می سپارد. (۱)

ب) پرهیز از تحمیل: بعضی از خانواده ها بدون در نظر گرفتن خواست فرزند خود، همسری برای او در نظر می گیرند و او را به فرزند خود تحمیل می کنند. والدین باید افزون بر راهنمایی و آگاه کردن فرزند خود درباره همسر آینده اش، خواسته های او را نیز در نظر بگیرند.

ج) تقوا و اخلاق: بسیاری از خانواده ها می پندارند که خواستگار دخترشان باید در حد آنان باشد. اسلام با این اندیشه مخالف است. بر پایه روایت های اسلامی، اگر خواستگاری دین و اخلاق داشته باشد، دخترتان را به ازدواج او در آورید.

۷. کمک به انتخاب شغل مناسب یا زمینه سازی آن

هویت شغلی، بخش مهمی از مجموعه هویت بیشتر افراد است. داشتن شغلی با ارزش اجتماعی و به خوبی از عهده آن بر آمدن، عزت نفس را زیاد

ص: ۱۰۷

۱- [۱]. بحارالانوار، ج ۱۰۳، باب ۲۱، ص ۳۷۱، ح ۲.

و به ایجاد احساس ایمنی و هویت با ثبات کمک می کند. بر عکس، اگر جامعه به جوانانش بگوید که به آنها نیازی ندارد و اشتغال آنها امکان پذیر نیست، در آنان، تردید و سرخوردگی پدید می آید و از عزت نفس آنها کاسته می شود.^(۱)

بیشتر پسران، همان شغل پدرانشان را برمی گزینند؛ زیرا به حرفه پدر آشنایی بیشتر و دسترسی راحت تری دارند. در بعضی از موارد والدین انگیزه زیادی ایجاد می کنند. و این خود، زمینه ساز انتخاب شغل برای جوانان است. مسئله انتخاب شغل در زندگی جوانان، یکی از مسائل مهم و اساسی است؛ زیرا از سویی جوان باید به آن مایل و راغب باشد و خود با علاقه آن را انتخاب کند، نه آنکه به وی تحمیل شود و از سوی دیگر بیشتر جوانان بر اثر کم تجربگی، به خود اطمینان ندارند و جرئت نمی کنند که در انتخاب شغل، تصمیم بگیرند و به تنهایی راه خود را برگزینند. برای آنکه جوانان به بیراهه نروند و با تصمیم های نادرست به آینده خود آسیب نرسانند، والدین باید فرزندان خویش را در انتخاب شغل، یاری و آنان را به کار خوب و شایسته راهنمایی کنند.^(۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «یا عَلِيُّ حَقُّ الْوَالِدِ عَلَيَّ وَالِدِهِ أَنْ يُحْسِنَ اسْمَهُ وَ أَدَبَهُ وَ يَضَعَهُ مَوْضِعًا صَالِحًا؛ ای علی! حق فرزند بر پدرش این است که برای او اسم خوب انتخاب کند، خوب تربیتش کند و در کار شایسته ای مستقرش سازد».^(۳)

ص: ۱۰۸

-
- ۱- [۱]. ماسن و دیگران، رشد و شخصیت کودک، ترجمه: مهشید پارسایی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۶، چ ۱۱، ص ۵۸۷.
 - ۲- [۲]. گفتار فلسفی.
 - ۳- [۳]. بحارالانوار، ج ۱۷، ص ۱۸.

والدین باید در انتخاب شغل برای جوانان خود چند نکته را رعایت کنند:

الف) از تحمیل کاری که جوان به آن بی علاقه است، بپرهیزند.

ب) اشتغال به کار باید منطبق با لیاقت و استعداد فطری او باشد تا بتواند آن را به خوبی و شایستگی انجام دهد.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «إِعْمَلُوا فِكْلَ مَيْسَرٍ لِّمَا خُلِقَ لَهُ؛ همه کار و کوشش کنید، ولی آگاه باشید که افراد، کاری را به آسانی انجام می دهند که برای آن آفریده شده اند.» (۱)

ج) آنان را به کارهای شایسته وادارند و برای آنان کسب خوب و مباح برگزینند، نه آنکه به طمع درآمد مالی بیشتر، جوانان را به شغل های بد و کسب های حرام بگمارند.

امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: «مردی شرفیاب محضر رسول اکرم صلی الله علیه و آله شد، عرض کرد: بچه ام بر من چه حقی دارد؟ حضرت در پاسخ او فرمود: ... وَصِعُهُ مَوْضِعًا حَسَنًا؛ او را به کار خوبی بگمار.» (۲)

۸. حساسیت درباره دوستان و سرگرمی ها

در دوران جوانی دوستی ها عمیق تر می شود و جوانان می کوشند دوستانی انتخاب کنند تا بتوانند گرفتاری ها، شادی ها، افکار و احساسات درونی خویش را با آنان در میان گذارند. موقعیت والدین در برابر دوستان فرزندانشان، مسئله ای است حیاتی و می تواند پدیدآورنده رابطه خوب و یا بد میان والدین و جوانان باشد. جوان به شدت به دوستان خود وفادار است. انکار فضیلت دوستان از سوی والدین، جوان را سخت آزرده می کند و گاهی

ص: ۱۰۹

۱- [۱]. سفینه البحار، شیخ عباس قمی، بیروت، دارالعلم، ماده یسر، ص ۷۳۲.

۲- [۲]. وسائل الشیعه، ج ۱۵، کتاب النکاح، باب ۸۶، ص ۱۹۸، ح ۱.

همین مخالفت های والدین سبب می شود که دوستی آنان محکمتر و پایدارتر شود. (۱)

والدین آگاه، دوستان فرزندان خود را می پذیرند و می کوشند که فرزندان آنان را بدون تشریفات به منزل بیاورند تا بدین وسیله، شناخت بیشتری نسبت به آنان پیدا کنند و در صورت ضرورت بتوانند سریع تر در این دوستی ها مداخله کنند.

کوشش والدین برای اینکه فرزندان رازهایشان را به طور مستقیم با آنان در میان بگذارند، بی فایده است؛ پرسش هایی مانند: کجا بودی؟ کجا می روی؟ و با چه کسانی هستی؟ جز ایجاد حساسیت بیشتر اثری ندارد. بیشتر جوانان به انتقادهای والدین مزنند. بنابراین، به طور معمول در برابر چنین پرسش هایی طفره می روند یا عصبانی می شوند. بهتر است والدین به جای این گونه پرسش ها اعتماد فرزندان جوان خود را جلب کنند و به طور غیرمستقیم و به اصطلاح معروف «کج دار و مریز»، بر رفتارهای آنها نظارت داشته باشند تا این دوران حساس را سپری کنند. (۲)

در رابطه با سرگرمی های جوانان، والدین موظفند زمینه تفریح ها و سرگرمی های سالم را فراهم کنند. میل به تفریح، یکی از خواش های طبیعی است که با سرشت انسان آمیخته شده و از آغاز زندگی تا پایان عمر، همواره ثابت و پایدار است و ارضای این تمایل برای طبقه های مردم در سنین گوناگون لذت بخش و مایه شادی و مسرت است.

ص: ۱۱۰

۱- [۱]. نحوه رفتار والدین با فرزندان، ص ۱۰۶.

۲- [۲]. همان، ص ۱۰۸، با کمی تلخیص.

یکی از تفریح های سالم که والدین می توانند جوانان خود را به آن تشویق کنند، ورزش است. ورزش به مقدار قابل ملاحظه ای اعضای بدن را به فعالیت وامی دارد و به توازن قوای جسمانی کمک می کند. حرکات ورزشی، خلأ ناشی از ترک تلاش های عضلانی را پر و تا حدودی اعمال تطابقی بدن را تنظیم می کند. شنا و تیراندازی از این گونه ورزش ها هستند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به آنها سفارش کرده است.

ورزش های مفید و نیرو بخش دیگری نیز برای ساعت های فراغت جوانان وجود دارد، مانند: پیاده روی، کوه نوردی، حرکات سالم ورزشی و هر گونه فعالیت بی ضرری که سلامت بدن جوانان را تأمین و آنان را سرگرم کند.

یکی از تفریح های مطبوع و نشاط انگیز که آثار درخشانی در بهبود جسم و پرورش فکر دارد، مسافرت است. در آیین اسلام، مسافرت یکی از وسایل تفریح و لذت شناخته شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «سَافِرُوا تَصِحُّوا؛ مسافرت کنید تا صحیح و سالم بمانید».^(۱)

ویژگی های رابطه سالم با فرزندان

۱. هماهنگی در قول و عمل

یکی از شاخص های اساسی برای سنجش تحقق یک ارزش در رفتار انسان، بروز و ظهور آن در رفتار و گفتار است. بسیاری از افرادی که درباره فضایل اخلاقی مانند: راست گویی، امانت داری و رعایت مصالح همگان، داد سخن می دهند، ولی بر خلاف آن عمل می کنند. این حالت چه بسا در افراد،

ص: ۱۱۱

۱- [۱]. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۲۲.

گروه ها و جوامع موجب بیماری «گسیختگی شخصیتی» شود. قرآن مجید این بیماری را که هم در عوام و هم در خواص و هم در والدین دیده می شود، تهدیدی برای ایمان انسان می داند و همگان را از آن بر حذر می دارد: «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ، کَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! چرا سخنی می گوئید که عمل نمی کنید؟! نزد خدا بسیار موجب خشم است که سخنی بگوئید که عمل نکنید!» (صف: ۲ و ۳)

تناقض در گفتار و رفتار پدر و مادر، سبب بی اعتمادی کودک نسبت به آموزش های والدین می شود و اثر زیان بارتر اینکه کودک، دانستن و عمل نکردن را از پدر و مادر فرا می گیرد؛ یعنی آن گفته ها و آموزش ها را جدی نمی گیرد. کودک وقتی می بیند می توان حساب «گفتار» را از «کردار» جدا کرد؛ یعنی در حرف و سخن، به گونه ای و در رفتار و کردار به گونه ای دیگر بود، درس چند شخصیتی بودن را که چیزی جز بی شخصیتی و سردرگمی شخصیت نیست، فرا می گیرد.

در هر حال، باید همواره این نکته را در نظر داشت که کودک بیش از آنچه می شنود، می بیند؛ زیرا کودک به ویژه در مسائل اخلاقی بیش از گوش، از چشم خود استفاده می کند. پس باید هماهنگی میان دیده ها و شنیده ها ایجاد کرد تا آشفتگی در ذهن او به وجود نیاید. (۱)

۲. انتظارهای معقول از فرزندان

انتظارها، قوی ترین نیروها را در روابط انسانی پدید می آورد. انتظارها، با کلمات و اشارات بیان می شوند. فرزندان، انتظارهای بزرگسالان را به خود

ص: ۱۱۲

می گیرند؛ یعنی آنها را در خود ضبط می کنند. برای نمونه، هنگامی که باور داریم که کودک نمی تواند در انجام عملی موفق باشد، این باور را به گونه ای به او منتقل می کنیم. به این ترتیب، کودک نیز در توانایی های خود برای انجام آن دچار تردید می شود و آن گونه که ما انتظار داریم، عمل می کند. در نتیجه، در آن کار موفق نمی شود. (۱)

انتظارها و توقع ها باید متناسب با رشد جسمی، روانی، عقلی، روحی و ذهنی فرزندان باشد. کسانی که بدون توجه به رشد و توانایی کودکان، اموری را که متناسب با استعدادشان نیست، از آنان توقع دارند، لطمه فراوانی به شخصیت آنان وارد می کنند. نباید زودتر از موعد از او انتظار رفتار منطقی داشت و یا درباره همه کارها با او منطقی و خشک سخن راند، بلکه باید موقعیت او را درک و متناسب با آن با او رفتار کرد تا در خانه احساس امنیت و آرامش کند و پدر و مادر را نزدیک ترین افراد به خود و صمیمی ترین اشخاص با خود بداند. (۲)

۳. گذراندن زمانی با فرزندان

در زندگی پرمشغله مدرن، به طور معمول این جنبه مهم؛ یعنی ایجاد روابط خانوادگی مثبت، نادیده گرفته می شود. باید گفت مدت در کنار هم بودن از نظر کیفی مهم است، نه کمی. یک ساعت رابطه مثبت از چندین ساعت در خانه بودن و هیچ گونه رابطه و گفت و گوی صمیمانه نداشتن بهتر است. در حقیقت، این کار آن گونه که به نظر می رسد، وقت گیر نیست.

ص: ۱۱۳

۱- [۱]. والدین مؤثر، ص ۵۳.

۲- [۲]. رضا فرهادیان، آنچه والدین و مربیان باید بدانند، قم، انتشارات رئوف، ۱۳۷۰، چ ۱، ص ۵۹.

روزانه ساعاتی از وقت را با هر یک از فرزندان به گونه ای که هر دو شما لذت می برید، بگذرانید. اگر هر یک احساس کنند به زور وادار به صرف وقت با دیگری شده اند، در واقع، وقت خود را تلف کرده اند. در خانواده هایی که پدر و مادر هر دو حضور دارند، می توانند با هم به مراکز تفریحی بروند، با هم غذا بخورند، در خانه گاهی جلسه های خانوادگی تشکیل دهند یا فرزندان را با خود به دیدار اقوام و پدر بزرگ ها و مادر بزرگ ها ببرند.

یک نکته مهم آن است که شما و فرزندان با هم درباره چگونگی گذراندن وقت تصمیم بگیرید. ممکن است بسیاری از افراد وقت مسافرت را مناسب ترین زمان برای با هم بودن بدانند و بعضی دیگر بر سر یک سفره در کنار هم نشستن و گفت و گو در هنگام صرف غذا را بهترین اوقات تلقی کنند. مهم این است که فرزندان از بودن در کنار شما و صرف وقت با شما احساس لذت و نشاط کنند.

دیگر نکته مهم، تفاوت بر سر حضور فیزیکی و عاطفی است. ممکن است ما همیشه از نظر فیزیکی با فرزندان خود نباشیم، ولی اگر فرزندان ما بدانند که از نظر عاطفی همیشه در دسترس آنها هستیم، می دانند که در وقت نیاز، می توانند به ما تکیه کنند. هنگامی که والدین به لحاظ عاطفی در دسترس فرزندان خود باشند، نیاز فرزندان به حضور فیزیکی پدر و مادر کاهش می یابد. پدری که محل کار خود را ترک می کند تا فرزند بیمارش را از مدرسه بیاورد، پیام مهمی به فرزندش منتقل می کند. والدینی که برنامه تعطیلات خود را برای صرف وقت با فرزندان به هم می زنند، در عمل می گویند که صرف وقت با فرزندان به لحاظ کمی و کیفی برایشان اهمیت

۴. انتخاب شیوه های مراقبتی آسان

در سنین نوجوانی و جوانی باید پی جوی فرزندان بود، ولی نه به گونه ای که احساس کنند والدین همواره مراقب آنها هستند؛ زیرا این گونه رفتار ممکن است به عصیان یا مخفی کاری بینجامد.

فرزندان در این سنین با مشاهده اصرار والدین در کنترل خود می کوشند و مخفیانه عمل می کنند یا گاه ممکن است در برابر پدر و مادر بایستند و آنها را خشمگین کنند؛ چون دیگر حاضر نیستند نصیحت ها و خیرخواهی های آنان را بپذیرند.

مراقبت از فرزندان باید به گونه ای باشد که آن را دخالت مستقیم در زندگی خود به شمار نیاورند و به شخصیت و استقلالشان لطمه ای وارد نشود. بر این اساس، اگر دختر بزرگ شما در اتاقی وارد شده و در را به روی خود بسته است، نباید از او پرسید که دارد چه می کند و چرا در را به روی خود بسته است، بلکه باید به بهانه جارو کردن اتاق یا برداشتن ظرفی از آنجا، وارد اتاقش شوید و اگر لغزش و خطایی در کارش می بینید، آن را دوستانه به او گوشزد کنید. (۲)

تحقیق درباره اینکه فرزندان شما به کجا می روند، چرا می روند و با چه کسی معاشرت می کنند، ضروری است. شما باید بدانید که دختر شما چرا از خانه بیرون رفته و با چه کسی دوستی دارد، ولی رعایت این نکته هم

ص: ۱۱۵

۱- [۱]. استرس و خانواده سالم، ص ۱۳۴.

۲- [۲]. خانواده و مسائل نوجوان و جوان ۱، ص ۱۲۲.

ضروری است که این نظارت، نیازمند ابراز محبت، خیرخواهی و وارد شدن از در صداقت و صفاست. مادرانی که بخواهند با زور و تهدید مانع خروج فرزندان خود از خانه شوند، کاری از پیش نخواهند برد. با آنها دوستانه صحبت کنید، بگذارید به شما بگویند چه رازی دارند و به دنبال چه مسائلی هستند. (۱)

فرزندان ما در مواردی برای رفع خستگی و تنوع احتیاج دارند که از خانه بیرون بروند. در چنین مواردی خوب است به جایی که می روند اطمینان داشته باشیم یا خود با آنان رفیق راه شویم، نه مأمور مراقب. اجازه دهیم به منزل فامیل مورد اعتماد بروند، با آنها به منزل همسایگان یا اجتماعات اسلامی سالم برویم و به طور کلی، از سخت گیری های بی مورد و وسواس گونه بپرهیزیم. با وجود این، مراقبت نامحسوس خود را هرگز فراموش نکنیم.

۵. وضع مقررات روشن و قابل اجرا

هر رابطه سالم و متعادلی به ضوابط و مقرراتی نیاز دارد که اعضای آن، خود را متعهد به رعایت آن بدانند تا در سایه آن آسایش و فراغ همگانی میسر شود. این مقررات باید روشن و قابل اجرا باشد و بر اساس معیارهای اعتقادی والدین تهیه شود.

برخی از خانواده ها، مقررات ثابتی ندارند و هر روز درباره فرزندان خود تصمیم تازه ای می گیرند. ممکن است امروز کودکی را برای عملی تشویق و

ص: ۱۱۶

فردا او را برای همان عمل، تنبیه و مجازات کنند. طبیعی است چنین شیوه ای برای فرزندان زیان بار است.

در برخی از خانواده ها، مقرراتی اجرا نشدنی وجود دارد. والدین بدون توجه به توانایی فرزندان و نیازهای زمانی و مکانی، از فرزندان خود خواسته هایی دارند که از قدرت آنها خارج است. والدین بی توجه برخواسته خود پافشاری می کنند و فرزندان ایشان را به عصیان و سرکشی وا می دارند. مقرراتی که در ارتباط با خانواده مطرح و عملی است، باید دارای ویژگی های زیر باشد:

الف) منطقی و معقول باشد، البته لازم نیست که فرزندان هم آن را به طور عقلی بپذیرند؛ زیرا ممکن است چنین امکان و توان عقلی نداشته باشند، ولی خود والدین باید مطمئن شوند که عقل و شرع آن مقررات را تأیید می کند.

ب) قواعد و مقررات باید پدیده پردامنه و فراگیر باشد؛ به گونه ای که همه افراد خانه را شامل شود، در میان فرزندان زمینه تبعیض را به وجود نیآورد و همه مسائلی را که فرزند در طول مدت زندگی با آن سر و کار دارد، شامل شود.

ج) در اعمال مقررات، میان والدین وحدت و هماهنگی کافی باشد. والدینی که وحدت و اتفاق کامل ندارند و در امر تربیت پشتیبان همدیگر نیستند، فرزندان خود را گرفتار تناقض کاری و در برخی موارد، پشت گوش انداختن مقررات می کنند.

د) قواعد و مقررات به گونه ای باشد که فرزندان توانایی تحمل و رعایت آن را داشته باشند. باید به ظرفیت روحی و توان جسمی فرزندان توجه کرد. خطاست که والدین تنها خود را و توان خود را ببینند و برای فرزندان برنامه

تدوین کنند. توان ها، محدود و نوع تحمل ها در شرایط گوناگون، متفاوت است.

ه) مقررات و قواعد عصیان برانگیز نباشند. به عبارت دیگر، مقررات آن چنان برای فرزندان مأنوس باشد که از تحمل و پیروی آن احساس سنگینی نکنند و به گونه ای باشند که فرزندان فرصت پیدا نکنند که به آن نه بگویند. خطاست که والدین شیوه ای سخت گیرانه در پیش گیرند که فرزندان در آن سر به عصیان بردارند و به نافرمانی کشانده شوند.

۶. ایجاد ارتباط مناسب با فرزندان

ارتباط والدین و فرزندان اهمیت زیادی دارد. در دوران کودکی، ایجاد این ارتباط بسیار آسان تر است؛ زیرا کودکان، خود، به سراغ والدین می آیند و از مشکلات، نیازها و پرسش های خود سخن می گویند و این، آغاز ارتباط کلامی و زمینه ساز دیگر ارتباطات میان والدین و آنان است، ولی با ایجاد تغییرات طبیعی در سن بلوغ ارتباطات والدین و فرزند نوجوانشان کاهش می یابد. دیگر نوجوانان اسرار و احساسات خود را مانند دوران کودکی با والدین خود مطرح نمی کنند. افزون بر این، صحبت درباره نوع فعالیت ها، دوستان و مکان هایی که می روند، کمتر می شود و تمایلی ندارند به والدین خود اطلاع دهند چه زمانی به خانه باز می گردند. بنابراین، بسیاری از والدین در ایجاد ارتباط مناسب با فرزندانشان دچار مشکل می شوند.

برای ایجاد یک ارتباط مناسب و صمیمی، باید چند مطلب را در نظر گرفت:

الف) زمان و فرصت مناسبی را برای ارتباط با فرزندان اختصاص دهید. اگر فرزند شما بیشتر اوقاتش را به تنهایی در اتاق خود سپری می کند یا اینکه

دارای آزادی نامحدودی است که مدت زیادی از وقت خود را بیرون از خانه و با دوستان خود می گذرانند و به فعالیت های خانوادگی علاقه نشان نمی دهد و شما هم سرگرم کارهای خویش هستید و فرصت کمی برای ارتباط با یکدیگر دارید، پیش از ایجاد هر نوع ارتباط، باید وقت و زمانی را به با هم بودن اختصاص دهید. اختصاص وقت، به ویژه در دوران نوجوانی و جوانی فرزندان بسیار مهم است.

در کارهای مورد علاقه او مشارکت کنید، در فعالیت های ورزشی مانند کوه نوردی با او همراه شوید، با او برای خرید بیرون بروید، او را برای رسیدن به کلاس درس و دانشگاه همراهی کنید و در این فرصت، ارتباط مناسب را پدید آورید.

ب) با فرزندان صحبت کنید و به دنبال نتیجه گیری نباشید. یکی از علّت های کاهش ارتباط نوجوانان و جوانان با والدین این است که والدین همیشه می کوشند آنها را نصیحت کنند، نظرشان را تغییر دهند، اشتباه هایشان را گوشزد کنند و چیزی به آنها بیاموزند. به عبارت دیگر، هنگام صحبت با فرزندمان سعی می کنیم به نتیجه ای بیش از یک گفت و گوی لذت بخش برسیم. در این صورت، فرزندمان اشتیاقی برای صحبت کردن با ما نخواهد داشت. نکته با اهمیت این است که باید هدف ما از حرف زدن با فرزندمان تنها حرف زدن باشد، نه نتیجه گیری خاص. (۱)

ج) بکوشید جنبه های مثبت را ببینید. والدین معمولاً به اشتباه ها و رفتارهای ناشایست بیشتر توجه می کنند، ولی به رفتارهای شایسته و

ص: ۱۱۹

موفقیت های فرزندشان توجه کمتری نشان می دهند. با فرزند خود به گونه ای ارتباط برقرار کنید که درباره موفقیت ها و رفتارهای شایسته، بیش از شکست ها، اشتباه ها و رفتارهای ناشایست او صحبت کنید.

۷. مشورت با فرزندان

خانواده های سالم و صمیمی از هر عاملی که بتواند پیوند میان والدین و فرزندان را تقویت کند، احساس تعلق به خانواده را در فرزندان بارور سازد و به همان اندازه به تکوین و تکامل روابط کمک کند، استقبال می کنند. مشورت با فرزندان، موجب ورزیدگی نیروی عقلانی و تدبیر زندگی می شود؛ زیرا هر پرسشی، فرصتی است برای اندیشیدن و حل مشکلی که پیش روست. همچنین باعث رشد احساس مسئولیت فرد در روبه رو شدن با زندگی می شود و حس قدرشناسی از مواهب و موقعیت های موجود را افزایش می دهد.

از این رو، والدینی که روابط سالمی با فرزندان خود دارند، مسائل خانواده را در جمع اعضا مطرح و با فرزندان خود مشورت می کنند، از او نظر می خواهند و بدین وسیله مقبولیت را در او تعالی و تکامل می بخشند و از این طریق، باب تفاهم میان والدین و فرزندان گشوده می شود.

۸. هنر شنیدن سخنان آنان

برای برقراری ارتباط مؤثر با دیگران، باید به سخنان آنان با دقت گوش فرا داد. بدیهی است گفتن این جمله بسیار آسان تر از عمل به آن است، ولی باید بیاموزیم که به طرف مقابل خود فرصت سخن گفتن بدهیم و به گفته های او دقت کنیم.

تمایل به گوش دادن به حرف های کودکان می تواند نقش مهمی در رشد

احساسات و غنی تر شدن اعتماد به نفس در آنان داشته باشد. باید به خاطر بسپاریم که گوش دادن، نوعی ارتباط و تبادل نظر غیرکلامی است. گوش دادن با توجه و علاقه می تواند پیام های متفاوت و هم مرزی چون «تو فرد با ارزشی هستی» و «من به نظر تو احترام می گذارم» را به نوجوان منتقل کند.^(۱)

خوب گوش دادن به این معنا نیست که هنگام گوش دادن به فکر آماده کردن پاسخ باشیم، بلکه به معنای دریافت دقیق و منعکس کردن مطالب به کودک یا نوجوان است. این عمل گاه به صورت تکرار گفته ها و زمانی با گوش دادن دقیق بروز می کند. به بیان دیگر، خوب گوش دادن شامل تلاش های آشکار و آگاهانه برای درک گفته های دیگران و توجه به آنهاست.^(۲)

با توجه به اینکه نوجوانان به ندرت برای شروع گفت و گو داوطلب می شوند، باید به هنگام صحبت، به طور کامل به گفته های آنها توجه کرد و آنها را جدی گرفت. هیچ کس تمایل ندارد با افرادی که به او بی توجه اند، گفت و گو کند. اگر فرزندان احساس کند که شما توجهی به او ندارید و به سخنانش گوش نمی کنید، ارتباط و گفت و گو با شما را کاهش خواهد داد.

دختری از مدرسه به خانه می آید. مادر در آشپزخانه است، با مادر شروع به صحبت می کند، مادرش هم گاهی به او پاسخ می دهد، ولی چون پشت به دخترش ایستاده، او احساس می کند به سخنانش بی توجه است و از ادامه صحبت مأیوس می شود. پسری می خواهد با پدرش که سخت مشغول مطالعه

ص: ۱۲۱

۱- [۱]. شکوه نوابی نژاد، سه گفتار درباره راهنمایی و تربیت فرزندان، تهران، انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۴، چ ۵، ص ۶۹.

۲- [۲]. همان، ص ۷۰.

روزنامه است صحبت کند. چند بار با او سخن می گوید، ولی می بیند که پدرش روزنامه را جلو روی خود گرفته و حتی چهره پدرش را نیز نمی تواند ببیند. بنابراین، انگیزه خود را برای ادامه صحبت از دست خواهد داد. (۱)

رابطه پدر با فرزند پسر

۱. پدر و سازندگی پسران

پدر در پدید آمدن نقش مردانه و تربیتی خاص در پسر سهمی به سزا دارد. بر پایه پژوهش ها، کودک از حدود سه سالگی در می یابد که پسر است و باید مانند پدر شود. بر این پایه می کوشد که رفتار خود را شبیه پدر و رفتار و کردارش را از او تقلید کند.

برای اینکه پسر بتواند سالم و معتدل احساس مردانگی کند و مانند پدر رفتار کند، به محبت پدر و احساس تفاهم و رابطه دو جانبه با او نیازمند است. پدران یا مطابق آداب و رسوم خاص اجتماعی خود و یا بر اساس طرز فکر و خواسته شخصی، پسران را دارای رفتار مردانه بار می آورند و در عمل، آنها را با شیوه خاص خود به عرصه زندگی وارد می کنند. (۲)

پدر باید از میل پسر برای تقلید از او در طرز راه رفتن، صحبت کردن و لباس پوشیدن استقبال کند. این تقلیدها را نباید تمسخر، بلکه باید تشویق کرد. تقلید از گفتار و رفتار ممکن است به تقلید از علایق و ارزش ها بینجامد. پدر در برخوردهای صمیمانه اش با پسر خود، به او نشان می دهد که معنا و مفهوم مرد در خانواده و جامعه چیست. کودکان با دیدن مهارت ها، تلاش ها و

ص: ۱۲۲

۱- [۱]. کلیدهای رفتار با نوجوانان، ص ۹۴، با کمی تلخیص.

۲- [۲]. علی قائمی، نقش پدر در تربیت، تهران، انتشارات امیری، ص ۲۱۶.

از خود گذشتگی های پدر در موقعیت های بیرون از خانه، احساس غرور و افتخار بیشتری می کنند. (۱)

۲. پرورش ها و ارشادها

پدر باید مراقب رشد و پرورش پسران خود باشد. پدر باید در دوران خردسالی به هنگام بازی و ارتباط با کودک، به تدریج، او را با دو جهان متفاوت زن و مرد آشنا کند تا بداند چگونه باید عمل کند و چگونه در برابر مسائل و امور موضع بگیرد. کلیات این عملکرد تا هفت سالگی ادامه خواهد داشت.

از وظایف و مسئولیت های پدر در برابر فرزند، به ویژه پسر، پرورش مذهبی اوست. به حکم قرآن، این رییس خانواده است که باید اهل خود را از عذاب دور نگه دارد. «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا». (تحریم: ۶)

پرورش مذهبی عاملی برای سعادت افراد و بازدارنده از عوامل جنایی است. این گونه پرورش، شوق رسیدن به کمال و رشد فضیلت را در درون آدمی پدیدار و در وجود او تثبیت می کند. این وظیفه بر عهده پدر است تا فرزند او در آینده بتواند مستقل و اندیشمندانه به جلو گام بردارد. اشتباه بزرگی است که پدران تنها به پرورش جسمانی و تغذیه و لباس فرزندانشان توجه کنند و از آنچه مربوط به اعتقاد و طرز فکر فرزندانشان است، غافل باشند. گاهی به ویژه از سنین پنج شش سالگی، او را با خود به مساجد و مجالس ببرید تا مراسم مذهبی را ببیند بکوشید این برنامه ریزی او را خسته نکند.

ص: ۱۲۳

۱- [۱]. هایم جی گینات، رابطه بین والدین و کودکان، ترجمه: سیاوش سرتیپی، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۲، ص ۱۳۴.

از آن رو که امر و نهی، فرماندهی، ارشاد و هدایت پدر به دلیل اقتدار او در کودک مؤثر است، ضروری است که پسر را به برخی اعمال عبادی امر کند.

الف) ارشاد در فلسفه زندگی: اگر پدر با دیدی محدود، همه اندیشه و فکر خود را صرف رفع نیازهای جسمانی کودک کند، وظیفه خود را ادا نکرده است. فرزند از راه کسب آگاهی و اطلاعات می تواند درباره زندگی بیندیشد. از وظایف اصلی پدر، کمک به فرزند برای انتخاب هدف زندگی و یافتن دلایلی است تا بداند چرا زنده است، چرا می میرد، چه می کند و چگونه باید عمل کند، مشکلات چیست و چگونه باید آنها را حل کرد و با آنها روبه رو شد. (۱)

ب) پرورش جنبه اخلاقی: یکی از وظایف پدر، پرورش زمینه های فطری در کودک و هدایت او به سوی خیر و سعادت است. پدر باید مصداق های خیر، احسان، ایثار و تعاون اجتماعی را در پسر پرورش دهد.

ج) پرورش شخصیت: در دوران نوجوانی، پرورش شخصیت فرزندان مهم ترین امر است. اینان هنوز در مرحله حجب و حیا هستند و پدر با استفاده از این شرایط می تواند در آنان نفوذ کند. نوجوان دوست دارد پدرش با او صمیمی باشد و تعارض و کشمکش با هم نداشته باشند.

۳. جنبه های الگویی پدر

کودک، مقلد خوبی است و به آسانی و بدون هیچ گونه زحمت و مشقتی تنها از راه تقلید می آموزد. او می بیند، می شنود و پس از مدتی تکرار می کند. برخی پژوهش ها نشان داده اند از سنین تمییز؛ یعنی حدود ۶ سالگی، پسران از

ص: ۱۲۴

پدران تقلید می کنند و دختران از مادران، و این تقلید در آنان ناآگاهانه است. (۱)

کودک در مسیر رشد، از افراد بسیاری اثر می پذیرد و تحت تأثیر دیده ها و شنیده های بسیاری است. همه اطرافیان به گونه ای در او اثر می گذارند و مدل و الگوی کودکند، ولی پدر از همه آنها مهم تر و مؤثرتر است و این اهمیت و تأثیر در پسرها، تا سنین نوجوانی همچنان تداوم دارد. (۲)

رفتار پدر در سنین خردسالی فرزند، برای او همه چیز است. پسران می کوشند با پدر همانندسازی کنند. این امر آن چنان از نظر روان شناسان تربیتی گسترده است که برخی از آنها رفتار پسران را انعکاسی از رفتار پدران دانسته اند، به کارگیری وسایل و ابزار، چگونگی استدلال پدر، رفتار پدر با مادر و دیگر اعضای خانواده و رفتارهای دیگر پدر می تواند برای پسر الگو باشد. در خانواده های پدرسالار، فرزندان پسر می آموزند که بر فرزندان کوچک تر و خواهران خود اعمال قدرت کنند. (۳)

بر این اساس، وظیفه پدر و مسئولیت او بسیار سنگین خواهد بود. پدر با عمل خود باید به فرزندش، به ویژه پسر فرصت دهد تا از اخلاق و رفتار او بهره مند شود. اگر سخنان ناروا و ناپسند خوب نیست، پدر نباید این گونه سخنان را در حضور فرزندان و همسر خویش بر زبان بیاورد.

اگر از پسر خود انتظار انجام به موقع کارها را دارد، خود، باید فردی وقت شناس باشد و سرانجام، اگر دوست دارد که پسرش، نماز خود را به

ص: ۱۲۵

۱- [۱]. همان، ص ۱۵۹.

۲- [۲]. همان.

۳- [۳]. همان، ص ۱۶۳، با کمی تلخیص.

موقع بخواند، خودش نباید عذرتراشی کند و به بهانه ای نماز اول وقت را به تأخیر بیندازد.

رابطه پدر با فرزند دختر

۱. هدایت و تربیت

از وظایف پدر در برابر دختر، هدایت و تربیت او به گونه ای است که شایسته و در خور مقام مادری و لایق اداره و مدیریت خانواده و پرورش فرزند شود. لازم است پدر، دختر را برای زندگی فردا آگاه و آماده کند.

پدر باید برای دختر راهنمای فکری خوبی باشد، افکار و عقاید او را شکل دهد، کمبودهای او را جبران کند و اندیشه ها و استعدادهای خاص او را هدایت کند. زمینه رشد و پرورش و مسئولیت را در او فراهم آورد. همچنین تشویق دختر از سوی پدر به تمرین کار در خانه، رسیدگی به زندگی و سر و سامان دادن کارهای منزل، حتی پخت و پز و نگهداری فرزندان کارساز است و او را در مسیر رشد هدایت می کند. این درخواست باید در کنار دیگر مراقبت هایی باشد که پدر در تحصیل و فراگیری آگاهی های لازم از فرزند دختر خود به عمل می آورد و در آن زمینه هم او را رشد می دهد. (۱)

۲. پدر، امید زندگی دختر

دختر، مرد آرمانی زندگی اش را از طریق پدر شناسایی می کند و بیش و کم در پی ازدواجی است که جلوه آن را در روابط پدر و مادر خود دیده

ص: ۱۲۶

است. درست است که دختر از مادر می آموزد چگونه زنی باشد، ولی او همچنان از پدر می آموزد چگونه در زندگی آینده از همسر معاشرت و مشارکت بخواند. (۱)

پدر باید به دختر احترام بگذارد و به شخصیت وی توجه کند، ولی نباید به گونه ای باشد که او احساس کند بدون مادر هم می تواند زندگی کند. برای دخترانی که پدر را تنها تکیه گاه می دانند، این خطر وجود دارد که در زندگی آینده موفقیتی چشم گیر نداشته باشند.

رفتار پدر با همسر، نقش زیادی در ترسیم زندگی سالم برای دختر دارد. دخترانی که رفتار احترام آمیز پدر با مادر را در خانه می بینند، از ازدواج و شوهر آینده خود تصویری مثبت و خوب در ذهن می پروراند و روحیه احترام گذاری به همسر خود را در ذهن تمرین می کنند. برعکس، دخترانی که شاهد رفتار پرخاشگرانه پدر با مادر بوده اند، انگیزه قوی برای ازدواج ندارند، رفتار پدر را به همه مردان تعمیم می دهند و جبهه گیری خصمانه ای پیش از ازدواج در برابر همسر آینده خود اتخاذ می کنند.

۳. محبت به دختر

پدر باید به دختر محبت ورزد، او را دوست بدارد و دوستی خود را به او نشان دهد. در سنین خردسالی، او را کنار خود گیرد، دست نوازش بر سر او بکشد، ببوسد و در صورت گریه و ناله، از او دلجویی کند. این محبت ها در رشد عاطفی کودک و سازندگی او بسیار مؤثر است و او را به فردی شایسته و مادری مهربان تبدیل خواهد کرد.

ص: ۱۲۷

همچنین ضروری است در خانواده، پدر به گونه ای با دختر رفتار کند که او از محبت پدران لبریز شود و نیازی به محبت دیگران نداشته باشد. بررسی های پژوهشگران نشان می دهد که ریشه و منشأ بسیاری از انحراف ها و لغزش های افراد، احساس نارسایی و کمبود محبت است.

امام رضا علیه السلام فرمود:

خداوند تبارک و تعالی بر دختران و زنان، مهربانی بیشتری دارد تا به پسران و هیچ مردی نیست که دختران و زنانی را که با او نسبت دارند، شاد کند، مگر اینکه روز قیامت، خداوند، او را شاد خواهد کرد. (۱)

در سنین نوجوانی و بلوغ، با همه مهر و محبتی که به او می شود، باید مراقبت هایی هم در این زمینه اعمال شود. برای نمونه، روایت های اسلامی ما یادآور می شوند که پدر حق ندارد دختر نوجوان خود را در آغوش گیرد یا او را بر روی زانویش بنشاند. این امر ممکن است برای یکی از آنها، خالصانه و بی شائبه و برای دیگری تحریک آمیز باشد.

رابطه مادر با فرزند دختر

۱. تقلید و همانندسازی

در فرزند ویژگی همانند شدن وجود دارد. او رفتار بزرگسالان را بدون اراده تقلید می کند. بی گمان، در این همانندسازی، نقش مادر که بیشتر در کنار اوست و رفتارش را بیشتر می بیند، برای کودک از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

ص: ۱۲۸

کودک، به ویژه دختر، همه رفتارهای مادر حتی جارو کردن، رفتار با پدر، رفتار با دیگر فرزندان و نظم و نظافت در خانه را زیر نظر دارد و بسیاری از رفتارها و احساسات مادر را در بازی های کودکانه خود با دیگر بچه ها تمرین می کند.

وظیفه مادران در قبال دختران بسیار مهم تر از پسران است.

دختران، به طور معمول، روش مادر را در خانه تقلید می کنند و پسران رفتار پدر را. ممکن است مادر در خانه به گونه ای رفتار کند که دخترش از مادر شدن بیزار شود و هرگز هوس زناشویی و تشکیل خانواده را به خود راه ندهد. دختران کوچک بیش از هر چیز به فکر زندگی آینده و محیط آرام زندگی هستند. آنان به گونه ای ناخودآگاه، خود را آماده مادری می کنند و بی گمان، تجربه ای که مادران به آنها آموخته اند، در این راه بسیار مؤثر است. مادر با رفتار خود به دختر می آموزد چگونه باید خانه داری کند. از این رو، باید به چند نکته اساسی دقت کرد:

الف) آموزش دختران: مادر وظیفه دارد بعضی از مسائل خاص دختران را به آنان آموزش دهد. مادری که به دختران خود، به ویژه در زمینه مسائل دینی و اخلاقی آموزش می دهد، از پدید آمدن بخش عظیمی از مشکلات و هراس ها جلوگیری می کند.

ب) پذیرش و محبت: مادران باید دختران خود را درک و به آنها محبت کنند تا آنها احساس کنند پناهگاه محکمی دارند. دختری که احساس بی پناهی کند و از محبت کافی بهره مند نباشد، در جست و جوی پناهگاه و محبت به بیرون خانه روی می آورد و دچار لغزش و انحراف می شود.

ج) ایجاد نظم و انضباط: بی شک، یکی از وظایف مهم مادران در تربیت دختران، آموزش نظم، انضباط و مقررات و قواعد خانه داری و شوهرداری است تا دختر بتواند بر اساس آن، زندگی حال و آینده خود را سر و سامان دهد. این نظم و انضباط در همه امور زندگی ضروری است. در امر تغذیه، نظافت، کار، خواب، استراحت و... .

د) رعایت ادب در سخن و گفتار: مادران باید در سخن گفتن با دختران، ادب را نگه دارند و از بیان سخنان نیش دار، حرف های رکیک و تحقیرآمیز به آنان بپرهیزند.

ه) در مهمانی ها و مجالس: آداب معاشرت و برخوردها، راه و رسم مهمانی و معاشرت را کودک به همراه مادر می آموزد. رازداری در مجالس معاشرت، روابط صحیح یا غلط، شوخی های مناسب یا نامناسب، صداقت یا ناراستی از آن مجالس آموخته می شود. بنابراین، مادران نباید دختران را در بعضی مجالس به همراه خود ببرند و در مجالسی که به همراه می برند، باید آداب معاشرت را رعایت کنند.

۲. جنبه الگویی مادر

دختران از مادران الگو می گیرند و می فهمند چگونه یک زن می تواند با دیگران ارتباط داشته باشد و گذشت و ایثار کند. او گرمی و صفای زندگی و عواطف عالی در عشق و ایثار را از مادر خود می آموزد. از او درس اعتماد به نفس، اخلاق و انسانیت می گیرد و شهادت و جرئت در نهادش پدید می آید. (۱)

ص: ۱۳۰

۱- [۱]. علی قائمی، سازندگی و تربیت دختران، تهران، انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۸۰، ص ۷۳.

تقلید و همانندی برای دختر ضروری است. او پیش از آنکه راه و روش خاصی برای زندگی بیابد، به الگویی نیاز دارد تا شخصیت خود را نمایش دهد و مادر، مناسب ترین فرد است. نقش مادر، به ویژه در هفت سال اول زندگی بسیار مهم است؛ چون کودک هنوز به مدرسه نمی رود. (۱)

مادر باید به گونه ای عمل کند که کودک دید مثبتی نسبت به او داشته باشد. مادر در الگودهی خود، باید به این نکته توجه کند که دخترش چگونه زندگی می کند، چگونه می اندیشد و در مراحل گوناگون زندگی از چه جنبه هایی خوشش می آید و چگونه می توان بر او تأثیر گذاشت.

رفتار فرزندان با والدین

۱. احترام به والدین

پدر و مادر، دو وجود پر ارزشی هستند که در تمام دین های آسمانی و حتی مکتب های غیرالهی مورد احترام و تکریمند. قرآن و اهل بیت پیامبر علیهم السلام این حس درونی انسان را که از عاطفه و عقل سرچشمه می گیرد، تحریک و با بیان مکرر و مفصل خود، ارزش آنان را آن گونه که باید و شاید، یادآوری می کنند و به فرزندان دستور می دهند که لحظه ای از احترام به پدران و مادران غفلت نکنند. در قرآن کریم، احترام پدر و مادر، در کنار اطاعت پروردگار ذکر شده است (۲) که بیانگر برتری و تقدم حق پدر و مادر بر دیگر حقوق است.

ص: ۱۳۱

۱- [۱]. همان، ص ۷۴، با کمی تصرف.

۲- [۲]. اشاره به: اسراء: ۲۳.

دختران و پسران جوان امروز، مادران و پدران فردای اجتماعند. اگر جوانان امروز وظیفه احترام به والدین خود را رعایت کنند و در عمل، این سنت الهی را در جامعه حفظ کنند، فردا خودشان مورد تکریم فرزندان خویش واقع می شوند و از این نعمت سعادت بخش بهره مند می شوند. امام صادق علیه السلام فرمود: «بُزُوا آبَائَكُمْ تَبَرَّكُمُ آبَائُكُمْ؛ به پدران خود نیکی کنید تا فرزندان شما هم به این سنت مقدس عمل و به شما نیکی کنند».(۱)

۲. اطاعت از والدین

از آن رو که پدر و مادر خواهان خیر و سعادت فرزندان خود هستند و همه کوشش آنها برای موفقیت بیشتر آنان است، اطاعت فرزندان از پدر و مادر ضروری است. هم از آن رو که والدین دارای تجربه های بیشتری هستند و در تشخیص سعادت و خوشبختی فرزندان به دور از احساس های کور و هیجان های آتشین تصمیم گیری می کنند و هم از آن رو که هستی فرزندان از آن والدین است، به حکم عواطف انسانی باید فرمانبردار و مطیع کسانی بود که برای اصل به وجود آوردن و پرورش و کمال بخشیدن انسان، زحمت زیادی متحمل شده اند.

قرآن کریم به اطاعت از والدین، بسیار سفارش کرده است و این اطاعت را تنها هنگامی استثنا کرده است که پدر و مادر کوشش کنند فرزند خود را به شرک و کفر بکشند.

ما انسان را نسبت به پدر و مادرش به نیکی توصیه کردیم، ولی اگر پدر و مادر تلاش کردند تا به من از روی جهل، شرک و ورزی؛ دیگر آنان را اطاعت

ص: ۱۳۲

از این آیه شریفه، اهمیت و محدوده اطاعت از پدر و مادر روشن می شود. نخست اینکه اطاعت از پدر و مادر، دستور و سفارش خداوند است. دوم اینکه گستره این فرمان بسیار وسیع است و شامل همه جنبه های زندگی فرد است، مگر هنگامی که فرزند را به کفر فرمان دهند. در این صورت، اطاعت از این فرمان آنان جایز نیست.

۳. احسان به والدین

اشاره

مهم ترین رابطه بین انسان ها، رابطه فرزند با پدر و مادر است که نمایانگر وابستگی وجود فرزند به وجود والدین اوست. در اینجا نمی توان رابطه متقابل را ملاک ارزیابی افعال و رفتار آنها با یکدیگر قرار داد؛ زیرا هیچ گاه فرزند نمی تواند بر پدر و مادر خود تأثیری مانند تأثیری که پدر و مادر در پیدایش فرزند خود دارند، داشته باشد. وجود فرزند به وجود والدین بستگی دارد، ولی وجود پدر و مادر هیچ بستگی به وجود فرزندشان ندارد. (۱)

بنابراین، رابطه فرزند با پدر و مادر را نمی توان بر اساس عدل و قسط ارزیابی کرد؛ زیرا اساس عدل و قسط بر این است که دو یا چند نفر با هم روابط متقابل و در نتیجه، حقوق و تکالیف متقابل داشته باشند. این در حالی است که روابط فرزند و تأثیر او بر پدر و مادر به هیچ رو قابل تصور نیست. از این رو، قرآن کریم همواره اساس رابطه فرزندان با والدین را بر اصل احسان و نیکی بیان و به آن سفارش می کند و آن را ملاک ارزش می داند.

ص: ۱۳۳

۱- [۱]. محمد تقی مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۸، ج ۳، ص

قرآن کریم درباره وظایف فرزندان در برابر والدین تعبیرهای جالبی دارد که اهمیت احسان به والدین را به خوبی روشن می کند. در آیه ای می فرماید: «وَاعْبُدُوا اللَّهَ - وَلا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا؛ خدا را پرستید و به او شرک نورزید و به پدر و مادر احسان کنید». (نساء: ۳۶)

و در آیه ای دیگر می فرماید:

قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ كَمَا بَدَأَ الْإِنسَانَ مِنْ نُفُوسٍ حَامِيَةٍ فَارْجِعُوا إِلَىٰ آبَائِكُمْ وَآبَاءَ آبَائِكُمْ وَأُولَآئِكَ يَرْجِعُونَ (اسراء: ۲۳)

بگو: بیایید تا آنچه را پروردگارتان حرمتش را بر شما لازم، دانسته بر شما تلاوت کنم؛ اینکه هیچ چیز را شریک او قرار ندهید و به والدین خود احسان کنید.

در این دو آیه، پس از امر به پرستش خدا و نهی از شرک، بی درنگ احسان به والدین را توصیه می کند. این، اهمیت بسیار زیاد روابط سالم همراه با انجام وظیفه فرزندان به والدین را نشان می دهد.

قرآن کریم درباره احسان به مادر و توجه بیشتر به زحمت های طاقت فرسا و جبران ناپذیر او می فرماید:

وَوَصَّيْنَا الْإِنسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهَنَا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفَصَّالَهُ فِي عَامَيْنِ أَنِ اشْكُرْ لِي وَ لَوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ. (لقمان: ۱۴)

انسان را درباره پدر و مادرش توصیه کردیم، (به ویژه) که مادرش با ضعف و زحمت طاقت فرسا، او را در رحم خود پروراند و دو سال او را شیر داد که مرا و پدر و مادرتان را شکر و سپاس گزارید که حرکت شما به سوی من است.

در این آیه بر حق مادر تأکید بسیار شده است، چنان که در روایت ها نیز حق مادر، بیش از حق پدر دانسته شده است و ضرورت احسان به او اهمیت بیشتری دارد.

الف) احسان مادی

از مصادیق احسان به والدین، کمک مالی است. همان گونه که در زمانی، تأمین مالی فرزندان بر عهده پدر بوده است، اکنون نیز در صورت نیاز، فرزندان وظیفه دارند جبران کنند.

افزون بر انفاق مالی به والدین، قرآن کریم سفارش می کند که فرزندان افزون بر حق الارث، بخشی از اموال خود را برای والدین قرار دهند:

كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدُكُمْ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ (بقره: ۱۸۰)

بر شما این وظیفه نوشته شده که هر یک از شما به هنگامی که مرگش فرا رسید، اگر بعد از خود، مالی بر جای نهاده، چیزی از آن را برای والدین و نزدیکان خود، به گونه ای خوب وصیت کند که این وظیفه، بر پرهیزگاران، ثابت است.

خداوند در آیه دیگری می فرماید:

از تو می پرسند: در چه راهی مال خود را صرف کنیم؟ بگو: آنچه را که صرف می کنید، در گام اول، برای والدین باشد و نزدیکان و خویشان.

ب) احسان کلامی و رفتاری

پیری، دورانی است که پدر و مادر، ضعیف و از کار افتاده اند و به فرزند خویش نیاز بیشتری دارند. از این رو، اخلاق و شرع فرزند را موظف می کنند که برخوردهای خود را در لحن و گفتار بسیار نرم و محبت آمیز کند. پدر و مادر تا جوان هستند، معمولاً نیازی به فرزندان خود ندارند و شاید بیش از

فرزند خویش کار و تلاش کنند و حتی به فرزند خود کمک هم می کنند؛ ولی به هنگام پیری، دیگر نمی توانند مانند جوانان، برای زندگی تلاش کنند، به ویژه که دوران پیری، به طور معمول با بیماری ها و گرفتاری های دیگری نیز همراه است. طبعاً در چنین موقعیتی آنان نیازمند کمک و پرستاری فرزندان خویش هستند که باید با کمال صبر و حوصله باشد. (۱)

فرزند در رفتار با والدین پیر و ناتوان، نباید اوقات تلخی، کم حوصلگی و اظهار خستگی کند و حتی آخ نگوید و به گونه ای رفتار نکنند که پدر و مادر پیر او احساس کنند که فرزندشان از خدمت کردن به آنان خسته شده است.

از این رو، قرآن کریم می فرماید:

وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا آيَاهُ وَبِالْوَالِدِينَ إِحْسَانًا ۚ إِنَّمَا يُبَلِّغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا ۚ وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا ۚ وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ ۚ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا. (اسراء: ۲۳ و ۲۴)

و پروردگار تو فرمان مؤکد داد که جز او را نپرستید و به پدر و مادر احسان کنید و چون به پیری رسیدند، با ایشان با درشتی و دور از ادب سخن مگوی، بلکه سخنان تو با آنها آمیخته با احترام باشد و از روی لطف و رأفت. در برابر آن دو فروتنی کن و دعاگویشان باش و بگو: پروردگار من! والدین مرا مورد لطف خود قرار ده، چنان که از کوچکی، مرا پرورش دادند.

۴. دوران پیری والدین

اشاره

پیری و سالمندی والدین از مراحل دشوار زندگی آنان به شمار می رود. این یک واقعیت است که انسان در دوران کهن سالی و سنین پیری فرسوده

ص: ۱۳۶

می شود و توان جسمی و حتی بخشی از ادراک فکری و روانی خود را از دست می دهد. در این دوران، دانسته های پیشین به فراموشی سپرده و خواسته های انسان زیاد می شود. این جاست که زندگی از یک سو برای خود آنان مشکل می شود و از سوی دیگر، فرزندان که مسئول نگهداری آنانند، مسئولیت تازه ای پیدا می کنند که باید بتوانند با صبر و تحمل از عهده این وظیفه بزرگ برآیند.

شناخت صحیح دوران پیری و نیازهای سالمندان در این دوره می تواند به فرزندان برای رفتار مناسب کمک کند. قرآن کریم دوران پیری را به دوران «ضعف» و «ارذل العمر» و «منکوس الخلقه» تعبیر می کند. در جایی می فرماید:

کسی که عمر طولانی اش داده ایم (پیری و فرسودگی وجودش را فرا گرفت) در خلق و شکل ظاهری وارونه اش می سازیم. (یس: ۶۸)

در آیه دیگر، این دوران را زمان ضعف انسان می نامند:

خدای بزرگ، شما را از نطفه ضعیف آفریده و در شرایط ضعف و ناتوانی دوران کودکی پرورشتان داده است و پس از دوران ضعف، به شما نیروی جوانی بخشیده و سپس برای شما دوران ضعف و پیری مقدر فرموده است. (روم: ۵۴)

در آیه دیگر، دوران سالمندی را ارذل العمر معرفی می کند:

بعضی از انسان ها آن قدر زنده می مانند که به پست ترین ایام عمرشان می رسند و بر اثر آن، تمام معلومات خود را که در طول ایام زندگی فرا گرفته بودند، از یاد می برند و پس از سال ها دانایی، دچار نادانی می شوند. (نحل: ۷۰)

در حدیثی چنین آمده که مقصود از ارذل العمر این است که انسان به جایی می رسد که عقلش در سطح عقل یک بچه هفت ساله می شود. (۱) از آنچه

ص: ۱۳۷

گفته شد، معلوم می شود که نگهداری سالمندان کار بسیار دشواری خواهد بود؛ زیرا آنان از نظر جسم بزرگ و از نظر قدرت، در ناتوانی محض و از نظر عقل و درک، در حدّ یک بچه هفت ساله هستند. زندگی برای انسان هایی که دارای چنین وضعی هستند، بسیار مشکل و زندگی با چنین اشخاصی دشوار خواهد بود. از این رو، وظیفه فرزندان و کسانی که از آنان مراقبت می کنند، سنگین است:

قرآن کریم درباره سالمندان، چند وظیفه خاص برای فرزندان تعیین کرده است.

الف) محبت و ملاطفت

سالمندان، پرتوقع و پرآرزو می شوند. به این دلیل که دچار ضعف قوا و ناتوانی جسمی شده اند، کم حوصلگی می کنند، چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

فرزند آدم به پیری می رسد، ولی دو صفت در وجودش جوان و شکوفا می شود؛ یکی حرص و دیگری آرزو. (۱)

بنابراین، فرزند باید در برابر خواسته های آنان حوصله داشته باشد و مهربانی با آنان را فراموش نکند. قرآن کریم در این باره می فرماید: «وَلَا تَنْهَرُهُمَا؛ با آنها تندی نکنید». (اسراء: ۲۳)

ب) گفت و گوی ملایم

بعضی کهن سالان برای آنکه خود را بنمایانند و اظهار وجود کنند، درباره کارهای دیگران نظر می دهند و در محیط خانواده با کودکان تندی و خشونت

ص: ۱۳۸

۱- [۱]. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۵۶.

می کنند. نصیحت یا توبیخ و سرزنش جوانان از دیگر کارهای آنان به شمار می رود. در کارهای میان سالان، تفتیش و تفحص و بدون اینکه از آنان خواسته شود، اظهار نظر می کنند. در محیط اجتماعی نیز چنین رفتاری دارند.

در چنین مواردی، گاه فرزندان برای بازداشتن والدین از دخالت های بی مورد، با تندی با آنان رفتار و آنها را سرزنش می کنند. قرآن کریم در این باره می فرماید: «وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا؛ و با آنها به نرمی سخن بگو». (اسراء: ۲۳)

ج) فروتنی با سالمندان

در مواردی، برخی از فرزندان جوان، به علت پرمدعایی، بی حوصلگی، غرور، نبوغ فکری، موقعیت های شغلی و مدارک علمی، حق والدین پیر خود را آن چنان که شایسته است، در نظر نمی گیرند و در برابر پدر و مادر پیر خود اظهار فضل و کمال می کنند، ولی نباید فراموش کنند که برخورد متکبرانه با پدر و مادر، ناسپاسی به نعمت الهی است و سبب عقوبت خواهد شد. باید در برابر پدر و مادر، به ویژه در زمان پیری فروتن بود، چنان که قرآن کریم می فرماید: «وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ؛ و در برابرشان بال (تواضع) بگستران». (اسراء: ۲۴)

د) دعا در حق پدر و مادر

بسیاری از پدر و مادرها در زمان حیات به فرزندان نیاز مادی ندارند، ولی نیاز معنوی چه در این عالم و چه در عالم برزخ، امری حتمی است. آنها سخت نیازمند دعای فرزندان و بازماندگان خود هستند. چه بسا فرزندان که پدر و مادر در حیاتشان از آنها راضی بودند، ولی پس از مرگ، به دلیل فراموش کردن و از یاد بردن آنان مغضوب پدر و مادر و عاق والدین

قرآن کریم می فرماید که برای سالمندان چنین دعا کنید: «قُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا؛ بگو، پروردگارا چنان که آنان مرا از کودکی تربیت کرده و به ثمر رساندند، تو نیز بر آنها ترحم فرما». (اسراء: ۲۴)

خداوند از زبان پیامبران و اولیا نقل می کند که برای والدین خود دعا می کردند. حضرت ابراهیم از خداوند می خواهد: «رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ؛ پروردگارا من! بیامرزم مرا و والدین مرا در روز حساب و (قیامت)». (ابراهیم: ۳۴)

حضرت نوح علیه السلام نیز می فرمود: «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَ لِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا؛ خداوندا! مرا و پدر و مادرم و هر مؤمنی را که داخل خانه ام می شود، بیامرزم». (نوح: ۲۸)

۵. رابطه پدربزرگ ها و مادربزرگ ها با نوه ها

اشاره

به طور کلی، مادربزرگ ها و پدربزرگ ها با توجه به موقعیت و شرایط و امکانات فردی و خانوادگی، دامنه ارتباطات و دایره صمیمیت ها و یکرنگی با فرزندان، با نوه های خود رابطه ایجاد و نقش های متفاوتی در ارتباط با آنها ایفا می کنند. به بیان دیگر، نقش واقعی پدربزرگ و مادربزرگ در فرآیند ارتباط متقابل و پیوند عاطفی با نوه، در بستری از شرایط روانی و اجتماعی پدیدار می شود.

در اینجا، برخی نقش های پدربزرگ ها و مادربزرگ ها در زندگی نوه ها را بیان می کنیم.

ص: ۱۴۰

الف) نقش هم بازی

در این نوع ارتباط، مادر بزرگ ها با در نظر گرفتن احساس صمیمیت و نزدیکی هر چه بیشتر، به دور از هر گونه تکلف و رفتارهای کلیشه ای و با نهایت خلوص و احساس، می کوشند رابطه ای کاملاً صمیمی با نوه ها داشته باشند و همه توان خود را برای ایجاد رابطه ای دوست داشتنی و سرشار از نشاط و سرزندگی صرف می کنند. در این نوع رابطه، بیشترین نقش مادر بزرگ ها و پدر بزرگ ها به صورت یک هم بازی رام و مطیع و داستان گویی شیرین سخن، جلوه گر می شود و در واقع، بازی با بچه ها و گذراندن اوقاتی خوش با آنها، هدف اصلی مادر بزرگ ها و پدر بزرگ ها در این نقش است. (۱)

ب) نقش جانشینی پدر و مادر

گاه مادر بزرگ و پدر بزرگ به دلایلی، در عمل، جانشین پدر و مادر کودک می شوند و بیشتر روزها و گاه شب ها، زمان زیادی را با نوه خود سپری می کنند و مسئولیت نگه داری، مراقبت، تنظیم امور و رسیدگی به نیازهای اساسی کودک را عهده دار می شوند.

این نقش برای مادر بزرگ در غیاب مادر بسیار حساس و از نظر تربیتی بسیار مهم و تعیین کننده است. جانشینی مادر بزرگ و به جای مادر، ممکن است در موقعیت ها و شرایط گوناگون باشد و تنها محدود به زمان اشتغال مادر در خارج از خانه نیست. زمانی که مادری بیمار است یا بدون کودک به

ص: ۱۴۱

مسافرت می رود یا پدر و مادر از هم جدا می شوند و یکی از والدین دوباره ازدواج می کند یا دار فانی را وداع می گوید و خلاصه هر زمان که میان والدین و فرزند جدایی ایجاد می شود، مادر بزرگ با تدبیر مناسب خود می تواند جانشین شایسته ای برای مادر باشد و رابطه ای بسیار صمیمی و دوست داشتنی با نوه خود برقرار کند. (۱)

ج) نقش معلمی

گاهی رابطه مادر بزرگ ها و پدر بزرگ ها با «نوه ها» را، در بستری از مبانی اخلاقی و تعلیم و تربیت می یابیم. در این گونه پیوندها به همراه وجود صمیمیت متقابل، پدر بزرگ و مادر بزرگ در جایگاه فردی دانا، عاقل و علاقه مند به سرنوشت نوه خود قرار دارند و نقش اصلی شان، ارائه اطلاعات و دانش عمومی، آموزش مهارت های کلامی و کارهای دستی و سنتی و پرورش رفتارهای مطلوب در فضایی سرشار از عطوفت و مهربانی به نوه یا نوه هاست.

در این گونه رابطه، مادر بزرگ ها و پدر بزرگ ها، رسالت معلمی و مربی گری را عهده دارند. بچه ها دوست دارند در درس ها از آنان کمک بگیرند و پدر بزرگ یا مادر بزرگ برای او دیکته بگویند. اگر در درس اشکالی داشته باشد و پدر بزرگ در دسترس باشد، از او بپرسد. اگر معلم از او کاردستی یا آزمایش خاصی خواسته باشد، تمایل دارد پدر بزرگ یا مادر بزرگ به او کمک کند.

ص: ۱۴۲

گاهی به دلایل گوناگون اخلاقی، روانی، اجتماعی و فرهنگی، رابطه پدربزرگ ها و مادربزرگ ها با نوه ها از صمیمیت مورد انتظار برخوردار نیست و جایگاه و منزلت آنها با حضور دیگر آشنایان و همسایگان تفاوت چندانی ندارد. علت اصلی این امر را می توان در چگونگی ارتباط دامادها و عروس ها جست و جو کرد. به علت محدود شدن ارتباطات خانوادگی، مادربزرگ ها و پدربزرگ ها در مواقع خاص می توانند با نوه های خود دیدار کنند. بنابراین، صمیمیت لازم و کافی میان آنها ایجاد نمی شود. (۱)

راه های ایجاد صمیمیت میان مادربزرگ ها و پدربزرگ ها و نوه ها

یکی از اصلی ترین شیوه های ایجاد انس میان پدربزرگ و مادربزرگ با نوه ها را باید در برخورد والدین کودک با پدر و مادرشان جست و جو کرد. اگر زن به پدر شوهر و مادر شوهر، همچنین مرد به پدر زن و مادر زن خود با دیده احترام بنگرد و برای دیدار آنها ارزش قائل باشد و زمانی را برای دیدار آنها اختصاص دهد، کودکان هم از والدین خود الگو می گیرند و به دیدار آنها علاقه مند می شوند.

آثار رابطه سالم پدربزرگ و مادربزرگ با نوه ها

رابطه صمیمی و دوست داشتنی بین پدربزرگ ها و مادربزرگ ها با نوه ها از چند جنبه می تواند هم برای خود کودکان، هم برای والدینشان و هم برای پدربزرگ و مادربزرگ سودمند باشد.

ص: ۱۴۳

۱. کودکانی که با پدر بزرگ و مادر بزرگ خود رابطه نزدیکی دارند، بسیاری از تجربه‌هایی را که آنها در طول زندگی کسب کرده‌اند، از آنان می‌آموزند. گاه با گذشته آنان آشنا می‌شوند و از داستان‌های آن‌ها درس و پند می‌گیرند.

۲. در بسیاری از خانواده‌ها، پدر و مادر مجبورند که به خاطر ضرورت زندگی و شغل خود مدتی از وقت خود را خارج از منزل و دور از فرزندان بگذرانند. در این مدت، کودکان احتیاج به مراقبت و نگرانی دارند. اگر کودکان به پدر بزرگ و مادر بزرگ علاقه مند باشند، می‌توانند بهترین مراقب برای نوه‌ها و بهترین کمک‌کار و یاور برای والدین این فرزندان باشند.

۳. با بزرگ شدن فرزندان و جدایی آنها از والدین، پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها تنها می‌شوند. از این رو، احساس غربت و تنهایی می‌کنند و نیاز دارند با کسانی انس و الفت داشته باشند و نیاز به ابراز محبت خود به دیگران را ارضا کنند. نزدیک‌ترین افرادی که می‌توانند این نیاز را برآورده سازند و از تنهایی آنها بکاهند، نوه‌ها هستند.

آنچه پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها باید رعایت کنند

مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌های فهیم و دانا می‌توانند نقش مؤثری در تربیت نوه‌ها داشته باشند، ولی باید به مسائلی توجه کنند:

۱. درست است که در غیاب پدر و مادر، پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها می‌توانند نقش معلم و مربی را برای نوه خود داشته باشند، ولی باید به گونه‌ای با نوه خود رفتار کنند که شخصیت و اقتدار مادر را نزد کودک تضعیف نکنند.

۲. در تربیت نوه ها نباید آنان را در وضعیت تعارض روانی و دوگانگی قرار دهند یا از کودک بخواهند که همواره میان نظر و روش تربیتی مادر بزرگ و پدر بزرگ و والدین خود یکی را انتخاب کند.

۳. سهل گیری زیاد مادر بزرگ ها درباره رفتار نوه در بعضی موارد سبب تأثیر گذاری نامطلوبی بر روند رشد اجتماعی و تعالی شخصیت وی می شود. کودک، وقتی اسباب بازی های خود را به این سو و آن سو پرتاب می کند، مادر با اخم کردن، ناخشنودی خود را ابراز می کند، ولی مادر بزرگ در برابر این رفتار نادرست نوه لبخند می زند و اسباب بازی ها را جمع می کند و کوچک ترین واکنشی به رفتار نادرست او ابراز نمی کند. همین عمل مادر بزرگ باعث می شود که کودک از مادر، گریزان و از امر و نهی های مادر رنجیده شود. بنابراین، مادر بزرگ ها و پدر بزرگ ها نباید با محبت افراطی و سهل گیری های بی جا سبب به وجود آمدن خصیصه هایی همچون حساسیت فوق العاده و زودرنجی به ویژه در ارتباط با والدین شوند.

۴. مادر بزرگ ها و پدر بزرگ ها نباید در حضور نوه خود از والدین او و شیوه های تربیتی آنها انتقاد کنند؛ زیرا این عمل باعث کاهش اقتدار تربیتی والدین کودک خواهد شد و تربیت او را دچار اختلال خواهد کرد.

آثار روابط سالم والدین و فرزندان

۱. استحکام خانواده

خانواده از پدر، مادر و فرزندان تشکیل می شود. پدر که سرپرست خانواده است با سنگربانی و دژبانی، آرامش و احساس امنیت را در وجود دیگر اعضای خانواده ایجاد می کند و در مواقع گوناگون با تأیید و تکریم شخصیت

مادر نزد فرزندان و قدردانی از زحمت های ارزشمند مادر، فرهنگ قدردانی را که برای رشد مطلوب و متعالی، لازم است، به فرزندان خود انتقال می دهد.

مادر با قابلیت و توان و منزلت ارزشمند خود در کانون خانواده، رفتارهای مطلوب و خوشایند پدر را نزد فرزندان، در حضور یا در غیاب او، تأیید و تکریم می کند و همواره از او با بهترین و والاترین صفات و فضیلت های اخلاقی یاد می کند. هنگام خروج از خانه، وی را با دعای خیر بدرقه می کند و هنگام بازگشت با چهره ای متبسم و گشاده به استقبالش می رود و هرگز از پدر، به ویژه در حضور فرزندان انتقاد نمی کند. فرزندان با دیدن این روابط، با همه وجود به والدین خود اعتماد می کنند و آنها را دوست و محبوب دل خود می دانند. با آنان همانندسازی می کنند و این نهایت اعتماد متقابل والدین به فرزندان و فرزندان به والدین خواهد بود. نزاع های زن و شوهر، قهر کردن زن از خانه، خودسری های فرزندان و بی احترامی به یکدیگر در چنین خانواده ای راه ندارد. پایه های چنین خانواده ای بر ستون های محکم محبت، صفا، عشق، احترام متقابل بنا نهاده شده است و هیچ گاه متزلزل نخواهد شد.

۲. جلوگیری از فرار فرزندان از خانه

یکی از معضلات اجتماعی که در بعضی جوامع، رو به افزایش است و متأسفانه دامن گیر جامعه ما هم شده است، فرار نوجوانان و جوانان از خانواده است. یکی از علل فرار این نوجوانان و جوانان از خانواده، روابط ناسالم والدین با فرزندان است.

فرزندان در خانواده هایی که استقلال نوجوانان خود را رعایت نمی کنند، برای آنها مقررات اجرا نشدنی وضع می کنند و با دعوای خود فرزندان را

در خانواده خسته می کنند، برای نجات از این سخت گیری بی مورد و به دست آوردن آرامش، خانواده را رها می کنند. آنان به امید به دست آوردن محیطی خالی از درگیری های پدر و مادر، به پارک ها پناه می برند و قربانی باندهای فساد و فحشا می شوند.

یکی از عواملی که در فرار نوجوانان و جوانان، به ویژه دختران از خانه نقش مهمی دارد، کشش درونی و نیاز شدید به محبت و مهربانی است. کم نیستند دختران جوانی که با نخستین نامه عاشقانه جذب می شوند، خود را می بازند و خویشان داری شان را از دست می دهند؛ چون از کمبود محبت ناراحتند. دختر و پسری که احساسات و عواطف آنها در درون خانواده ارضا نشود و به نیازشان، با محبت و مهربانی، توجه نشود و در جمع خانواده احساس غربت و تنهایی کنند، طعمه های آماده ای برای افراد فرصت طلب و سودجو هستند.

جوان در خانواده ای که از مهر و محبت و انس خالی و خشکی و سردی و خشونت بر آن حاکم باشد و ضوابط اخلاقی و حدود اجتماعی با بیانی روشن و منطقی برای افراد تبیین نشود، بدیهی است که به دنبال راه فرار می گردد. پس بیرون از خانه را بر درون آن ترجیح می دهد و هرگز به جوانب منفی آن توجه نخواهد کرد، ولی خانواده هایی که روابط سالمی با فرزندان شان دارند و در عین نظارت بر رفت و آمد و رفتار فرزندان شان، به آزادی های آنها احترام می گذارند، استقلال فردی او را محترم می شمارند، قوانینی را برای فرزندان خود وضع می کنند که اجراشدنی باشد و خود در رعایت این مقررات پیش گام هستند؛ خانواده را به کانون مهر و محبت تبدیل می کنند و

اجازه نمی دهند فرزندانشان احساس کمبود محبت کنند یا جست و جوی محبت در در خارج از خانواده باشند. در چنین خانواده ای هیچ گاه فرزندان، کانون گرم خانواده را رها نخواهند کرد.

۳. ارضای نیازهای عاطفی فرزندان

روابط سالم والدین با فرزندان، زمینه رشد و سلامت روانی فرزندان را فراهم می کند و سبب می شود فرزندان بتوانند عواطف و احساسات خود را تعدیل کنند. والدینی که با فرزندان خود روابط محبت آمیز دارند، زمینه را برای سازندگی بیشتر کودکان فراهم می کنند. محبت، عامل سلامت جسم و روان است و نبود آن سبب ظهور نابهنجاری هایی در رفتار و حتی سبب قساوت و سنگدلی می شود.

توجه والدین به فرزندان به آنان احساس امنیت می دهد و سبب می شود که بتوانند رفتار خود را سازمان دهی و رفتار پدر و مادر را تحمل کنند و آنها را با روی خوش پذیرا باشند. تجربه نشان داده است کودکانی که در خانواده از محبت و رفتارهای منطقی اعضای خانواده بهره مند باشند و با اعضا انس و حشر و نشر داشته باشند، بی گمان، در بزرگ سالی، مهربان و با محبت خواهند شد و برعکس، بیشتر افرادی که به دور از محیط سالم و انس خانوادگی رشد کرده اند، نتوانسته اند به دیگران عشق بورزند و در بزرگ سالی دچار خشونت، فریب و گمراهی می شوند.

۴. جلوگیری از اعتیاد

فرضیه های گوناگونی درباره گرایش جوانان به مواد مخدر وجود دارد که از عوامل ژنتیکی تا ویژگی های شخصیتی را در برمی گیرد. نوجوانان بیشتر در اثر مشکلات، ناراحتی ها و از خود بیگانگی، به مصرف مواد مخدر پناه

می برند. یکی از اصلی ترین عوامل روی آوری نوجوانان و جوانان به دخانیات و مواد مخدر، وجود مشکل در ایجاد ارتباط سالم با دیگران و همچنین اعضای خانواده است. نوجوانان و جوانان معتاد معمولاً دوستان اندکی دارند و دوست صمیمی ندارند. آنها با والدین خود مشکل دارند و با اعضای خانواده شان دعوا می کنند و برای کاهش افسردگی ها، اضطراب ها و غلبه بر ناملایمات، به مواد مخدر پناه می برند. هر چند عوامل دیگری مانند: تجربه کردن، اصرار دوستان و سرکش بودن در برابر ارزش های اجتماعی را می توان از دلایل روی آوردن به مواد مخدر برشمرد.

خانواده هایی که با فرزندان خود روابط سالم و صمیمی دارند، با برنامه ریزی های صحیح، اجازه روی آوردن فرزندان خود به اعتیاد را نمی دهند.

این والدین اگر با هم درگیری هایی دارند، آنها را برطرف می کنند و از مسائل فرزندان خود غافل نمی شوند. او را به یافتن دوستان جدید و صمیمی تشویق می کنند. هیچ گاه از سخنان کنایه آمیز استفاده نمی کنند تا فرزندان تصور نکنند که به طور غیرمستقیم، آنها هدف هستند.

دل بستگی های فرزندان شان را گسترش می دهند. سرگرمی ها، تفریحات و فعالیت های سالم او را افزایش می دهند.

اعتماد به نفس فرزند خود را با تأکید بر توانایی های او تقویت می کنند.

روابط خود را با فرزندان شان افزایش می دهند و درباره دل بستگی ها و مسائل مورد علاقه او صحبت می کنند.

۵. جلوگیری از بزهکاری های اجتماعی

خانواده، درس آموز بسیاری از ملکات و فضایل و موجد بسیاری از عادت ها و رفتارهای ارزنده است. جریان رشد و سیر ارتقایی کودک را تسهیل می کند و موجبات سازگاری با هنجارها و ارزش های جامعه را فراهم می آورد. اگر محیط رشد و پرورش کودک سالم باشد، این امید وجود دارد که فرزندان برای جامعه خود عضوی مفید و مؤثر باشند.

روابط سالم خانواده می تواند عاملی مؤثر در جلوگیری از بروز انحراف ها و بزهکاری های اجتماعی باشد، همان گونه که روابط ناسالم میان والدین و فرزندان می تواند زمینه ساز جرم و بزهکاری کودکان و نوجوانان باشد. امروزه دانشمندان و جرم شناسان روابط ناسالم خانواده از عوامل اجتماعی مهم جرم ساز می دانند؛ زیرا ارتباط محیطی کودک با خانواده بیش از دیگر محیط ها و نقش خانواده در شکل گیری شخصیت و شکل دادن رفتار از دیگر موارد زیادتر است.

نوع روابط پدران و مادران با یکدیگر و چگونگی رفتار و موضع گیری ها در برابر کودک و نوجوان می تواند از عوامل لغزش و سقوط به شمار آید. پژوهش های روان پزشکان درباره روحیه و رفتار افراد نامتعادل و نابهنجار و بزهکار نشان داده است که بیشتر خشونت ها، دزدی ها، انحراف های جنسی و دیگر بزهکاری های کودکان و نوجوانان به علت وابستگی آنها به خانواده ناسالم و نابسامان بوده است.

پژوهش های پرفسور_ هوبر_ در مطالعاتی بر روی چهارصد کودک بزهکار در محیط شهری نشان داده است که ۸۸ درصد آنها متعلق به خانواده های نابسامان و ناسالم بوده اند. همچنین پژوهش_ لوتونور_ نشان داده است از میان

۴۲۲ نفر محکوم به اعمال شاقه، ۸۱ درصد از آنان بخشی از دوران نوجوانی را در خانواده های از هم گسیخته و نابسامان به سر برده بودند. (۱)

بنابراین، در ارزیابی اجتماعی از روابط ناسالم والدین با یکدیگر و رابطه آنها با فرزندان خود، این مسئله مسلم است که فرزندان این خانواده ها در عرصه بزهکاری، حریفان ورزیده ای هستند. بیشتر آنها افرادی فاسدالاخلاق، خراب کار، خطر آفرین، ولگرد و حادثه آفرین هستند. (۲)

۶. پیش گیری از افت تحصیلی

یکی از اولویت های خانواده هایی که روابط سالم و سازنده با فرزندان خود دارند، تحصیل فرزندان است. کسب دانش و معرفت و آگاهی، حق فرزندان است و فراهم آوردن زمینه تحصیل از وظایف والدین به شمار می رود. این امر هنگامی محقق می شود که روابط صمیمانه میان آنها برقرار باشد و والدین در این باره احساس مسئولیت کنند.

والدین برای تحصیل فرزندان خود باید به چند نکته توجه کنند:

الف) انتخاب مدرسه: والدین مسئول و حساس به فرزندان خود، می کوشند بهترین مدرسه را برای کودک انتخاب کنند؛ زیرا مدرسه نقشی مهم و اساسی در شکل گیری شخصیت و زیربنای فکری کودک دارد و چه بسیارند کودکانی که در اثر معاشرت با همکلاسی ها در مدرسه، همه آموخته های خانه را فراموش می کنند و همه آموخته های مدرسه را در ذهن خود جای می دهند.

مدرسه جای معاشرت است، محل ارتباطات وسیع و پر دامنه است.

ص: ۱۵۱

۱- [۱]. علی قائمی، کودک و خانواده نابسامان، انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۶۶.

۲- [۲]. همان، ص ۶۷، با کمی تلخیص.

بهترین فرصت را برای رشد یا انحطاط افراد فراهم می‌سازد. می‌تواند او را حافظ و مدافع قانون پرورش دهد یا نافرمان بارآورد. جو اخلاقی مدرسه، فضای آموزشی، وسعت حیات، زشتی یا زیبایی اتاق‌ها، محیط ورزشی، وسایل و ابزار موجود در مدرسه، همه و همه در کودک اثر دارند.^(۱)

ب) ارتباط با معلم: والدین وظیفه شناس هر چند نمی‌توانند معلم خاص و مورد نظر خود را برگزینند، می‌توانند با معلم در ارتباط نزدیک باشند و چگونگی آموزش او به فرزندان را ارزیابی کنند.

ج) نظارت بر انجام تکلیف: والدینی که با فرزندان خود روابط سالم و صمیمی دارند، بر انجام تکالیف کودکان نظارت می‌کنند. این نظارت، در سنین نوجوانی اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا آنها فعالیت‌های غیر درسی را بر درس مقدم می‌دارند و بخشی مهم از اوقاتشان در آن راه صرف می‌شود.

د) ایجاد محیط آرام: افزون بر کتاب و دفتر، یکی از مسائل بسیار لازم برای تحصیل فرزندان، فراهم آوردن محیط مساعد زندگی است. در خانواده‌ای که درگیری و نزاع باشد، در محیطی که بگو مگو و اختلاف بین والدین باشد، فرزندان حال و توان کافی برای درس خواندن نخواهند داشت.

والدینی که به مسئولیت خود آشنا باشند، اجازه نمی‌دهند مسائلی به وجود آید که فرزندان آنها دچار افت تحصیلی و یا بازماندن از تحصیل شوند، بلکه تمام کوشش خود را برای پیشرفت فرزندان شان به کار می‌گیرند.

۷. سلامت روانی والدین

ص: ۱۵۲

۱- [۱]. نقش پدر در تربیت، ص ۲۴۰.

در خانواده سالم، زن و شوهر بر اساس تفکر یا آموزه های دینی خود، با هم پیمان ازدواج می بندند و زندگی را به ویژه در ارتباط با فرزندان بر پایه احترام و تربیت دینی بنا می نهند. آنها شیوه روشنی برای زندگی، انتخاب و بر اساس همان شیوه سالم، با فرزندان خود رفتار می کنند.

بخشی از مشکلات روانی و درگیری های والدین به دلیل مسائلی است که فرزندان ایجاد می کنند. مشکلات اخلاقی، تحصیلی، جنسی و رفتاری فرزندان، والدین را دچار درگیری های فکری و آرامش را از خانواده سلب می کند، ولی خانواده هایی که با فرزندان خود روابط سالم دارند، نقش تربیتی خود را به بهترین شیوه اعمال می کنند. فرزندان پر نشاط، فعال، درس خوان و مؤدب دارند و از داشتن چنین فرزندی احساس غرور و رضایت مندی می کنند و به بالاترین مرتبه از آرامش روانی دست می یابند.

در روایات معصومین علیهم السلام وارد شده است که بهترین حالات برای والدین زمانی است که فرزندی شایسته تربیت کرده باشند و از دیدن او بالاترین لذت را ببرند. روابط سالم و عاطفی والدین و فرزندان، ضامن تلاش والدین و امید، دلگرمی شور و نشاط آنها به زندگی و تلاش بیشتر برای تأمین آسایش خانواده می شود. چه بسیار نابسامانی ها که در سایه وجود فرزندان از میان می روند و چه بسیار دامنه اختلافات و بگومگوها که به خاطر فرزندان از زندگی والدین رخت بر بسته و جای خود را به آرامش و صفا داده است.

روابط متقابل خواهر و برادر

رابطه میان فرزندان یک خانواده، رابطه ای حساس است. عاطفه ای که میان والدین و فرزندان وجود دارد، در رابطه خواهری و برادری ظریف تر می شود. از سوی دیگر، خواهران و برادران به اندازه ای که پدر و مادر با فرزندان مدارا می کنند، با یکدیگر مدارا نمی کنند؛ به همین دلیل، اصطکاک و برخورد سلیقه ها و اراده ها میان آنان بیشتر است.

خواهر و برادر خانواده در روابط متقابل خود به تدریج آماده جامعه پذیری می شوند. آنها روابطی را برقرار می کنند که عواطف شدیدی همچون رابطه والدین و فرزندان در آن نیست. کودک در رابطه با پدر و مادر خود بسیاری از مشکلات این رابطه را به سبب محبت پدر و مادر از سر می گذراند و به سبب اعتمادی که به آنها دارد، می تواند با آنان رابطه مثبت ایجاد کند، ولی در جایی که چنین اعتمادی نیست و چنان محبتی هم وجود ندارد، طرف مقابل گذشت کمتری می کند و برای ایجاد ارتباط، نقش واسطه ای والدین در محبت خواهر به برادر و برعکس بسیار مؤثر است. خواهر و برادر پس از والدین در شخصیت و رفتارهای اجتماعی یکدیگر بیشترین تأثیر را دارند، به ویژه اگر در سنین ۲ تا ۱۰ سالگی باشند. خواهر و برادر از یکدیگر برخی الگوهای رفتاری چون وفاداری، حمایت، اختلاف، تسلط جویی و رقابت را می آموزند.

روابط خواهر و برادر با رشد سن تغییر می کند. در دوران بلوغ از برخی رقابت ها و سوگیری های نخستین و آشکار کاسته می شود. در مواردی که خواهران و برادران از الگوهای رفتاری مناسب بهره مند بوده باشند، به افرادی قابل اعتماد و سرچشمه اتکای روحی همدیگر تبدیل می شوند، نوعی صمیمیت ویژه میان آنها ایجاد می شود، همدیگر را محرم راز خود می دانند و با سهولت بیشتری مسائل خود را با یکدیگر در میان می گذارند.

حق خواهر و برادر

خواهران و برادران بر اساس رابطه محبت آمیزشان، حقوق زیادی در برابر یکدیگر دارند و وظایف اخلاقی آنان بسیار با اهمیت است. رعایت حقوق خواهران و برادران، رابطه عاطفی آنان را تقویت می کند و تقویت این رابطه در واقع نیکی به پدر و مادر است؛ زیرا والدین همواره دوست دارند فرزندانشان رابطه ای محبت آمیز با هم داشته باشند و اگر این خواسته خود را برآورده ببینند، خشنود خواهند شد.

امام سجاد علیه السلام در رساله حقوق خود درباره حق برادران بر یکدیگر می فرماید:

و اما حق برادر تو این است که بدانی که او برایت [مانند] دستی است که می گشایی و پشتوانه ای است که به آن پناه میبری و عزتی است که به آن تکیه می کنی و نیرویی است که به وسیله آن چیرگی می یابی. پس او را وسیله ای برای معصیت خدا و کمکی برای ستم به حق خداوند مگیر و درباره او کوتاهی مکن و او را در برابر دشمنش یاری کن و میان او و شیاطینش فاصله انداز و او را نصیحت کن و در راه خدا به او روی آور. پس اگر مطیع و فرمانبر پروردگارش بود [با او باش] و گرنه باید که خداوند در نزد تو

محبوب تر و بزرگ تر از او باشد. (۱)

بنابراین، با توجه به این بخش از رساله امام سجاد علیه السلام در می یابیم که خواهر و برادر باید:

۱. یار و حامی یکدیگر باشند.

۲. در راه سعادت و کمال، ناصح و خیرخواه یکدیگر باشند.

این دو، وظیفه یکدیگر را تکمیل می کنند و هیچ یک بدون دیگری وظایف برادری را کامل نمی کند.

موقعیت فرزند بزرگ تر یا ارشد

فرزندان آخر معمولاً با کمک خواهران یا برادران بزرگ تر تربیت می شوند و در نتیجه، الگوهای تربیتی والدین و خواهران و برادران در آنها بازسازی می شود و به دلیل اینکه از هر طرف به آنها رسیدگی و توجه می شود، زمینه نازپروردگی و لوس بارآمدن آنان فراهم خواهد شد. فاصله سنی فرزندان نیز از نکات با اهمیت است. بر اساس برخی مطالعات، وقتی فاصله سنی کودکان میان یک تا دو سال باشد، بهره هوشی آنها کمتر از مواردی خواهد بود که فاصله سنی آنان چهار یا پنج سال است. کم بودن فاصله سنی، سبب می شود تا دقت و توجه والدین بین آنان تقسیم شود. در صورتی که اگر فاصله سنی بیشتر باشد، نوع توجه والدین به فرزندان متفاوت می شود و آنها دقت بیشتری را صرف تربیت فرزندان می کنند که با فاصله ای به نسبت مناسب به

ص: ۱۵۶

بیشتر والدین و اطرافیان انتظار دارند فرزند ارشد، مسئولیت خواهر و برادرهای کوچک تر را بپذیرد. هنگامی که فرزند ارشد احساس حسادت یا خصومت می کند، والدین وی را سرزنش می کنند، در صورتی که فرزند کوچک تر را حمایت یا از او دفاع می کنند. از سوی دیگر، فرزند ارشد تسلط بیشتری بر دیگران دارد و توانایی زور گفتن و همچنین کمک و آموزش به خواهران و برادران کوچک تر خود را دارد.

زورگویی فرزند ارشد برای فرزندان کوچک تر پذیرفتنی است و آنها این قدرتمندی را می پذیرند؛ زیرا احساس می کنند او می تواند پناهگاهی برای آنها باشد. (۲) خواهر بزرگ تر، به طور معمول مراقبت از فرزندان بعدی را به عهده می گیرد حتی هنگامی که مادر به درخواست کمک کودک توجهی نکند، کودک به خواهر بزرگ تر رو می آورد و البته خواهر بزرگ تر پاسخ مثبت می دهد. خواهر بزرگ تر، خود را در کارهای خانه بیشتر سهیم می کند و به این علت، فرزندان بعدی تمایل بیشتری دارند که مربی گری خواهر بزرگ تر را بپذیرند.

ص: ۱۵۷

۱- [۱]. روان شناسی رشد، ج ۲، ص ۸۶۷.

۲- [۲]. همان، ص ۸۶۹.

۱. روابط ناسالم والدین

کودک رفتار خود را از افرادی که در محیط زندگی او هستند می آموزد. والدین، نخستین مدل هایی هستند که کودک از آنها تقلید می کند. کودک صفات اجتماعی خود را از اینجا کسب می کند و با دیدن هم بستگی ها، انس ها و درگیری های والدین درمی یابد که چگونه باشد. سرمشق های بد و فاسد خانواده و مسمومیت جو عاطفی خانواده برای کودکان ارزان تمام نمی شود. فرزندان والدینی که دچار اختلال های روانی، در حال درگیری و اختلاف و همواره در مشاجره و جنگ و ستیز و فحش و ناسزاگویی باشند، از این رفتارها تأثیر خواهند پذیرفت و همین رفتار را در برابر خواهر و برادر کوچک تر خود اعمال می کنند.

در اینجا به جلوه هایی از روابط ناسالم والدین که روابط میان فرزندان را دچار اختلال می کند، اشاره می کنیم:

الف) در بعضی خانواده ها جاه طلبی و برتری خواهی وجود دارد و والدین، گویی عقده های ناشی از کمبودها و حقارت های زندگی را بر سر یکدیگر خالی می کنند و هر یک می کوشد به دیگری امر و نهی کند و دیگری را تحت فرمان آورد.

ب) در روش والدین و برخوردشان با یکدیگر، دورویی و دوگویی و نفاق وجود دارد و کینه توزی، مسخرگی و انتقاد در اوج است.

ج) زوجین عصبی هستند و هر کدام خود را از دیگری برتر می داند و دوست دارد نظر خود را اعمال کند.

د) زن و شوهر می کوشند یکی از فرزندان را به سوی خود جلب و او را حامی خود کند.

ه) زن و شوهر تصویرهای ناروایی از یکدیگر به کودکان ارائه می دهند و سعی دارند دیگری را نزد فرزندان خفیف کنند.

چنین رفتاری از والدین سبب می شود که کودکان در خانواده صفا و صمیمیت را نیاموزند و در مقابل یکدیگر جبهه گیری کنند.

۲. تبعیض میان فرزندان

اشاره

تبعیض از نظر عرف عبارت است از تفاوت گذاری در شرایط مساوی. گاهی میان دو فرد در ارتباط با امری فرق گذاشته می شود؛ از آن رو که هر یک از این دو در خور شأن و مقامی هستند، مانند فرق گذاشتن میان یک کودک و یک جوان در امر تغذیه، ولی گاهی تفاوت گذاردن از نوع تبعیض است. برای نمونه، از دو کودک صاحب حق در یک خانواده، یکی را سیر کنیم و آن دیگری را گرسنه نگه داریم، به یک کودک محبت روا داریم و دیگری را از آن محروم کنیم. از نظر اسلام و دیدگاه مسائل تربیتی، تبعیض به همه اقسام آن باطل است؛ خواه تبعیض در جنس باشد، مانند فرق گذاردن میان پسر و دختر یا در اظهار محبت به بعضی از فرزندان یا تبعیض در بهره مند کردن بعضی فرزندان از مزایای زندگی و محروم کردن دیگران، خواه در رسیدگی و توجه به یکی و فراموش کردن دیگری باشد یا ترجیح دادن یکی، چون تنها پسر یا تنها دختر خانواده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره رفتار والدین با فرزندان سفارش می کند که با عدالت و مساوات رفتار کنید: «إِعْدِلُوا بَيْنَ أَبْنَائِكُمْ كَمَا تُحِبُّونَ أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَكُمْ فِي الْبِرِّ وَاللُّطْفِ؛ بین فرزندان به مساوات رفتار کنید، چنان که دوست دارید در نیکی و محبت به شما به

«پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مردی را مشاهده کرد که دو پسر داشت. یکی را بوسید و دیگری را نبوسید. حضرت فرمود: چرا بین آن دو مساوات را رعایت نکردی؟»(۲)

الف) علل تبعیض

اینکه چرا برخی از والدین درباره کودکان خویش تبعیض روا می دارند، می تواند علل گوناگونی داشته باشد.

یک - جهل و ناآگاهی والدین از حقوق کودکان خویش.

دو - حساسیت و تعصب به یک جنس؛ مثلاً والدین به فرزند پسر علاقه داشتند، ولی دختر به دنیا آوردند یا برعکس.

سه - مشکل آفرینی برخی از کودکان در مقایسه با کودکان دیگر برای والدین که خودبه خود زمینه را برای دلسردی آنان فراهم می آورد.

چهار - ناخواسته بودن طفل، به گونه ای که همه برنامه های آنها را به هم زده و زندگی شان را در هم ریخته است.

پنج - زیبایی و خوش زبانی یک کودک که توجه والدین را به خود معطوف داشته و حتی سبب فخر و مباهات آنها می شود یا قادر است مجلس آنها را گرم کند.(۳)

ص: ۱۶۰

۱- [۱]. محجه البیضاء، ج ۲، ص ۴۶.

۲- [۲]. مکارم الاخلاق، ص ۳۲۱.

۳- [۳]. کودک و خانواده نابسامان، ص ۸۹.

ب) آثار تبعیض بین فرزندان

اگر پدر و مادر در خانواده بین فرزندان خود تبعیض قائل شوند، آسیب های روانی و اخلاقی جبران ناپذیری بر کودکان خود وارد خواهند ساخت که مهم ترین آنها به طور خلاصه عبارتند از:

یک _ بچه ها در محیط خانه عملاً از رفتار پدر و مادر درس حق کشی و بی عدالتی فرامی گیرند و به تدریج، به آن عادت می کنند.

دو _ فرزندی که مورد تبعیض قرار گرفته اند، از پدر و مادر کینه به دل می گیرند و ممکن است واکنش نشان دهند و تمرد و عصیان کنند.

سه _ در میان خواهران و برادران حسد و دشمنی پدید می آید.

چهار _ کودکانی که مورد تبعیض قرار گرفته اند، احساس محرومیت و مظلومیت می کنند و عقده ای می شوند و همین عقده ممکن است تولید اضطراب و ناراحتی و ناامنی کند و به بیماری های روانی بینجامد.

۳. دخالت های نابه جای فرزند ارشد

یکی از مشکلات برخی خواهران و برادران این است که تحت تربیت فرزندان ارشد خانواده خویشند. والدین به خیال اینکه آنها کمک کاران خوبی در تربیت و اداره فرزند هستند، تربیت طفل را به آنها واگذار و کودک را با تمام وجود به آنها تسلیم می کنند.

خواهر ارشد، گاهی در نقش مادری قدرت طلب اعمال وظیفه می کند و در ضمن آن، حسادت ها، برتری طلبی ها و عقده های خویش را بر سر کودک خالی می کند که این مسئله سبب ایجاد مشکل در روابط فرزندان می شود.

برادر ارشد هم گاهی در نقش پدری خود خواه، ریاست مآب و مقتدر در خانه، بر روی کودکان اعمال نظر می کند و با همه ناشی گری ها و عقده هایی

که در زندگی و در برخورد با دیگران دارد، با طفل رو به رو می شود. پیداست که در چنین صورتی ما باید منتظر چه حوادث و لطمه هایی باشیم. (۱)

عوارض این دخالت ها

اعمال انضباط های چند گونه در محیط خانواده، زمینه را برای بروز بسیاری از نابهنجاری ها فراهم می سازد که ما به برخی از آنها اشاره کردیم. از عوارض دیگر می توان احساس ناامنی و خطر برای زندگی، گسترش دامنه حسادت، افزایش کینه جویی و انتقام، پیدایش حالتی منافق گونه، زمینه سازی برای احساس ضعف و مقاومت، احساس مظلومیت و گرفتاری، رنجوری و دل ریشی را نام برد.

ضرورت جلوگیری از دخالت ها

خوب است که والدین از خواهر و برادر ارشد، در تربیت دیگر فرزندان کمک بگیرند و زمینه تمرین برای زندگی شان را فراهم کنند، ولی استعفای والدین از وظیفه تربیتی خویش و واگذار کردن مسئولیت های خود بدون شرط و بدون نظارت به فرزند ارشد امری بسیار نکوهیده است.

والدین باید بر امر و نهی های بی مورد فرزندان ارشد نظارت کنند و به این مسئولان جدید تربیت یادآوری کنند که حق اقدام برخلاف رأی و نظر آنان یا دستور دادن برخلاف ضابطه را ندارند. همچنین والدین باید مراقب باشند تا که فرزندان ارشد یا دیگران از موقعیت خود سوءاستفاده نکنند. (۲)

ص: ۱۶۲

۱- [۱]. همان، ص ۱۸۲.

۲- [۲]. همان، ص ۱۸۳.

فصل چهارم: روابط با خویشاوندان

خویشاوندان چه کسانی هستند؟

۱. خویشاوندی نسبی

طبیعی ترین و گسترده ترین نوع خویشاوندی، خویشاوندی نسبی است که بر پایه هم خونی و انتساب به یک نیای واقعی مشترک، تحقق می یابد. نیای بزرگ، مبدأ این نوع خویشاوندی است و افراد این شجره با توجه به دوری و نزدیکی خود، به این مبدأ با دیگران رابطه خویشاوندی پیدا می کنند. این نوع خویشاوندی به دو نوع خویشاوندی پدری و خویشاوندی مادری تقسیم می شود.

الف) خویشاوندی نسبی پدری:

مجموعه افرادی که یک نیای مشترک داشته باشند، خویشاوند نسبی پدری نامیده می شوند. اینان موقعیت اجتماعی خود را از پدر به ارث می برند.

ب) خویشاوندی نسبی مادری:

افرادی که از نظر خانوادگی و موقعیت اجتماعی به خانواده مادر وابسته هستند و کودکان از طریق مادر با دیگران انتساب پیدا می کنند.

یکی از آثار این نوع خویشاوندی، حقوقی است که افراد نسبت به یکدیگر پیدا می کنند، مانند: حق حضانت و حق ارث و نفقه در مورد فرزندان.

از دیگر آثار این خویشاوندی، حرمت نکاح با برخی اعضای سلسله خویشاوندان نسبی پدری و مادری است. قرآن کریم هفت گروه از زنان را بر

هفت گروه از مردان و در مقابل، به قرینه تلازم، هفت گروه از مردان را بر هفت گروه از زنان حرام کرده است. (۱) این هفت گروه به ترتیب عبارتند از:

یک __ مادران: که مادر بی واسطه و جدّه، از جدّه مادری و پدری هستند، حتی در صورتی که با واسطه باشد، بر مردی که ریشه ولادتش به ایشان برسد حرام هستند.

دو __ دختران: دختران و دخترانِ دختران و نیز دخترانِ پسران، بر پدر حرام هستند و به طور کلی، هر مونثی که ریشه ولادتش با واسطه یا بی واسطه به او برسد، واسطه ذکور باشد یا اناث، بر او حرام است.

سه __ خواهر: پدری یا مادری و ابوینی.

چهار __ عمه: خواهر پدری و خواهر مادری یا ابوینی پدر. همچنین ازدواج با عمه پدر و مادر وجدات و اجداد نیز ممنوع است.

پنج __ خاله: خواهر پدری مادر و خواهر مادری یا ابوینی مادر. خاله پدر و اجداد و جدّات نیز در این زمره اند.

شش __ دختر برادر: برادر پدری و مادری و ابوینی و هر زنی که ریشه ولادتش به برادر برسد.

هفت __ دختر خواهر: پدری یا مادری یا ابوینی و هر زنی که ریشه ولادتش به خواهر برسد.

۲. خویشاوندی سببی

ص: ۱۶۴

دومین نوع خویشاوندی که گستره زیادی دارد، خویشاوندی سببی یا بالمصاهره (دامادی) است. این گونه خویشاوندی، بر پایه ازدواج دو نفر پدید می آید. داماد بابتگان نسبی همسر و در برابر آن، زن با خویشاوندان نسبی شوهر رابطه پیدا می کند. یکی از احکام در این گونه خویشاوندی هم مانند خویشاوندی سببی، تحریم ازدواج با برخی افراد است. برای نمونه، برای مرد، ازدواج با مادر زن و مادر، مادر زن تا بالا و مادر پدر زن و مادر مادر پدر زن هر چه بالا برود و همچنین جمع میان دو خواهر در ازدواج و ازدواج با دختر زن یا ریبیه حرام است.

صله رحم

اشاره

صله رحم بر پایه معنای واژه ای و عرفی، موضوع حکم شرعی وجوب واقع می شود. صله، مصدر «وَصَلَ» و اصل آن «وَصَل» در مقابل «فَصَل» است.

این واژه در مورد پدیده های عینی و حقیقی به معنای پیوستگی محسوس است و در موضوع های معنوی همچون رحم، به رفتاری که قرابت و پیوند میان افراد را ایجاد می کند یا تحکیم می بخشد. (۱)

معنای صله رحم

واژه «رحم» به عضوی از بدن زن گفته می شود که کودک در آن جای می گیرد و کانون نشو و نمای طبیعی اوست. خویشان نیز بر پایه انتساب به یک رحم واحد (استعاره به علاقه ظرف و مظروف)، ارحام خوانده می شوند.

ص: ۱۶۵

۱- [۱]. سیدحسین شرف الدین، تحلیلی اجتماعی از صله رحم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸، چ ۱، ص ۲۷.

بسیاری از واژه شناسان در بیان مبدأ اشتقاق واژه «رحم» به این روایت نبوی شریف استناد کرده اند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

خداوند به هنگام خلق «رحم» خطاب به او فرمود:

أَنَا الرَّحْمَانُ وَأَنْتَ الرَّحْمُ شَقَقْتُ إِسْمَكَ مِنْ إِسْمِي فَمَنْ وَصَلَكَ وَصَلْتُهُ وَ مَنْ قَطَعَكَ قَطَعْتُهُ. (۱)

من خدای رحمانم و تو رحمی، من اسم تو را از خویش مشتق کرده ام، از این رو، هر که با تو پیوند کند، من با او پیوند خواهم کرد و هر که رابطه اش را با تو قطع کند، من نیز رابطه خویش را با او قطع خواهم کرد.

در توضیح واژه «رحم» باید گفت هر کس _ چه مرد و چه زن _ که با انسان، ارتباط نسبی مستقیم یا با واسطه داشته باشد، رحم او به شمار می آید. البته روشن است که ارحام نسبی سلسله مراتبی دارند و به میزان دوری و نزدیکی آنها، حقوق و تکالیف ایشان نیز متفاوت می شود. (۲)

برخی واژه شناسان، ارحام نسبی را قدر متیقن و مصداق اتم رحم می دانند و بر این باورند که ارحام شامل خویشاوندان سببی نمی شود. از این رو، باید «ارحام» و «محارم» را متفاوت دانست. محارم در اصطلاح کتاب های فقهی به کسانی گفته می شود که ازدواج با ایشان حرام شده است، ولی معنای وسیع تر ارحام، مردان و زنانی را شامل می شود که به یک رحم می رسند؛ چه ازدواج با آنها جایز باشد و چه حرام، ولی به این دلیل که ارحام فقط شامل اقارب و خویشاوندان نسبی می شود، معنای آن محدودتر است.

ص: ۱۶۶

۱- [۱]. بحار الانوار، ج ۷۴، باب صله الرحم، ح ۲۵.

۲- [۲]. تحلیلی اجتماعی از صله رحم، ص ۲۸.

از کارهای نیک و پسندیده بسیار مؤثر در ایجاد روابط سالم و سازنده میان خانواده ها و خویشاوندان، صلۀ رحم است. این موضوع در قرآن کریم و روایت های معصومین علیهم السلام جایگاه رفیعی دارد و بسیار به آن سفارش شده است.

از آیه های قرآن چنین برمی آید که صلۀ رحم از واجبات شرعی است. قرآن کریم می فرماید: «وَأَتَقُوا اللَّهَ - الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ؛ تقوای الهی را به آنچه از آن می پرسید، رعایت کنید و درباره ارحام کوتاهی نکنید». (نساء: ۱)

در آیه ای دیگر، یکی از ویژگی های انسان های صاحب خرد را صلۀ ارحام بیان می کند: «وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ؛ (خردمندان) کسانی هستند که نسبت به آنچه خداوند امر به وصل آن کرده، صلۀ می کنند». (رعد: ۲۱)

افزون بر آیات، روایات گوناگونی درباره صلۀ رحم وارد شده است که برای نمونه چند مورد از این روایات را بیان می کنیم.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «صَلُّوا أَرْحَامَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَوْ بِسَلَامٍ؛ در دنیا صلۀ رحم کنید، اگر چه به یک سلام باشد». (۱)

همچنین فرمود: «سِرَّ سَنَّهُ صَلِّ رَحِمَكَ؛ برای صلۀ رحم یک سال راه برو». (۲)

امام صادق علیه السلام می فرماید: «فَصَلُّوا إِخْوَانَكُمْ وَبُرُّوا إِخْوَانَكُمْ؛ با برادرانتان توصل داشته باشید و به آنها نیکی کنید». (۳)

«صَلُّوا أَرْحَامَ مَنْ قَطَعَكُمْ؛ با ارحامی که با شما قطع کرده اند، رابطه برقرار کنید». (۴)

ص: ۱۶۷

۱- [۱]. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۰۴.

۲- [۲]. همان، ص ۱۰۳.

۳- [۳]. همان، ج ۷۸، باب ۲۳، ح ۱۵۹، باب مواعظ الصادق علیه السلام.

۴- [۴]. همان، باب ۱۵، ح ۶۶.

از روایات معصومین علیهم السلام چنین برداشت می شود که صله رحم، دارای آثار فردی و اجتماعی زیادی است و میان این آثار و صله رحم، رابطه ای عینی وجود دارد. تبیین چنین آثار و پی آمدها و چگونگی تأثیرگذاری صله رحم بر آنها، می تواند در ایجاد یک رابطه سالم و سازنده میان اقوام و خویشاوندان بسیار مؤثر باشد. در اینجا برخی از آثار صله رحم را بررسی می کنیم:

۱. طول عمر: یکی از آثار و پی آمدهای صله رحم، تأخیر اجل و توفیق بهره مندی از عمر زیاد در دنیا است. ارتباط صمیمانه با دیگران، به ویژه خویشان، امکان و توفیق بهره گیری مناسب و شایسته از سرمایه های وجودی ایشان، کاهش دردها و نگرانی های ناشی از احساس غربت در میان دیگران و بهره مندی از امنیت خاطر به دلیل پشتیبانی و حمایت همه جانبه ایشان به هنگام بروز حوادث و مشکلات، از عواملی است که می تواند فرد را تا اندازه زیادی در برابر برخی آسیب های روانی - اجتماعی بیمه کند.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «صَلِّهِ الرَّحْمَ تَزِيدُ فِي الْعُمْرِ؛ صله رحم بر عمر می افزاید».^(۱)

همچنین امام باقر علیه السلام فرمود: «صَلِّهِ الْارْحَامَ تُنْسِيْءَ مِنَ الْاَجَلِ؛ صله ارحام، مرگ را به تأخیر می اندازد».^(۲)

۲. افزایش مال: از آثار صله رحم، زیادی مال است. توجه به خویشان و

ص: ۱۶۸

۱- [۱]. مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۱۸۱، باب ۱۱، ح ۷۹۷۷.

۲- [۲]. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۵۰، ح ۴.

برآورده کردن نیازهای آنها در اندازه توان، باعث افزایش مال و ثروت می شود و به زندگی انسان برکت می بخشد.

امام باقر علیه السلام فرمود: «صِلَةُ الْأَرْحَامِ تُنْمِي الْأَمْوَالَ؛ صله رحم، اموال را زیاد می کند».^(۱)

امام صادق علیه السلام نیز فرمود: «هر کس به خانواده اش احسان و نیکی کند، روزی اش زیاد می شود».^(۲) همچنین رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرموده است: «صِلَةُ الرَّحِمِ تُنْفِي الْفَقْرَ؛ صله رحم، فقر را از بین می برد».^(۳)

۳. آبادی شهرها: یکی از آثار اجتماعی صله رحم، آبادی سرزمین هاست. بی گمان، دست یابی به پدیده های سالم اجتماعی در گرو اتحاد و همکاری جامعه است. طبیعی ترین نوع این اتحاد و تعاضد، میان خویشان پدید می آید.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «صله رحم، سرزمین ها را آباد می کند».

۴. افزایش محبت: افزایش محبت و ایجاد الفت در میان خویشاوندان، یکی دیگر از آثار صله رحم است. از آن رو که انسان ها بنده احسانند، با محبت دیدن از خویشاوندان خود، به آنها احساس محبت بیشتری می کنند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّ صِلَةَ الرَّحِمِ مُجَبَّةٌ فِي الْأَهْلِ؛ صله رحم، محبت میان خویشان ایجاد می کند».^(۴) علی علیه السلام نیز فرموده است: «صِلَةُ الرَّحِمِ تُوجِبُ الْمُحَبَّةَ؛ صله رحم، موجب افزایش محبت می شود».^(۵)

ص: ۱۶۹

۱- [۱]. همان، ج ۲، ص ۱۵۰، ح ۴.

۲- [۲]. همان.

۳- [۳]. مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۱۸۱، باب ۱۱.

۴- [۴]. همان، ج ۷۴، باب ۳، ح ۵۸.

۵- [۵]. غرر الحکم، آمدی، ج ۴، ح ۵۸۵۲.

۵. سلامت تن و روان: خویشاوندان، نزدیک ترین گروهی هستند که فرد با روابط نزدیک با آنها احساس آرامش روانی می کند و از آسیب امراض جسمی _ روحی در امان می ماند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که دوست دارد بدن او سالم باشد، صله رحم کند» (۱).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هرگاه کسی از رحم خود عصبانی شد و بر او غضب کرد، باید به او نزدیک شود و با او تماس و ارتباط برقرار کند. به درستی که دو رحم در تماس با یکدیگر به آرامش و سکون می رسند. (۲)

قطع رحم

هر چند صله رحم با یکی از مصداق های ارتباط _ شامل رابطه قولی و زبانی یا فعلی، مانند رفتن به منزل اقوام یا توجه قلبی، مثل دعای خیر برای آنها یا کمک مالی به آنها _ محقق می شود، ولی برای قطع رحم، تنها یک مصداق وجود دارد و آن ترک تمام راه های ارتباط است. قطع رحم از گناهان کبیره است و خداوند به قطع کننده رحم، وعده عذاب داده است.

وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ. (رعد: ۲۵)

و کسانی که عهد الهی را پس از بستن می شکنند و هر چه خداوند به پیوند کردن آن فرمان داده است، می گسلند و در زمین فتنه و فساد می کنند، لعنت بر آنان باد و بد عاقبتی خواهند داشت.

ص: ۱۷۰

۱- [۱]. بحارالانوار، ج ۴۷، باب ۲۸، ح ۳۹.

۲- [۲]. همان، ج ۷۴، باب ۳، ح ۳۴.

آنچه خداوند امر به پیوند آن داده، صله رحم است و کسانی که قطع رحم می کنند، عهد الهی را نقض کرده اند.

روایاتی درباره قطع رحم

در روایات معصومین رحمه الله برای قطع رحم آثار گوناگون دنیوی و اخروی ذکر شده است. در اینجا برخی از این آثار را بیان می کنیم:

۱. ارتکاب گناه کبیره

شخصی خدمت امام صادق علیه السلام رسید و از آن حضرت تقاضا کرد تا گناهان کبیره را برای او برشمارد. حضرت گناهان کبیره را برای او معرفی کرد و در ضمن حدیث فرمود: «یکی دیگر از گناهان کبیره قطع رحم است چون خداوند تبارک و تعالی می فرماید: بر آنان (که قطع رحم می کنند) لعنت باد و آنان بدعاقبتی دارند»^(۱).

۲. کاهش عمر

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

انسان صله رحم می کند و خداوند به سبب آن، عمر سه ساله او را به سی و سه سال ارتقا می دهد. در مقابل، انسانی که قطع رحم می کند، خداوند عمر سی و سه ساله او را به سه سال یا کمتر از آن تقلیل می دهد.^(۲)

۳. ابتلا به فقر و تنگ دستی

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «قَطِيعَةُ الرَّحْمِ تُورِثُ الْفَقْرَ؛ قطع رحم با خویشاوندان، تنگ دستی می آورد»^(۳).

۴. فنا و نابودی سریع

ص: ۱۷۱

۱- [۱]. وسائل الشیعه، ج ۱۵، باب ۴۶، ص ۳۳۰.

۲- [۲]. بحارالانوار، ج ۵، باب الاجال، ح ۱۲.

۳- [۳]. همان، ج ۷۴، باب ۳، ح ۱۲.

امام صادق علیه السلام فرمود: «نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الذَّنُوبِ الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ وَ هِيَ قَطِيعَةُ الرَّحِمِ؛ از گناهانی که مرگ را جلو می اندازد، به خدا پناه می برم و آن قطع کردن رحم است».(۱)

۵. ابتلا به نعمت ها

علی علیه السلام فرمود: «حُلُولُ النَّقْمِ فِي قَطِيعَةِ الرَّحِمِ؛ پیش آمدن عقوبت ها در بریدن از خویشان است».(۲)

روابط عروس با پدر شوهر و مادر شوهر

پدر داماد، باید عروس را مانند دخترش دوست بدارد، او را نصیحت کند و تا سرحد امکان در هدیه و عیدی و سوغات او را با دخترانش شریک گرداند و اگر پسرش به او ستمی روا می دارد، حق را بگوید و تا حد امکان از عروسش جانب داری کند.

عروس هم باید به پدر شوهر، مانند پدر خود احترام بگذارد و نصیحت های او را بپذیرد. در مقابل او رفتار مناسب داشته باشد و در پذیرایی از او کوتاهی نکند. عروس باید بداند که زینت و آرایش او تنها باید برای شوهرش باشد و هرگز با لباس و چهره و ظاهر تحریک کننده حتی در برابر پدر شوهر ظاهر نشود، بلکه همواره ساده و بی آرایش کنار محارم خود بنشیند و به نصایح بی غرض آنها گوش فرا دهد.

درباره رابطه متقابل عروس با مادر شوهر و بر عکس باید گفت مادری که پسرش را داماد کرد، نباید از او مانند پیش از دامادی توقع داشته باشد. مادر باید بداند که پسرش پیش از ازدواج وظیفه ای داشت و اکنون وظیفه ای دیگر

ص: ۱۷۲

۱- [۱]. همان، ج ۷۳، باب ۱۳۸، ح ۱۱.

۲- [۲]. غرر الحکم، ج ۳، ح ۴۹۳۰.

دارد. او پیش از ازدواج باید تمام کوشش خود را برای کسب رضایت مادر صرف می‌کرد، ولی اکنون وظایفی بر عهده دارد که ممکن است بخشی از اوقات او را پر کند و نتواند مانند گذشته در خدمت مادر باشد. مادر داماد نباید این را از چشم عروس خود ببیند و تقصیرهای فرزند خود را به پای عروس بگذارد.

اگر پسر فقط هفته‌ای یک بار به دیدن مادر می‌آید، مادر راضی باشد و گله و شکایت از عروس را آغاز نکند. اگر پسرش همسر خود را به همراه نیاورده است، به او بگوید: «این بار که آمدی، عروسم را با خود بیاور. اکنون زودتر به نزد همسرت برو. او دختری است که از پدر و مادرش جدا شده و به تو دل بسته است. او را تنها نگذار تا احساس غربت نکند».

عروس هم باید بداند مردی که در کنار اوست، نیازهای او را تأمین می‌کند و به او عشق می‌ورزد، فرزند و دست پرورده همین مادرشوه‌ر است. مادر زحمت‌های بسیاری را تحمل کرده تا چنین فرزندى را بزرگ کرده است و اکنون ثمره سال‌ها تلاش خود را در خدمت عروسش قرار داده است. عروس باید از زحمت‌های مادر شوهر قدردانی کند و به شوهرش بگوید: «چرا چند روز است به دیدن مادرت نرفته‌ای؟» و اگر برای او هدیه‌ای می‌خرد، بگوید: «آیا برای مادرت هم خریده‌ای یا نه» اگر رفتار مادر شوهر و عروس این چنین خردمندانه و از روی عقل باشد، زندگی شیرین و باصفایی را برای خود و فرزندان‌شان به ارمغان خواهند آورد و هرگز درگیری‌های عروس و مادر شوهر که در بعضی خانواده‌ها وجود دارد، پیش نخواهد آمد.

داماد واقع بین و دوراندیش باید بداند که پدر و مادر همسرش چه زحمت های طاقت فرسایی را تحمل و دختری رشید و با کمال تقدیم او کرده اند تا در کنار وی احساس آرامش کند و برای فرزندانش، مادری مهربان و دل سوز باشد. در اداره منزل او از هیچ کوششی دریغ نمی کند، در غیابش حافظ اموال اوست و نیاز جنسی وی را ارضا می کند. باید از چنین پدر و مادری که ثمره زندگی مشترک خود را در اختیار او قرار داده اند، سپاس گزار باشد و هم چون پدر و مادر خود، آنها را دوست بدارد و به آنها احترام بگذارد.

در مقابل، پدر زن و مادر زن هم باید بدانند که داماد بخشی از وظایف آنها را بر عهده گرفته است و وظیفه حفظ عفت و پاکدامنی دخترشان را بر دوش می کشد. زندگی او را اداره می کند و به زندگی فرزندشان گرمی بخشیده است. پس باید به گونه ای با داماد خود رفتار کنند که عمل ایشان برای دخترشان الگو باشد. از دخالت های بی مورد در زندگی دختر و داماد خود پرهیزند و در مقابل شکایت های دختر، عجولانه تصمیم گیری نکنند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

روش امام سجاد علیه السلام چنین بود که هرگاه شوهر دختر یا شوهر خواهر نزد او می آمد، عبایش را پهن می کرد و او را بر آن می نشانید، سپس می فرمود: مرحبا به کسی که زحمت را برداشت و ناموس را حفظ کرد. (۱)

ص: ۱۷۴

۱. برجسته کردن اشتباه های بزرگسالان در برنامه های کودک

طفل از زمان تولد و خردسالی به مادر بسیار وابسته است و او را مرکز آمال خویش تصور می کند و حتی همه آرزوهای خود را در وجود او می بیند. به تدریج و از ماه دوم تولد، پدر هم وارد زندگی و ذهن کودک می شود.

تصور کودکان از والدین خود بسیار شفاف و مطلوب است. کودک، مادر را مظهر محبت، عشق و ارضای نیازهای خود می داند. پدر را مظهر علم و قدرت و عدل و اجرای قانون می شناسد. هرگاه احساس خطر کند، به پدر پناه می برد و آنجا که نیاز به نوازش دارد، خود را به آغوش مادر می رساند.

کودک، والدین خود را داناترین، نیرومندترین و زیباترین و مهربان ترین موجودات می داند و آرزو می کند همانند آنان باشد و رفتار آنان را تقلید می کند و می کوشد با آنها همانند سازی کند. هنگامی که کودکان در برنامه

کودک می بیند که اشتباه بزرگسالان، به ویژه والدین نشان داده می شود، دچار تعارض و سردرگمی می شوند و در نتیجه شأن و موقعیت والدین در نزد کودک کاسته می شود. این موضوع می تواند برای کودک بسیار خطرناک باشد. از این رو، برنامه سازان برنامه های کودک، اشتباه های بزرگ ترها را نشان دهند.

۲. خشونت گرایی

ثابت شده است تماشای خشونت از تلویزیون با رفتار خشونت بار در میان گروه های جمعیتی، ارتباط دوسویه دارد. بررسی جامع هزاران مطالعه تجربی و طولانی مدت، تأیید می کند که تماشای خشونت از تلویزیون با رفتار خشونت بار مرتبط است. در حال حاضر، بررسی درباره این مشکل تأثیر رسانه ای وظیفه ما نیست، بلکه ما موظفیم که مشخص کنیم چه چیز از تلویزیون پخش می شود و بر آن مواردی که پیش تر نشان داده شده است و می تواند آثار بالقوه مضری بر بینندگان کم سن و سال داشته باشد، نظارت کنیم. (۱)

برای درخواست نظارت بر پخش خشونت از تلویزیون، به برخی ملاحظات نیازمندیم که نخستین آنها پاسخ به این پرسش است که منظورمان از نمایش خشونت چیست؟ چگونه باید محتوای خشونت را دسته بندی یا تعریف کنیم تا در صورت لزوم به شکل مؤثری پخش شوند و میزان پخش یا شکل ارائه آن محدود شود؟ همه ما درباره آنچه خشونت می نامیم، ایده ای داریم، ولی ممکن است آنچه از نظر یک فرد، خشن به نظر می رسد، از نظر

ص: ۱۷۶

۱- [۱]. بری گونتر رجیل مک آلر، کودک و تلویزیون، ترجمه: نصرت فنی، سروش، ۱۳۸۰، ص ۱۳۵.

فرد دیگر، خشن نباشد. (۱)

در تعریف خشونت گفته اند: هر نوع عمل فیزیکی، با سلاح یا بدون آن بر ضد خود شخص، شخصی دیگر، حیوان یا شیء بی جان، چه این عمل انجام شود یا تنها قصد انجام آن وجود داشته باشد و چه این عمل باعث صدمه شود و چه نشود، یک عمل خشونت آمیز است.

با توجه به این تعریف، متأسفانه بخشی از برنامه های سیمای جمهوری اسلامی، به ویژه برنامه کودکان، برنامه های خشونت بار هستند، به ویژه برخی کارتون ها که تأثیر و جاذبه آنها برای کودکان بیشتر از دیگر برنامه هاست. کارتون _دیجیمون ها_، یکی از این برنامه هاست که در همه قسمت های آن جنگ میان دو دسته از دیجیمون ها و با پیشرفته ترین سلاح ها، بازتاب خشونت است و متأسفانه کودکان پس از تماشای هر برنامه خشونت آمیز، نقش یکی از افراد آن برنامه را برای خود، انتخاب و رفتار خشن او را تکرار می کنند.

کارتون _تام و جری_ از برنامه هایی است که بسیار پخش می شود و جاذبه ویژه ای برای کودکان دارد، ولی به طور ناخودآگاه در ذهن کودکان خشونت می آفریند؛ برنامه ای که از آغاز تا پایان، شیوه های فریب و خشونت را برای کودکان مجسم می کند.

۳. تخیل گرایی افراطی

یکی از نیروهای خدادادی در وجود انسان، قوه خیال است که باعث ابتکار و خلاقیت می شود. پرورش قوه خیال برای کودکان بسیار ضروری و

ص: ۱۷۷

مفید است. کودکان با استفاده از قوه خیال می توانند به آنچه در جهان واقع دست نیافتنی است، دست یابند و برای خود، دنیای زیبا، دوست داشتنی، همراه با اتفاق های عجیب بسازند. در این میان، برنامه های تلویزیون می توانند در هدایت قوه تخیل کودکان مؤثر باشند. کارتون های فضایی و آمدن افراد فضایی به زمین و سفر به کره های ناشناخته، می تواند نیروی تخیل کودکان را فعال کند و آنها را به تفکر درباره کشف مجهول های جهان اطراف خود وا دارد. البته اگر این تخیل گرایی اگر از حد و اندازه بگذرد، آثار زیان باری را پدید خواهد آورد و کودک را از واقعیات زندگی دور می کند. در این صورت، او هر چیز دست نیافتنی را ممکن تصور می کند و پذیرش واقعیات زندگی برایش دشوار می شود. پس نمی تواند میان امکانات موجود و خواسته های خود رابطه برقرار کند و همیشه تفکر او ورای آنچه دارد، سیر می کند.

برخی برنامه های سیما دچار تخیل افراطی است. برای نمونه، برنامه نوجوان، یا نیم رخ نوجوان فقط با تخیل گرایی و الفاظ خیال بافانه با نوجوانان سخن می گوید. همچنین با به وجود آوردن صحنه هایی با رنگ آمیزی های عجیب و غریب، نوجوانان را به یک عالم رؤیایی می برد که هیچ گونه خلاقیت و ابتکاری در آن وجود ندارد.

۴. طرح مسائل جنسی پنهان

از دشوارترین مسائل تربیتی، برخورد با مسائل جنسی کودکان و نوجوانان است. این میل در دوره کودکی نهفته است و به تدریج در وجود انسان رشد می کند و در دوره نوجوانی به اوج شدت و قدرت می رسد. این گمان که

کودکان هیچ گونه انگیزه جنسی ندارند و در این زمینه، نیازی به مراقبت از آنها نیست، گمانی باطل است.

برنامه های تلویزیونی نباید به گونه ای باشد که گزینه جنسی را در کودکان پیش از موقع بیدار کند. مطرح کردن روابط دختر و پسر در برنامه ها، دوستی دخترها با پسرها و در کنار هم بودن دختر و پسر در فیلم ها و کارتون ها، نوعی طرح مسائل جنسی پنهان است. شرکت کردن دخترهای ۷ یا ۸ ساله در برنامه کودک با بدن های نیمه عریان و آرایش های خاص، می تواند محرک گزینه جنسی و حس کنجکاوی کودکان باشد. این صحنه، کودکان را به کاوش در این زمینه، وامی دارد و پرسش هایی برای کودکان پدید می آورد. همچنین والدین را در پاسخ گویی به این گونه مسائل دچار مشکل می کند.

۵. رابطه با حیوانات (سگ، گربه و...)

کودکان علاقه زیادی به حیوانات دارند و دوست دارند از آنها نگهداری و با آنها بازی کنند، ولی محیط های شهری و کوچک بودن خانه ها اجازه چنین کاری را به خانواده ها نمی دهد. از سوی دیگر، نگهداری بعضی حیوانات با فرهنگ و مذهب جامعه ما سازگاری ندارد. برای نمونه، نگهداری سگ در خانه افزون بر ایجاد آلودگی ها و مشکلات بهداشتی برای کودکان، از نظر شرعی نیز سبب نجاست محیط زندگی می شود، ولی متأسفانه بعضی برنامه های سیما، ناخودآگاه، نگهداری حیواناتی را که با فرهنگ ما سازگاری ندارد، ترویج می کنند.

تماشای کارتون هایی که سگ ها نقش اول را در آن بر عهده دارند و در کنار افراد خانواده و همانند یکی از اعضای خانواده نوازش و نگهداری می شوند، کودکان جامعه اسلامی ما را با سردرگمی روبه رو می کند. از یک

سو، بر اساس علاقه، خواهان نگهداری سگ، گربه و... هستند و از سوی دیگر با منع والدین روبه رو می شوند و درک نمی کنند که چرا سگ به این تمیزی، نجس است.

نقد برنامه های خانوادگی

۱. توجه فراوان به عشق های زمینی

یکی از وظایف صدا و سیما، تشویق فرهنگ ازدواج و تشکیل خانواده است. با توجه به اهمیت ازدواج و نقش آن در زندگی و سلامت جسمی و روانی افراد و لغزش ها و انحراف هایی که در اثر بالا رفتن سن ازدواج پدید می آید، رسانه های جمعی، به ویژه صدا و سیما می توانند با تشویق جوانان به ازدواج و فرهنگ سازی برای رفع موانع ازدواج، به ویژه موانع فرهنگی و سنتی، سن ازدواج را پایین بیاورند. البته تشویق ازدواج نباید به صورت ترویج عشق های افراطی زمینی جلوه گر شود.

دیده ایم که پایان بیشتر برنامه ها و سریال های خانوادگی و غیرخانوادگی به ازدواج ختم می شود، ولی در سراسر سریال، نگاه های هوس آلود دختر و پسر به دنبال هم است. به طور معمول از ابتدای فیلم و سریال می توان همه فرازها و پایان آن را حدس زد. این گونه برنامه ها، نه تنها زمینه ساز ازدواج نیست، بلکه تشویق هوس رانی و نظر بازی است.

۲. طنزهای مخرب در روابط خانواده

خانواده، سنگ بنای حیات جامعه است و هرگونه اقدام و رشد اجتماعی در سایه خانواده به دست می آید. خانواده، عامل ثبات و سازش اجتماعی است و سعادت جامعه تا حدود زیادی وابسته به سعادت آن است.

پشتیبانی از خانواده، وظیفه همه و به ویژه صدا و سیماست. برنامه ریزی ها و برنامه سازی ها باید برای حفظ و حراست خانواده از خطرها و آسیب ها باشد. این لغزشی بزرگ است که خانواده، موقعیت اصیل خود را از دست بدهد و در مسیری قرار گیرد که انحرافی و خطرآفرین باشد.

طنزهایی که به اساس خانواده تعرض می کند، مرد یا زن خانه را به مسخره می گیرد و حرمت هر یک را در خانواده کم رنگ می کند و باعث تزلزل نظام خانواده می شود.

۳. ضد و نقیض گویی درباره سرپرست خانواده

مرد، کدخدای خانواده و مظهر مدیریت و سرپرستی در همه امور خانه و اعضای آن است. وجود مرد در خانه یک دنیا قانون است؛ عامل نظم، انضباط و عدالت است. وقتی سایه پدر بر سر اعضای خانواده باشد، آنها با اعتماد و اطمینان بیشتری کار و زندگی می کنند و می کوشند اعمال و رفتارشان را با ضوابط و مقررات خانواده تطبیق دهند.

هر چند فرزندان از مادر هم حساب می برند، ولی واقعیت این است که اطاعت از مادر به دلیل وجود نوعی ملاحظات است، ولی حساب بردن آنها از پدر به دلیل وجود ابهت پدر در دل هاست. فرزندان، حرف پدر را می پذیرند؛ از آن رو که پدر مسئول اجرای مقررات و ضوابط است.

برنامه های صدا و سیما باید نقش ولایتی پدر را تقویت و جایگاه «الرجال قوامون علی النساء؛ مردان (شوهران) سرپرست و پشتیبان و نگهبان زنانند.» (نساء: ۳۴) را به خوبی ترسیم کنند و از طرح شیوه های زندگی که مدیریت پدر را در خانواده تضعیف و خانواده را از مسیر صحیح منحرف می کند، به شدت بپرهیزند. تبلیغ زن سالاری و فرزندسالاری در برنامه های سیما، سبب سستی بنیاد

خانواده می شود، مدیریت صحیح خانواده را دچار مشکل می کند و اعضای خانواده را به سوی خود مختاری و بی نظمی می کشاند.

۴. کارشناسی های غیراسلامی

به طور معمول، صدا و سیما در برنامه های گوناگون، به ویژه در برنامه های خانواده، «تصویر زندگی»، «به خانه برمی گردیم»، «صبح و زندگی» و دیگر برنامه های خانوادگی، از کارشناسان متعددی استفاده می کند. باید توجه کرد که کارشناسان ما، به ویژه در رشته های روان شناسی و مشاوره چند دسته اند؛ برخی دانش آموخته دانشگاه های اروپایی و امریکایی هستند و برخی داخلی. برخی گرایش های مذهبی قوی تری دارند و برخی ضعیف تر. بعضی دارای دیدگاه های نظری نیرومندتری هستند و تجربه عملی کمتری دارند و یا برعکس.

بنابراین، نباید در برنامه های کارشناسی از دانش آموختگان غربی که هیچ آشنایی با فرهنگ اسلامی ندارند یا معارف اسلامی را در شکل دهی نظام خانواده اجرا شدنی نمی دانند، استفاده کرد؛ زیرا اینان همه مسائل را با نظریه های جبرگرایانه رفتار گرایان و اندیشه های فروید دنبال می کنند. نه تنها ارائه این برنامه های کارشناسی، مشکلات خانواده های جامعه اسلامی ما را حل نمی کند، که در برخی موارد، خانواده ها را دچار تعارض می کند. آنها نمی توانند میان ارزش های اسلامی با آنچه کارشناس بیگانه با این فرهنگ ارائه کرده است، جمع کنند.

پس کارشناسان برنامه های خانوادگی، تربیتی و اجتماعی باید از فرهنگ اسلامی جامعه و مبانی فکری دینی آگاهی لازم را داشته باشند تا راهکارهایی برای استحکام خانواده و رعایت ارزش های دینی و فرهنگی ارائه کنند.

یکی از سفارش های اسلام در زندگی فردی و اجتماعی، قناعت و ساده زیستی است. ساده زیستی و قناعت باعث عزت، سربلندی، آرامش خاطر، تکامل فکری _ روحی و سعادت انسان می شود. در مقابل، تجمل گرایی و مصرف زدگی، بیماری خطرناکی است که مفاسد مادی و معنوی فراوانی دارد و زمینه ساز انواع آلودگی ها و زشتی ها می شود. تجمل گرایی، اقتصاد خانواده را فلج می کند، افکار را به خود مشغول می سازد و از سازندگی باز می دارد. از این رو، باید همگان برای اصلاح زندگی تجملی بکوشند.

در این میان، نقش صدا و سیما هم در ترویج زندگی تجملی و هم در رفع آن و تشویق ساده زیستی بسیار مؤثر است. برنامه ها و سریال هایی که ازدواج دو جوان را به نمایش می گذارند که از نظر امکانات زندگی، مبلمان، و دکوراسیون منزل، میز غذا خوری، وسایل تجملی و ماشین، بهترین ها را برای خود برگزیده اند و چنین صحنه هایی در برنامه های گوناگون از پیش دید جوانان ما می گذرد، آیا توقع کاذب در افرادی که چنین امکاناتی ندارند، ایجاد نمی کند؟ آیا زندگی ها را تلخ نمی کند؟ آیا می توان انتظار داشت پسرهای جوان جامعه ما جرئت اقدام به ازدواج پیدا کنند؟ آیا دختران جوان جامعه، تن به ازدواج های ساده خواهند داد؟

وقتی در برنامه های آشپزی، دوربین بر روی انواع مختلف وسایل برقی آشپزخانه، مانند: مخلوط کن ها، چرخ گوشت، آب میوه گیری، هم زن برقی با مدل های خارجی و دیگر ابزارهای تجملاتی داخل آشپزخانه و انواع مواد غذایی متمرکز و پخت یک غذای خوب و خوشمزه مشروط به داشتن چنین

ابزاری معرفی می شود، چگونه می توان انتظار داشت ساده زیستی در جامعه رواج پیدا کند. اصولاً چند درصد افراد جامعه ما چنین زندگی و امکاناتی دارند که در سیمای جمهوری اسلامی، چنین امکاناتی تبلیغ می شود؟

نقد و بررسی فیلم ها و برنامه ها در زمینه روابط خانوادگی

۱. روابط والدین با فرزندان

هر چند در بعضی از سریال ها و فیلم ها تلاش می شود برخوردهای ناسالم والدین با فرزندان ها کمتر باشد، ولی تا رسیدن به وضع مطلوب فاصله زیادی داریم. هنوز هم آنچه از نکات برجسته وظایف والدین معرفی می شود، برآوردن نیازهای مادی فرزندان است. گویی اگر والدین نیازهای مادی فرزندان خود را برآورده کردند، تمام مشکلات را از پیش روی فرزندان خود برداشته اند. یکی از برنامه هایی که در صدا و سیما کمبود و خلأ آن به طور کامل محسوس و مشهود است، برنامه های آموزشی روابط سالم والدین با فرزندان است. باید برنامه هایی در این زمینه ساخته شود تا والدین بدانند که در مراحل گوناگون رشد با فرزندانشان چگونه رفتار کنند، در دوران کودکی دیدگاه کودکان به والدین چگونه است، آنها چه نیازها و انتظاری دارند و با چه دیدی به والدین خود نگاه می کنند. همچنین والدین باید بدانند در دوران نوجوانی در مقابل روحیه استقلال طلبی، گرایش به دوستان و هم سالان و توجه به مسائل جنسی او چه موضعی را باید اتخاذ کنند. متأسفانه بعضی والدین هنوز فرزند خود را کودک می دانند و با او کودکانه رفتار می کنند و بعضی دیگر تصور می کنند او بزرگ شده است و هیچ گونه نظارتی بر رفتار او ندارند. صدا و سیما می تواند با کمک گرفتن از روان شناسان و

کارشناسان امور تربیتی، فیلم‌ها و میان‌پرده‌های آموزشی بسازد و روش‌های برخورد صحیح والدین با فرزندان خود را آموزش دهد.

۲. روابط فرزندان با والدین

احترام متقابل فرزندان و والدین باید در همه برنامه‌ها به صورت یک اصل اساسی مد نظر برنامه‌سازان و تهیه‌کنندگان سیما، به ویژه برنامه‌های خانوادگی باشد. کوچک‌شمردن والدین به وسیله فرزندان، نباید در سیما به نمایش گذاشته شود. اگر در پی القای یک پیام تربیتی خاص باشیم، باید در همان برنامه، نتایج مورد نظر خود را به مخاطب القا کنیم.

متأسفانه یکی از شیوه‌های غلط که در ساخت فیلم‌ها و سریال‌ها بسیار استفاده می‌شود، این است که در یک برنامه چند قسمتی ابتدا روابط ناسالم و منفی فرزند با والدینش نمایش داده می‌شود و این رفتار نامناسب ادامه پیدا می‌کند تا در آخرین قسمت‌ها، اهداف مثبت خود را به شنونده و بیننده القا می‌کند. اگر کسی قسمت‌های آخر این سریال را تماشا نکرده باشد، آنچه در قسمت‌های اول این سریال دیده، درگیری فرزند با والدین و بی‌احترامی به آنهاست. نمونه چنین برنامه‌ای سریال پدر سالار بود. هر چند شیوه نادرست پدر و پافشاری او برخواسته هایش، باعث ایجاد مشکلاتی برای دیگر اعضای خانواده شد، ولی فرزندان اجازه ندارند حرمت پدر خود را بشکنند و رفتار نامناسبی با او داشته باشند. ولی بیننده این حرمت شکنی را می‌بیند و تا آخرین قسمت سریال، این روابط ادامه دارد و در آخرین قسمت، هر دو طرف به اشتباه خود پی می‌برند. اگر بیننده‌ای نتوانسته باشد آخرین قسمت این مجموعه را ببیند، هیچ پیام صحیحی از این مجموعه دریافت نکرده است.

۳. روابط همسران

در زمینه روابط همسران با یکدیگر هر چند نسبت به گذشته، کمیت فیلم‌ها و سریال‌ها بیشتر شده و کیفیت آنها از اصول تربیتی و روابط سالم بهتری برخوردار است، ولی تا رسیدن به سطح مطلوب فاصله زیادی دارند.

یکی از اشکال‌های اساسی مجموعه‌هایی که روابط همسران را به تصویر می‌کشند، بزرگ کردن درگیری‌های همسران است. در بیشتر این برنامه‌ها، نخستین پرسش مرد خانه از همسرش پس از بازگشت از کار این است که چه چیزی برای شام یا نهار آماده کرده است. بدون توجه به زحمتی که همسر در خانه متحمل شده، انتظار دارد همه چیز آماده باشد. در فیلم‌های سیما، معمولاً مردان در خانه یا در حال تماشای تلویزیون و یا مطالعه روزنامه هستند و در بعضی موارد هم کارهای اداره خود را در منزل انجام می‌دهند. هیچ‌گونه توجهی ندارند که همسرانشان نیاز دارند که با آنها صحبت کنند و از آنچه در بیرون از خانه اتفاق افتاده است، آگاهی پیدا کنند.

برنامه‌سازان باید در فیلم‌های خود، فرهنگ درک متقابل، تکریم یکدیگر و عذرخواهی هنگام اشتباه را میان همسران ترویج کنند.

نقد و بررسی تأثیر روابط ناسالم اعضای خانواده در فیلم‌ها و سریال‌ها

۱. طلاق و جدایی

برنامه‌سازان می‌توانند با شناخت میان‌پرده‌ها و فیلم‌های کوتاه، مردم را از تأثیر روابط ناسالم خانواده‌ها در پیدایش معضل طلاق و جدایی آگاه کنند. برخی زوج‌های جوان می‌پندارند که زندگی شیرین آنها همیشه همین‌گونه

خواهد بود و هیچ چیز نمی تواند این شیرینی را به تلخی تبدیل کند. از این رو، بعضی اوقات، وظایف و مسئولیت خود را در خانواده فراموش می کنند. مجموعه های تلویزیونی می توانند زندگی هایی را به تصویر کشند که با عشق و علاقه آغاز می شوند، ولی به دلیل ناآگاهی همسران از عوامل استمرار چنین روابطی و ناآشنایی آنها با موانع مشکل آفرین در روابط خانوادگی، دچار مشکل می شوند و طلاق را تنها راه نجات خود از جهنمی می دانند که از روابط غلط برای خود ساخته اند.

۲. فرار فرزندان از محیط خانواده

روابط ناسالم به طور معمول با درگیری لفظی آغاز و با بگومگوها، شدیدتر می شوند و ادامه پیدا می کنند. در این هنگام، فرزندان نخستین کسانی هستند که احساس امنیت خود را از دست می دهند و زیان می بینند. هنگامی که محیط خانه ناآرام شود، محیط روحی کودک نیز به هم می ریزد، احساس ناامنی و بی پناهی در او به وجود می آید و در پی آن است که راهی بیابد تا خود را از این نگرانی ها برهاند. به نظر او کوتاه ترین راه برای رهایی از چنین وضعیتی، فرار از محیط خانه است. تصویر چنین روابطی و عوارض سوئی که بر جای می گذارد، در برنامه های خانواده می تواند والدین را از خواب غفلت بیدار کند و از نتیجه روابط غلطی که پی ریزی کرده اند و به ادامه آن اصرار می ورزند، آگاه سازد.

در مورد چنین برنامه هایی، وجود کارشناسان پس از پایان فیلم و سریال برای تحلیل رفتار و برخوردهای افرادی که نقش پدر و مادر و یا فرزند را بازی می کردند، ضروری به نظر می رسد؛ زیرا هنگام پخش برنامه، بیشتر

جنبه های هنری، مخاطبان را به خود جذب می کند و از پیام هایی که مجموعه در پی انتقال آن بوده است، غافل می ماند.

از مجموعه های تلویزیونی که به این موضوع توجه کرده، «دوران سرکشی» بود که بینندگان نیز از آن استقبال کردند.

۳. بزهکاری های اجتماعی

یکی از معضل های اجتماعی، بزهکاری های کودکان و نوجوانان است. سرقت، شرارت، خراب کاری و درگیری های خیابانی از مواردی هستند که در میان این سن رو به افزایش است. به نظر می رسد ساختن مستندهایی از کانون های اصلاح و تربیت و گفت و گو با کودکان و نوجوانان این کانون ها می تواند در آگاهی دادن به خانواده ها نقش مؤثری داشته باشد. بیشتر کسانی که در این کانون ها به سر می برند، فرزندان خانواده هایی هستند که یا پدر و مادر آنها از یکدیگر جدا شده و یا به مواد مخدر پناه برده اند و وظیفه تربیتی خود را در برابر فرزندان خویش فراموش کرده اند.

در بعضی موارد نیز با وجود در کنار هم بودن والدین، ارضا نشدن عاطفی کودک، احساس بی پناهی و طرد شدن از سوی والدین و نبود نظارت والدین بر رفت و آمدهای فرزندان، کودکان و نوجوانان را به چنین مراکزی کشانیده و از آغوش گرم و پر محبت خانواده محروم کرده است.

بدیهی است ارائه چنین اطلاعاتی در برنامه های مستند از چنین کانون هایی، والدین را درباره رفتاری که با فرزندان خود دارند، آگاه می کند و آنان را در برابر مسئولیتی که در زمینه تربیت فرزندان خود دارند، متعهدتر خواهد کرد.

۱. موفقیت فرزندان

یکی از برنامه‌هایی که باید بیشتر در صدا و سیما به آن توجه شود، گفت و گو با نخبگان علمی و نوجوانانی است که توانسته‌اند در المپیادهای مختلف، مقام‌های جهانی کسب کنند.

متأسفانه در معرفی چنین افرادی تنها به چند دقیقه گفت و گو هنگام مراجعت از المپیادها بسنده می‌شود. یکی از نکته‌های برجسته‌ای که این نوجوانان و جوانان در مصاحبه‌های کوتاه خود بیان می‌کنند و در موفقیت خود مؤثر می‌دانند، نقشی است که والدین آنها در ایجاد محیطی مناسب و بستری سالم برای مطالعه و تحصیل به عهده داشته‌اند.

۲. موفقیت شغلی همسران

نقش خانواده در موفقیت و شکست یک مرد در کار و شغلی که انتخاب کرده، بسیار زیاد است. اگر محیط خانواده، محیطی گرم و صمیمی باشد و مرد خانه صبح هنگام با بدرقه همسر خود خارج شود و هیچ‌گونه دغدغه فکری درباره غیبت خود از خانه نداشته باشد، می‌تواند وظیفه خود را با آرامش خیال انجام دهد و مطمئن باشد که در پایان یک روز کاری، همسری مهربان در خانه را به روی او باز خواهد کرد و به استقبال او خواهد آمد. چنین فردی می‌تواند در شغل و وظیفه‌ای که بر عهده گرفته است، موفق باشد، ولی اگر هنگام کار نگران خانه و فرزندان خود باشد و هنگام حضور

در خانه با همسر خود مشاجره و درگیری داشته باشد، در شغل خود هم شکست خواهد خورد.

یکی از مجموعه های موفق که در این زمینه ساخته شد، مجموعه «برگ و باد» است؛ درگیری ها و مشاجره های منصور _ مرد این خانواده _ با همسرش، تأثیر نامطلوبی بر روند کاری وی داشت. هر روز دیر به سر کار می رفت و نمی توانست کار خود را به طور مطلوب انجام دهد و عاقبت از کار اخراج شد. برعکس در ازدواج بعدی، با همسر خود روابط سالم و صمیمی دارد، شغل جدیدی پیدا می کند و از آن رو که در خانواده آرامش روانی دارد، در شغل خود هم به موفقیت مطلوبی دست پیدا می کند.

پرسش های مردمی

۱. شما چه مقدار وقت در شبانه روز برای گفت و گو با همسر و اعضای خانواده خود اختصاص می دهید؟

۲. چرا در جامعه ما آمار طلاق رو به افزایش است؟

۳. خانواده ها چگونه می توانند روابط سالم و سازنده داشته باشند؟

۴. صدا و سیما جمهوری اسلامی، چگونه می تواند در ایجاد روابط سالم به خانواده ها کمک کند؟

۵. برنامه های مشاوره در زمینه خانواده در صدا و سیما تا چه اندازه توانسته در ایجاد رابطه سالم بین اعضای خانواده به شما کمک کند؟

۶. در برنامه های خانوادگی بیشتر باید به چه موضوعهایی توجه شود؟

۷. راهکارهایی که کارشناسان خانواده در برنامه های کارشناسی ارائه می دهند، تا چه اندازه مفید بوده است؟

۱. یک رابطه سالم بین اعضای خانواده باید چه ویژگی هایی داشته باشد؟
۲. چگونه می توان بین اعضای خانواده یک رابطه سالم و سازنده برقرار کرد؟
۳. موانع رسیدن به یک رابطه سالم و سازنده چیست؟
۴. نقش مرد خانواده در ایجاد یک رابطه سالم و سازنده چیست؟
۵. نقش زن خانواده در ایجاد یک رابطه سالم و سازنده چیست؟
۶. نقش فرزندان در ایجاد یک رابطه سالم و سازنده چیست؟
۷. روابط سالم اعضای خانواده چه تأثیری در آرامش روانی اعضای خانواده دارد؟
۸. برنامه های کودک و نوجوان باید چه ویژگی هایی داشته باشد؟
۹. آیا برنامه های خانواده صدا و سیما در برقراری روابط سالم و سازنده مؤثر است؟
۱۰. چرا آمار طلاق و جدایی در جامعه ما افزایش یافته است؟
۱۱. منظور از تضاد ارزشی و شکاف فرهنگی بین اعضای خانواده چیست؟
۱۲. موفقیت خانواده را در پیشرفت تحصیلی و تربیتی فرزندان چگونه ارزیابی می کنید؟
۱۴. یک خانواده متعادل چه ویژگی هایی دارد؟
۱۵. عوامل اصلی اختلاف میان والدین و فرزندان چیست؟

۱. غلام علی افروز، روان شناسی رابطه ها، تهران، انتشارات نوادر، چاپ دوم، ۱۳۸۰.
۲. محمدرضا بیانی، خانواده و تدابیر تربیتی، تهران، چاپ تابان، ۱۳۴۶.
۳. یدالله جهانگرد، نحوه رفتار والدین با فرزندان، تهران، انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۳.
۴. ابراهیم خرمی مشکانی، راز خوشبختی همسران، قم، انتشارات مرسل، ۱۳۸۰.
۵. مجید رشید پور، تعادل و استحکام خانواده، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۳.
۶. محمدرضا شرفی، خانواده متعادل، تهران، انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۴.
۷. احمد صافی، خانواده متعادل، تهران، انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۴.
۸. رضا فرهادیان، آنچه والدین باید بدانند، قم، انتشارات رثوف، چاپ اول، ۱۳۷۰.

- * قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- * نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام.
۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه.
 ۲. احدی، حسن و شکوه السادات بنی جمال، روان شناسی رشد، تهران، نشر بنیاد، چاپ دوم، ۱۳۶۷.
 ۳. احمدی، علی اصغر، اصول تربیت، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۸.
 ۴. ارگانامی بهبهانی، محمود، دید و بازدید (صله رحم) پیام مهدی (عج)، قم، چاپ اول، ۱۳۷۶.
 ۵. افروز، غلامعلی، روان شناسی رابطه ها، تهران، انتشارات نوادر، چاپ دوم، ۱۳۸۰.
 ۶. _____، همسران برتر، تهران، انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۷.
 ۷. امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت (۲)، تهران، انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۲.
 ۸. بری گونتور و جیل مک آرلر، کودک و تلویزیون، ترجمه نصرت فتی، تهران، سروش، ۱۳۸۰.
 ۹. بهشتی، احمد، مسائل و مشکلات خانواده، (جلد سوم)، تهران، سازمان تبلیغات.
 ۱۰. پرومود بترا و دیگران، راه های ساده برای زندگی سعادت مند، ترجمه مهدی قرچه داغی، تهران، نشر نخستین، چاپ سوم، ۱۳۸۰.
 ۱۱. جهانگرد، یدالله، نحوه رفتار والدین با فرزندان، تهران، انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۳.
 ۱۲. حرانی، ابن شعبه، تحف العقول.
 ۱۳. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
 ۱۴. حسینی، احمد، بهداشت روانی ازدواج و همسر داری، تهران، انتشارات مفید، چاپ اول، ۱۳۸۰.
 ۱۵. حسینی زاده، سید علی، سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت در تربیت فرزند، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ۱۳۸۰.
 ۱۶. خزّمی مشگانی، ابراهیم، راز خوشبختی همسران، قم، انتشارات مرسل، ۱۳۸۰.

۱۷. دشتی، محمد و سید کاظم محمدی، المعجم الفاظ نهج البلاغه، نشر امام علی، چاپ دوم، ۱۳۶۹.

ص: ۱۹۳

۱۸. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، روان شناسی رشد، (جلد اول و دوم)، تهران، سمت، ۱۳۷۵.
۱۹. دن فونتتل، کلیدهای رفتار با نوجوانان، ترجمه مسعود حاجی زاده، تهران، انتشارات صابرین، ۱۳۷۸.
۲۰. دو لورس کوران، استرس و خانواده سالم، ترجمه مهدی قرچه داغی، تهران، البرز، چاپ اول، ۱۳۷۵.
۲۱. رئیس دانا، مجید، والدین مؤثر، فرزند مسئول، تهران، رشد، ۱۳۷۰.
۲۲. رحیمی نژاد، عباس و رضا دهبانی، برنامه آینده سازان رادیو، دی ماه ۱۳۶۷.
۲۳. رشیدپور، مجید، تعادل و استحکام خانواده، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۳.
۲۴. _____، روان شناسی ازدواج در اسلام، تهران، انجمن اولیا و مربیان، چاپ اول، ۱۳۶۵.
۲۵. سادات، محمد علی، راهنمایی پدران و مادران، (جلد دوم)، قم، نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۲.
۲۶. سهرابی، حمیدرضا، شناخت و درمان اختلاف های زناشویی (زناشویی درمانی)، تهران، انتشارات ارسا، ۱۳۷۷.
۲۷. شرف الدین، سید حسین، تحلیلی اجتماعی از صله رحم، قم، دفتر تبلیغات، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۲۸. شرفی، محمدرضا، جوان و بحران هویت، تهران، سروش، چاپ سوم، ۱۳۸۱.
۲۹. _____، خانواده متعادل، تهران، انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۴.
۳۰. _____، دنیای نوجوان، تهران، انتشارات تربیت، چاپ چهارم، ۱۳۷۶.
۳۱. صافی، احمد، خانواده متعادل، تهران، انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۴.
۳۲. طاهری، حبیب الله، سیری در مسائل خانواده، سازمان تبلیغات، انتشارات بهمن، ۱۳۷۰.
۳۳. عسگری، حسین، نقش بهداشت روان در ازدواج، زندگی زناشویی و طلاق، تهران، انتشارات گفت و گو، ۱۳۸۰.
۳۴. فرانک فینچام و دیگران، رابطه همسران، برگردان مهدی قرچه داغی، تهران، بیک بهار، ۱۳۸۰.
۳۵. فرهادیان، رضا، آنچه والدین باید بدانند، قم، انتشارات رئوف، چاپ اول، ۱۳۷۰.
۳۶. _____، تربیت برتر، قم، دفتر تبلیغات، ۱۳۷۵.
۳۷. فلسفی، محمدتقی، گفتار فلسفی، بزرگ سال و جوان، (جلد دوم)، تهران، ۱۳۴۱.

۳۹. فیض کاشانی، محسن، محجه البيضاء، قم، جامعه مدرسین.
۴۰. قائمی، علی، خانواده و مسائل نوجوان و جوان، شفق، چاپ پنجم، ۱۳۷۰.
۴۱. _____، خانواده و مسائل همسران جوان، تهران، انتشارات امیری، ۱۳۶۲.
۴۲. _____، خانواده و نقش بنیادین آن، تهران، سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۰.
۴۳. _____، سازندگی و تربیت دختران، تهران، انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۸۰.
۴۴. _____، کودک و خانواده نابسامان، انجمن اولیا و مربیان، چاپ دوم، ۱۳۶۹.
۴۵. _____، نقش پدر در تربیت، تهران، انتشارات امیری.
۴۶. قمی، عباس، سفینه البحار، چاپ بیروت، دارالعلم.
۴۷. کاشفی، محمدرضا، آیین مهرورزی، قم، دفتر تبلیغات اسلام، ۱۳۷۶.
۴۸. کریمی نیا، محمد علی، الگوهای تربیت اجتماعی، قم، پیام مهدی، چاپ اول، ۱۳۷۲.
۴۹. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران، مکتبه الاسلامیه، ۱۳۷۹.
۵۰. _____، فروع کافی.
۵۱. ماسن و دیگران، رشد و شخصیت کودک، ترجمه مهشید یاسایی، تهران، نشر مرکز، چاپ یازدهم، ۱۳۷۶.
۵۲. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار
۵۳. مشکینی، علی، مواظب العددیه، انتشارات صحفی
۵۴. مصباح یزدی، محمد تقی، اخلاق در قرآن، (جلد سوم)، قم، مؤسسه آموزشی، پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۸.
۵۵. منطقی، مرتضی، روان شناسی تربیتی، تهران، جهاد سازندگی، ۱۳۷۲.
۵۶. نوابی نژاد، شکوه، سه گفتار درباره راهنمایی و تربیت فرزندان، تهران، انجمن اولیا و مربیان، چاپ پنجم، ۱۳۷۴.
۵۷. نوری، حسین، مستدرک الوسائل، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۵۸. ویرجینا ستیر، آدم سازی در روان شناسی خانواده، ترجمه بهروز بیرشک، تهران، انتشارات رشد، ۱۳۷۰.

۵۹. هائم جی گینات، رابطه بین والدین و کودکان، ترجمه سیاوش سرتیپی، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۲.

ص: ۱۹۶

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

